وَاللّٰهُ الْمُسْتَعَانُ عَلٰى مَا تَصِفُونَ

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی نوّر قلوب الطالبین الصادقین السالکین بذکر اسمائه ذاته و صفاته و نعمائه
قلوب العاشقین المحبین المخلصین بتلاوة قراءته و آیاته احکامه و تجلی قلوب العارفین الکاملین
المکملین بتجلیات اسمائه و صفاته و تجلیات ذاته المنزه فی تنزیه عن صفات النقص و الزوال
و عن الکیف و الکم و عن الاتصال و الانفصال و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد
ان محمدا عبده و رسوله و حبیبه و صلی الله علی خیر خلقه البریة محمد و آله و اصحابه و احبابه اجمعین
هو لها اهل و هم لها اهل آمین یا رب العلمین اما بعد میگوید عبد الضعیف العاصی دوست محمد قندهاری
که مرا در اوائل حال محبت فقرا بسیار بود اشتم اما الطلب علم ظاهری مشغول بودم گاه گاه بزیارت ایشان
میرفتم و دعا میگرفتم و قتیکه علم صرف و نحو و چیزی از کتب ابتدائی علم منطق خواندم دلم از خواندن علم
ظاهر رغبت میکرد در آن وقت در شهر کابل بودم ناگاه یکی بیماری در سینه من درد و سوز پیدا
درد بیهوش شدم بقول برادران تا سیزده روز بیهوش افتاده بودم بعد از آن بهوش آمدم و ذکر
الله هو و سبحان الله بجهر و اخفی میکردم و آه پرسوز و نعره جانسوز میزدم و نمیدانستم که این
چه حالت است پس در آن وقت در حدود پشاور یکی شیخ بودند قدس الله سره بسوی او روانه شدم
و خدمت او رسیدم و ملاقات کردم آن ذوق و شوق سابقه تمام مضطرب الحال شدم باز روی

روی بسیاحت نهادم و خیال عزم سفر بطرف بغداد و بقصد زیارت غوث الثقلین شیخ عبد القادر
جیلانی قدس الله سره العزیز گردانیدم چون بزیارت روضه مقدسه پرنور او مشرف شدم چند وقت
در خانقاه شریف او بودم اما از آن اضطرابات و تشویشات برنیامدم آخر در ملک کردستان
در شهر سلیمانیه کسی صفت شیخ عبد الله هراتی قدس الله سره بسمعم رسانید پس خود را در آنجا رسانیدم
چون بزیارت شیخ مشرف شدم مدت دو سه ماه در حلقه او حاضر میشدم دلم هنوز تسکین نیافت
یکی از شیخ عبد الله فرمودند که شما در خدمت شیخ ابو سعید صاحب قدس الله سره الاقدس بروید
که خلیفه شاه صاحب است در ملک هندوستان در شهر دهلی از آنجا عزم هندوستان کردم اما تا آخر
الحال الیوم که روم با نه پس مراجعت بغداد آمدم و شدم قندهار که شیخ محمد جدید قدس الله سره چند روز
در اینجا بعده بجهره آمدم در خدمت شیخ حسین دوسری قدس الله سره هفت ماه در نزد شیخ
بودم پس از آنجا روانه شدم شهر پشاور قریه بقریه و از یکی شیخ تا شیخ دیگر دعا میگرفتم و میرفتم
و برای توجه در حلقه این بزرگواران می نشستم و لکن بیعت ظاهر از این بزرگواران نکردم تا که
بوطن بلوچ در قلات نصیرخان رسیدم در اینجا التجا و تضرع بجناب کبریا بسیار نمودم و بسی استخاره‌ها
کردم خوابهای خوبی آمدند آخر الامر عزم مصمم دهلی شریف شد براه دریا روانه شدم در بمبئی
رسیدم در اینجا حضرت شیخ الشیوخ حضرت شاه ابو سعید صاحب تشریف آورده بودند بطرف حج میرفتند
بدست ایشان بیعت کردم اضطراب من کم نشد بهمان حال اول بودم بلکه زیاده تر در تشنگی
و حیرانی و پریشانی فرو رفتم پس یکروز از کیفیت حال خود خبری بعرض حضرت نمودم حضرت فرمودند
که من بحج میروم شما در اینجا بنشینید تا که من از حج مراجعت کنم یا به دهلی بروید که در آنجا فرزند من
احمد سعید در نزد خدمت او سکونت کنید و توجه بگیرید و ایشان در بمبئی غایت تاب و توان بود
جا طاقت سکونت نداشتم بطرف دهلی روان شدم یک شب در راه حضرت شاه صاحب [illegible] دیگر

در خواب دیدم که حضرت ... فرموده‌اند که شما ما را دیدن ... پس دل من از ... طرف و حالی بسیار ... پیدا
کرده خطره و ملاحظه دیگر نماند تا که بقدمبوسی حضرت ایشان که شیخی و امامی و استاذی الکامل المکمل العارف
بالله الهادی عباد الله الی الله تعالی قطب الدوران غوث الزمان اعنی حضرت شیخ احمد سعید ...
قدس الله سره الاقدس قلبی و فوادی مشرف شدم بمجرد نظر بروی مبارک ایشان دل از پراکندگی
و اضطراب خلاصی یافت الحمد لله بسیار خوشوقت شدم تا بحدیکه بیت گفتم مصراع با کجایان کار ما ...
بیت مگر روزی این بنده کمینه را حضرت ایشان ... ساختند و فرمودند که در واقعه دیده‌ام که از خود ...
خود ... الیوم و در روز دیگر هم فرمودند در واقعه دیده‌ام که من و تو و سه فرزندان من ...
تا دل ... الحمد لله که همچنان بوده باشد و تصدیق ... و بتصدیق رسیده یکوقت در نزد حضرت ایشان
نشسته بودم شیرینی بخشش میکردند بعض مردمان را بسیار میدادند و بعضی را کم در دل من
خطره گردید که چرا تفرقه میکنند که این فرق کردن در شرع جایز نباشد بهمان ساعت نسبت ...
حضرت ایشان بمن رسیده بود بر خاست لا حول گفتم ... بتضرع و زاری بجناب کبریا ... الحمد لله
نسبت شریف مراجعت کرد یکسال و دو ماه و پنج روز در نزد خدمت حضرت ایشان بودم و در مدت
قلیل این نالایق را اجازت طریقه نقشبندیه و قادریه و چشتیه عنایت فرمودند و یک
دستار و قمیص و کلاه خود نیز انعام فرمودند و اجازت نامه نوشته بولایت خراسان رخصت کردند
من بعد سال بسال مکاتبه بدستخط خود نوشته میفرستادند الحمد لله ... مکتوب بصفت ... بیت
بیت سراپا ظاهرش نور ... و جانست ... باطنش ... بی نشانست ... دارد
و در حق من ... سر موی من ... زبانست ... زبان در وصف حسن او بود لال ... قلم در وصف
حسن ... زبانست ... چه میگویم ... در صفت او ... که ... بان است
آن ... که برین ذره ... بمقدار دوست محمد ... دریافته برای فائده برادران طریقه شریفه

شرایط جمع میکنیم شاید که این عاصی را بدعا خیر یاد فرمایند اجازت نامه مبارک اول که باین فقیر
عطا فرموده‌اند مزین بمهر مبارک خاص این است بسم الله الرحمن الرحیم بعد حمد و صلوة فقیر احمد سعید
مجددی ... و طریقة کان الله له واضح مینماید که صلاحیت و کمالات مرتبت حاجی الحرمین الشریفین
ملا دوست محمد وفقه الله سبحانه لما یحب و یرضی نزد این ... برای کسب باطنی آمده و زیاده از
یکسال نزد فقیر اقامت نمود در ... بلطایف عشره ایشان بطریق طریقه توجه نموده شد حمد الله
سبحانه که ببرکت پیران کبار در هر مقام چاشنی آن چشیدند و آثار و انوار هر لطیفه دریافتند
و امارات فنا و بقا در خود مشاهده نمودند لهذا ایشان را اجازت تعلیم طریقه نقشبندیه مجددیه
و قادریه و چشتیه دادم الله تعالی در عمر ایشان برکت نماید و موجب ترویج طریقه شریفه فرماید
و شرط الاجازة الاستقامة علی الشریعة واتباع السنة والاجتناب عن البدعة ودوام الذکر
والشغل مع الله سبحانه والاعراض عن الخلق والیأس منهم والرجاء من الله تعالی والصبر والتوکل والقناعة
والرضا والتسلیم بسر برند مصراع تو مباش اصلا کمال اینست و بس ... رو در وی گم شو وصال اینست و بس
والسلام اولا و آخرا اجازت نامه مبارک ثانیه که نیز مزین بمهر مبارک خاص بفقیر عطا فرموده‌اند این است
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العلمین والصلوة والسلام علی خاتم النبیین و اله و صحابه اجمعین یقول العبد
الفقیر احمد سعید المجددی کان الله له ان الاخ الصالح المستقیم والاعز الارشد الصمیم حاجی الحرمین
وجامع العلمین مولانا دوست محمد سلمه الله سبحانه وجعله ... اماما فی الخلوة و ... هادیا ...
لمصنوع لما اخذ الطریقة واشتغل بالاذکار والمراقبات و توجهت الیه فی جمیع المقامات
الطریقة النقشبندیة المجددیة والقادریة والچشتیة والسهروردیة والکبرویة ... انصار
من مجمع البحار ومطلع الانوار فاخبرت له اجازة مطلقة للارشاد والطلاب ... والحضور
... تقرب الاحباب و اخذ البیعة المسنونة من طالب الطرق المذکورة فهو خلیفتی ... لی

لمن اهتدی. قال الله تعالی ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله ید الله فوق ایدیهم وصلی الله علی
خیر خلقه محمد و آله و اصحابه اجمعین مکتوب اول که برین کمینه درویشان دولت محمد سلمه در یافته در بیان
ترویج طریقه شریفه و نفی خواطر و دوام ذکر و دوام توجه الی الله تعالی بانکسار تام بسم الله الرحمن الرحیم
اخوی اعزی ارشدی حاجی دولت محمد صاحب سلمه الله تعالی و جعله لذاته از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از
سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه فرمایند نصیحتی که بیاران نموده ای آنست که طریقه
بزرگان را رواج بدهند و امور دین و دنیا و ظاهر و باطن بواسطه پیران کرام بجناب الهی تفویض اودن
و مجاری احوال را از تقدیر کریم کارساز دیدن بر وقایع طبیعت چون و چرا نگشودن و با مردم معارضه نکردن
و از ذلات اغماض نمودن و مساوی بر روی کسی نیاوردن و آنچه میسر شود بفقرا رسانیدن و از خود
و از ما سوا ناامید بودن صبر و توکل و قناعت و رضا و تسلیم و افتقار و انکسار و خاکساری و ترویج طریقه
دوستان خواندن کتب صوفیه و مکتوبات شریفه در نظر داشتن لازم است توسل به پیران کبار رضی الله
عنهم دوام ذکر و دوام توجه الی الله با انکسار تمام از اسباب قبول بجناب الهی است درین تغافل نورزد
که درین راه ناز بر طالبان حق جل و علا است بوعدای حصه الهی دل قوی داشتن و دلجوی کسیها
از جانب فقیر و مکیو زیستن و ملیو نمرستن خلاصه زندگی است الله تعالی این کمترین را و دوستان
او را توفیق عمل باین امور عنایت فرماید آمین هر دو مرضیه از قسم گشته فالوده ترنجبین و جب الحقرا
و حلغوزه و جوز از دست میمن مخلص موصول گردید جزاکم الله سبحانه عنا خیر الجزاء و در رسانیدن
قدر خوبانی هم تغیر سند که هر خوب اطفال است و از میمن حامل رقیمه خود که مخلص فقیر است بسیار خوش شدیم
ایشان نیز محمد و معاون مشار الیه باشند و دعوات ترقیات در حق ایشان مبذول باشند و توجه نیز کرده باشیم
والسلام و یک کلاه مطرز پوشیده خود فرستاده شده باید که وقت مراقبات جدید آن را بر سر دارند انشاء الله
مثمر برکات خواهد شد مکتوب دوم که برین کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان آنکه عمل کمال است

نصیحتی که بیاران نموده ای ... آنست

در بیان آنکه صوفی ذاکر حق باید داشت و یک لحظه غفلت از جناب قدس او نورزد و در اشاعت نسبت شریفه
سعی بلیغ مرعی دارند بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی مقبول بارگاه احد حاجی دولت محمد
سلمه الله الصمد از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون اشتیاق مشحون مطالعه نمایند الحمد لله
که تا کمر برکه هشتم ماه ذی الحجه است فقیر معه متعلقان بخیر است و مسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم
و استقامتکم علی الطریقة المرضیة قبل ازین خطی در جواب رقایم ایشان معه رسید بادام و خباب
و حلغوزه که مرسل نموده بودند فرستاده ام انشاء الله تعالی رسیده باشد ای برادر ... یک عمر وقت
ذکر حق سبحانه باید داشت و یک لحظه غفلت از جناب قدس او نورزد و در اشاعه نسبت شریفه سعی بلیغ
مرعی دارند که زمان قرب قیامت و آوان فتن است و این را عین مرضی حق تعالی دانند ان النبی ﷺ
احب عباد الله الی الله من حبب الله الی عباده و من احیی سنتی بعد ما امیت فله اجر مائة
شهید شنیده باشند شعر دادیم ترا ز گنج مقصود نشان گر ما نرسیدیم تو شاید برسی والسلام اولا
فرزندان و درویشان سلام مسنون قبول نمایند مکتوب سوم که برین کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته در
بیان آنکه اهم مطلوب و اعظم مقصود از خلقت بشر محبت رب العالمین است و اجتناب از علق و از دنیا
و نفی ما سوا طالبست و طریقه دفع خواطر بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی دولت محمد سلمه الله تعالی
از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون و انشراح خاطر بار اتفاق اصحاب طریقت وارباب حقیقت
که اهم مطلوب و اعظم مقصود از خلقت بشر محبت رب العالمین است و آن بر دو نوع است محبت ذات
و محبت صفات محبت ذات از موهبت است و محبت صفات از مکاسب هر چه از مواهب است کسب و عمل بنده
را بدان تعلق نیست و هر چه از مکاسب است عمل بنده را دران دخل است طریق کسب آن محبت دوام
ذکر است مع تخلیه قلب عما سواه و این را فروغ شرایط است و فراغ را چهار چیز مانع است هم چو مانع
شرایط است مانع شروط است خلق و دنیا و نفس و شیطان طریق دفع خلق عزلت است از ... است

و آن بر دو نوع است محبت ذات و محبت صفات

وطریق دفع دنیا قناعت است وطریق دفع نفس وشیطان التجا کردن است بحق سبحانه وتعالی

الله تعالی این کمترین را و شما را و همه دوستان را حاصل باین شده عزیز عنایت فرماید آمین مکتوب

چهارم که بعزیز یکی مریدان دولت محمد صدور یافته در بیان آنکه توجهات بر طالبان که مستعد و فهیم باشند

در جمیع مقامات سلوک نموده باشند بسم الله الرحمن الرحیم حاجی صاحب عزیز از جانب حقایق و معارف

نشان حاجی ملا دولت محمد سلمه الله تعالی ولا زال کا سمه از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون و اشتیاق

مشحون مطالعه نمایند رقیمه که مصحوب میمن محمد بادام و غیاث خوبانی در دو ایمان کلان و خورد

کرده آن را نجیب هم بود وکشتی تو رود مسعود سرتهار رسانید جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء مجملا جواب سوالها

مرقوم میگردد ومن بعد تفصیل خواهم نوشت توجهات بر طالبان که مستعد و فهیم باشند در جمیع مقامات

سلوک نموده باشند و از دریافت باطن ایشان و ترقی در آن شکر خداوندی جل جلاله بجا آورده ام

اللهم زد فزد و طالب که نادون از طرق دیگر باشد اولا مناسبت دریافت نمایند که چیزی حاصل کرده

یا نه بر هر دو تقدیر توجه از ابتداء سلوک شروع خواهد بود و طالبی که کشف حاصل ساخته سخن داعی بکوید

دار شیخ منحرف شود سلب نسبت او نمودن بهتر است انشاء الله تعالی نسبتش سلب خواهد شد اگر

بجا بر نماند از حیز اعتبار ساقط است و طالب را اول لطائف مسعود جاری باید کرد بعد از ان نفی اثبات

تعلیم نمایند چون کشش و خردش لب بعلت نسبت فوقانی کنیانند علامت فنا و قلب نسیان ماسواه از قلب

و علامت فنا نفس بزوال عین و اثر انشاء الله تعالی در کاغذ دیگر تفصیل خواهم نوشت بسبب عجلت

قاصد و تنگی وقت باین قدر اکتفا رفت و از برخورداران و برادران و طالبان خصوصا ملا مظفر

سلام مسنون خوانند مکتوب پنجم که بعزیز یکی مریدان صدور یافته در بیان علامات فنا قلب و روح و سر

و خفی و اخفی و نفس و عنصر بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی ملا دولت محمد صاحب سلمه الله

تعالی از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون و رحمة الله معلوم خاطر خطیر باد سابق ازین از سعید

علامت فنا قلب

مرحله سیوم مرحله بعد اجوبه مجملا نوشته فرستاده شد حالا جواب سوال بقیه مرقوم میگردد علامت فنا

قلب نسیان ماسوا است از قلب بحدیکه اگر بتکلیف یاد کنند بیاد نیاید و از شادی جهان شاد نگردد

و نه از غم عالم غمگین گردد و تجلی افعالی رو دهد و آن دیدن فعل واحد حقیقی است در افعال مخلوقات

و علامتش استواء انعام و ایلام از زید است یعنی شکر و تمام نچه زید یکسان شود و علامت فنا روح آن

است که تجلی صفاتی ظهور کند یعنی صفات سالک معدوم شود و بجای آن صفات حق ظهور نماید و مورد

لا یزال العبد یتقرب الی بالنوافل حتی احببته فاذا احببته کنت سمعه الذی یسمع به و بصره الذی

یبصر به و یده التی یبطش بها و رجله الذی یمشی بها گردد بیت چونکه او شد گوش و چشم ای خدا

خیره ام در چشم بندی ای خدا و علامت فنا سر استهلاک ذات سالک در ذات حق جل علا است

کی بود خود کبود جدا مانده من و تو رفته و خدا مانده و علامت فنا خفی تفرید ظاهر از مظاهر یعنی

امتیاز حق از باطل گردد و وحدت از کثرت ممتاز شود و علامت فنا اخفی تخلق با خلاق الله است

یعنی تمام رذایل مبدل بخصایل حسنه گردد و علامت فنا نفس زوال عین و اثر و ظهور توحید شهودی

و شرح صدر و نزول مطمئنه از موطن خود در جوار صلاة و ارتقا بر تخت صدر و حصول ایمان حقیقی که از

زوال محفوظ است و مصداق اللهم انا نسئلک ایمانا لیس بعده کفر شدن و حصول مقام رضا که اعلا مقامات

سلوک است و علامت فنا عناصر ثلثه دیدن ملائکه کرام و ملاقات و زیارت ایشان است و علامت

فنا عنصر خاک ظهور تجلی ذاتی دائمی پی بردن اسماء و صفات و شیونات قلم اینجا رسید سر بشکست

نقول ما عول معه الله تعالی این کسی را افاضه حظ وافر ازین کمالات روزی گرداند محب صادق

از راه محبت جذب جمیع کمالات محبوب میکند و ساعة فساعة بر نگ او منصبغ میگردد حب الصالحین

دلت منهم لعل الله یرزقنی صلاحا پرسیده بودند که نجوم ظاهره و اقمار باهره و شموس طالعه

در قول شیخ ابو سعید رحمة الله علیه واقع است عبارت از چیست مگر نجوم ظاهره عبارت ... خوش

علامت فنا قلب

علامت فنا روح

علامت فنا سر

علامت فنا خفی

علامت فنا اخفی

علامت فنا نفس

علامت فنا عنصر خاک

و برکات دائره ظلال اسما و صفات است که مانند کثرت نجوم جلوه گر میگردد و اذواق و مواجید [illegible]
می بخشد و انوار باهره عبارت از فیض نفس صفات و شیونات است و شموس طالعه کنایه از تجلیات
ذاتیه است کلاه دیگر که مملو از خصائل ملابس و جبر گین است برای آن عزیز فرستاده شد آنرا غسل بخشند
و بهمین چرک بوقت مراقبه بر سر بدارند انشاء الله مثمر برکات خواهد شد بیت هر کس افسانه بخواند
افسانه است و آنکه دیدش نقد خود مردانه است خلاصه مکتوبات در ضمن چهل مکتوبات برای آن
برادر ارشاد بدست میمن ارسال نموده ام در درس و مطالعه خود بدارند بسیار مفید و کافی و شافی است
والسلام مکتوب ششم در بیان آنکه طالب طریقه قادریه و چشتیه اگر باشد بیعت در طریقه مذکوره بگیرد و
ترتیب آن شخص بدرادو کار و اشغال بطور حضرت نقشبندیه نماید و غیر ذلک من المسائل المتفرقه که برین
کشته درویشان حضرت محمد مسعود نیافته بسم الله الرحمن الرحیم اخوی الاعزی ارشدی حاجی دولت محمد
لا یزال کاسمه محیا الحبیب الله حتی صار محبوبا لله سلمه الله تعالی احقر العبید احمد سعید کان الله له بعد از سلام
مسنون اشتیاق مشحون مطالعه نمایند الحمد لله حمدا کثیرا طیبا مبارکا فیه مبارکا علیه کما یلیق بجنابه الاعلی
والمسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و استقامتکم علی الشریعة المصطفویة علی صاحبها الصلوة والسلام
مکتوب مرغوب بورود مسعود مسرت بار رسانید اسوله چند مرقوم نموده بودند جواب هر کدام نوشته میشود
جواب سوال اول آنکه طالب طریقه قادریه و چشتیه اگر بیاید بیعت از وی در طریقه مذکوره بگیرد و در ترتیب
آن شخص در اذکار و اشغال بطور حضرت نقشبندیه نماید چنانچه معمول حضرت مجدد رضی الله عنه
همین بود مگر جناب حضرت شاه صاحب بعض طالبان نسبت چشتیه را ذکر جهر متوسط که آواز او از
بیرون خانه نرود تعلیم میفرمودند جواب از سوال دویم آنکه علاج استیلاء حرکت ذکر مانند مرتعش
آنست که توجه برای از دیاد ذکر نکند بلکه القاء سکینه و حضور بکند و از ذکر کردن او را منع کند و در شغل
مراقبه [illegible] یا وقوف قلبی او را تعلیم سازد و اگر از مراقبه گذشته باشد مراقبه معیت آن [illegible]

سرخ که از پرتو فنا قلب تسکین خواهد یافت و الا توجه بلطیفه نفس نماید تا وقتیکه نسبت لطیفه نفس
غالب خواهد آمد از تحرک باز ماند و بشعور خواهد آمد جواب از سوال سیوم شخصیکه در طریقه قادریه و یا
چشتیه بیعت کرده بود باز اگر خواهد که در طریقه نقشبندیه بیعت کند و سلوک این طریقه طی نماید جائز است
مقصود خدا است و این طریق اقرب است در وصول مطلب از سائر طرق خصوصا درین زمان که از
سلاسل دیگر بجز نام باقی نمانده طالب حق جل و علا را ضرور است که التزام این طریقه شریفه نماید جواب
از سوال چهارم آنکه جائز است شیخ را اجازت دادن مرید صاحب الاستعداد را اگرچه به اجازت مطلقه
نرسیده باشد چنانچه حضرت امام الطریقه خواجه بهاء الدین نقشبند رضی الله عنه حضرت مولانا
یعقوب چرخی را داده بودند کما هو مذکور فی کنز الهدایة جواب از سوال پنجم آنکه مرید وقتیکه فنای
قلب و فنای نفس هر دو را حاصل نماید باجازت مطلقه میرسد جواب از سوال ششم آنکه مریدیکه خوانده که
سلوک تمام کرده در خدمت شیخ کامل مکمل عالم و عامل تا دریافت شیخ خود اگر دیده شیخ را جائز است
که او را اجازت تعلیم طریقه بدهند و آنکه مرید را لازم است که علم ضروری بخوانند و از مسائل شرعیه آگاه شود
جواب از سوال هفتم در شب تاریک احوال مریدان معلوم نشود و هیچ کسان هست نمایند که الحق فیضیکه لائق
حال هر کس باشد فائض گردان در بر همه کس مجمع عاهت نماید و تخصیص نماید جواب از سوال هشتم آنکه
طالبان مبتدیان که قرص آفتاب و مهتاب می بینند و نشان از تجلی برق میدهند از عکس سیر می بینند
و چون در نظر نقیه اندراج النهایة فی البدایة است لهذا این آثار در اول وهله معلوم طالبان
ذی استعداد از برکت توجه شیخ میگردد کار خانه این اکابر بلند است بهر زراقی و دغاقی نسبت نزاد
مصراع قیاس کن ز گلستان من بهار مرا شکر این نعمت عظمی را بجا آرند لئن شکرتم لازیدنکم بعض
قاطع است چون لطیفه سیر تصفیه یافته است انوار آن باشکال مختلفه ظهور میکند جواب از سوال نهم آنکه
خط فوق اشاره بطرف اصول لطائف که فوق العرش اند کرده اند تا وقتیکه لطائف با اصل [illegible]

فانمیشود لهذا ابهت میکنند که در لطائف جذبات پیدا شود که منجر بوصول خود شوند و فانی و مستهلک
گردند بیت بمجلس او آنا نگردد او فنا حیث راه در بارگاه کبریا جواب این سوال دوهم انکه هرگاه استفاده
از طریقه شریفه بر محبه و عشق و رابطه شیخ است اگرچه بظاهر دور باشد لکن در باطن قریب است بلکه اقرب
و بسبب غلبه رابطه شیخ ساعة فساعة منصبغ برنگ شیخ خود میگردد چنانکه در راه عشق مرحله قرب و بعد نیست
حدیث شریف المرء مع من احب راست رسالهٔ شتاتان است مراقبات را بتفصیل در رساله
نوشته ام چند ماه مراقبه یکمقام فوقانی متوجه این بی بضاعت شده نموده باشند انشاء الله تعالی آثار
آنمقام ظهور خواهد نمود بعد از آن مراقبه دیگر علی هذا القیاس و احوال باطن خود را نیز نوشته باشند
و اجازت سائر طرق که بفقیر رسیده است شما دادیم بارک الله فیک و علیک فاتحه هر بزرگ خوانده متوجه
شوند انشاء الله تعالی نسبت هر بزرگ تربیت خواهد نمود هر کجا همه جا شکر پیران کرام خود بر ما
لازم است که از سبب قبولیت ایشان هر بزرگان قبول میفرمایند روزی حضرت شاه صاحب برمزار
حضرت خواجه قطب الدین رحمة الله علیه تشریف برده بودند و این کمترین همراه بود خادمان مزار شریف
حضرت خواجه دعا در حق حضرت من فرمودند و در کلمات دعا این هم گفتند که مدد خواجه صاحب بر
شاه صاحب باد حضرت ایشان رحمة الله علیه بآواز بلند در مجمع عام خطاب بخادمان دعاگو کرده
فرمودند که اینچنین مگوئید بلکه این بگوئید که اول عنایت حضرت خواجه بهاء الدین نقشبند
رضی الله عنه بر من باشد بعد از آن عنایت حضرت خواجه قطب الدین اول پیر بعد از آن عم
انتهی کلامه الشریف تا نیاز انچه تحفه بادام بدست شاگرد خود که درآن قدر رغایب هم بود و بادام
دیگر بدست میر احمد و انچه جاده سبز و تسبیح و جواب عالیت دیگر اقعان موصول گردید جزاکم الله
سبحانه خیر الجزاء حسام الدین اجازت گرفته بوطن خود رفت لهذا التسبیح هم نزد فقیر ماند و بسته
و غیره نیت رخصت داده بودند همین آورد است لکن تا هنوز نزد فقیر نرسیده بعد از رسیدن

در طریقه استفاده از طریقه شریفه بر محبه و عشق و رابطه شیخ است

بعد از رسیدن نیز در کاغذ دیگر نوشته خواهد شد از فرزندان و برادران و درویشان خانقاه
سلام مسنون قبول باد از طرف میمن بعد از سلام گذارش انکه در حق من دعا کرده باشند مکتوب هفتم
که بیکی از درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان بخشیدن ثواب ختم شریف خواجگان رحمة الله
علیهم و بخشیدن ثواب ختمهای دیگر بحصول حضرت است و غیر ذلک بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی
ارشدی مقبول بارگاه صمد حاجی دولت محمد سلمه الله الاحد از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون
اشتیاق مشحون کاشف بادا الحمد لله که تا تحریر فقیر مع متعلقان و درویشان بخیر و عافیت است
و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و استقامتکم علی الشریعة و الطریقة المرضیة علی صاحبها الصلوة
و السلام و التحیة مکتوب مرغوب مشتمل بر رسیدن خود بوطن مالوف بورود مسعود مسرت بها رسانید سوله
چند نموده بودند جواب هر یک نوشته میشود ثواب ختم هر بزرگ بروح آن بزرگ بخشیده الحاح حاجت
خویش از جناب الهی بواسطه آن بزرگ نموده باشند و غیر را در آن شریک نسازند مثلا ثواب ختم خواجگان
نقشبندیه بروح مبارک حضرت شاه نقشبند و مشایخ کرام و خلفاء ایشان بخشند و ثواب ختم احوال
را بروح مقدس حضرت مجدد بگذارند و یا الله یا رحمن یا ارحم الراحمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد بروح
شریف حضرت شاه صاحب هدیه سازند و حسبنا الله مخصوص بروح اطهر حضرت غوث الثقلین
نمایند و یا خفی اللطف بروح حضرت شاه نقشبند بلا شرکت غیر سازند و لا اله الا انت سبحانک
نیاز حضرت محمد معصوم نمایند و صلوة تنجینا را کفته روح پر فتوح حضرت سرور عالم خلاصه بنی آدم صلی الله
علیه و آله و اصحابه و سلم بگذارند جواب سوال دویم انکه در وقت حلقه استمداد از پیران خود نمایند و خود را
در میان نه بینند حاجت شرکت دیگران نیست مگر حضرت غوث الاعظم از حکم مستثنی اند اگر بروح آن
حضرت استمداد نمایند مضائقه نیست جواب سوم انکه بازگشت خواه در ذکر اسم ذات باشد یا در نفی و اثبات
بخیال معمول است نه بزبان جواب این سوال چهارم انکه وقتیکه شیخ مرید را اجازت تعلیم طریقه داده باشد

ثواب ختم خواجگان

که مرید روش شیخ خود اختیار نموده ترویج طریقه نماید که درین زمان اشاعه نسبت شریفه نهایة مرضی
حق سبحانه است جواب پنجم اگر جهالت و نکارت نسبت باطن ایشان از غلبه نسبت کمالات است که ناشی
از تجلی ذاتی دائمی است چنانکه ذات حق هدرک نمیشود همچنین نسبتی که از ذات ناشی معلوم نمیشود این
جهل است که حضرت صدیق رضی الله عنه ازان خبر داده است حیث قال العجز عن درک الادراک ادراک و هی
عظیم است که شباهت بدم دارد و پیران ما نوشته اند که نسبت باطن هر چند بلند تر گردد جهالت و نکارت
بیشتر پیدا میکند ازین جهت اندیشه نکنند مع ذلک احوال مریدان هم از پیران مخفی میشود مریدان
آئینه پیر میباشند از تاثیر توجه ایشان در طلاب دل بسیار خوش شد اللهم زد فزد وسوسه نارضامندی
ازین فقیر که در دل میگذرد از طرف شیطانست که دشمن ازلی است اثر ندهد بلکه فقیر از شما بسیار راضی است
و هر وقت متوجه احوال شما میباشم و باطن شما را متوجه بطرف خود میسازم و مراقبه کمالات رسالت داده اولوالعزم
نموده باشند و اگر قرآن شریف حفظ شود نعمت عظمی است شروع بکنید و اجازت همه سلاسل این فقیر را
از حضرت شاه صاحب است و از حضرت والدی ماجدی رحمة الله علیه نیز است بلکه از حضرت مجدد بلا واسطه
نیز حاصل شده است لکن مرا لیاقت نیست که نام او شان بگیرم و بادام چهار نیم انار و عناب رسیده انار خورده
بود انار و قند را شربت کرم حل نموده بودند موصول گردید جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء از فرزندان و برادران
و درویشان خانقاه و از هر یک بنام بنام خصوصا حاجی عبد الکریم و ملا عبد القدوس و ملا عبد الرحیم و مولوی شریف
صاحب هر سه هند تشریف میدارند مکتوب هشتم که برای کسیکه در دلشان [illegible] شده بود در بیان [illegible]
محبت و دوستی پیران کبار و مشایخ عظام از ضروریات و واجبات است بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی
ارشدی حاجی علاء الدین محمد صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون و اشتیاق مشحون
مطالعه نمایند الحمد لله که احوال فقیر تا تحریر رقیمه هذا که بیست و دوم ذی الحجه است مقرون حمد و شکر است و المسئول
من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و استقامتکم علی الشریعة المصطفویة علی صاحبها الصلوة والسلام و علی محبة الشیخ

(margin:) نسبت باطن هر چند [illegible] گردد جهالت و نکارت [illegible] پیدا میکند

و الشیخ الحق حتی حصل الکل فی الکل فانکم مع من احببتم یکون [illegible] الله ساحة [illegible] المحبوب
[illegible] رزقنی الله سبحانه و ایاکم کمال [illegible] حضرت رسول الثقلین و صحابه و اهل
بیت و [illegible] الشریف [illegible] و بارک و سلم علیهم اجمعین والسلام اولا و آخرا از طرف عبد الرشید سلام علیکم
مطالعه نمایند مکتوب [illegible] حضرت محمد [illegible] حال سابق بر یک
نهج خوب نیست بلکه باید که هر روز در ترقی باشد بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی دوست
محمد صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون مطالعه نمایند الحمد لله که تا تحریر فقیر مع
متعلقان بخیر است و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و استقامتکم علی جادة الشریعة المصطفویة علی صاحبها الصلوة
والسلام نوشته بودند که حال سابق نمانده ای عزیز بودن حال سابق بر یک نهج خوب نیست بلکه باید که هر
روز در ترقی باشد من استوی یوماه فهو مغبون شنیده باشند در حضرات ما رحمة الله علیهم شروع کار
طالب از لطائف عالم امر نموده اند و دران لطائف ذوق و شوق و آه و نعره و استغراق و بیخودی
و دیگر حالات وارد میکنند بعد ازان تهذیب لطائف عالم خلق میفرمایند و درین لطائف بیرنگی و بیکیفیتی
بانسبت سابق پیدا میشود خصوصا وقتیکه ظهور کمالات نبوة و نسبت فوقش میگردد نکارت و جهالت
نسبت بیش از بیش میشود لکن این آن جهل است که حضرت صدیق رضی الله عنه درین مقام میفرمایند که
العجز عن درک الادراک ادراک شاهبازی بلند پروازی حدید البصری خوش استعدادی باید که از
گلهای این مقام دامن پر کند و خوشه در قرآن بکار نماید خواص مانند عوام درین مقام متحیر اند و بسبب
عدم ادراک انوار آنجا اظهار میکنند خوش گفت بیت نه هر که سر بتراشد قلندری داند نه هر که آئینه
دارد سکندری داند الله تعالی ایشان را بوالهوسان را که شربی از معنی و ایمانی اینها عارف
که معارف انبیا است صلوات الله وسلامه علی نبینا و علیهم الصلوة و التحیات روزی کناد بحق النون
والصاد و ما یسطرون بیت نشاء و الله تعالی بفحوای المرء مع من احب شعر احب الصالحین و لست منهم

لعل الله یرزقنی ... صحبت ... باشیم ... کرام خود رحمة الله علیهم داریم و صحبت دقیقه از دقائق
کمالات محبوبیت کشیده ... نکشند بلکه ساعة فساعة بزرگی محبوب برایشان از کمالات پیران کرام محروم
نخواهیم ماند لکن امتثال اوامر و انتهاء از نواهی ضروریست و در اذکار و اشغال و مراقبات ضروری
مرو ... مستقیم کما امرت دید و بنا بر خط القلم ... چهار زنبیل بادام رسید جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء و یکی
از ان حسب الحکم قوم ایشان حواله میان ... سید احمد نموده شد از فرزندان و درویشان خانقاه سلام
مسنون خوانند مکتوب ... در بیان ... دولت محمد ... در بیان آنکه ...
نسبت باطن ... و بیرنگی دلتنگ نشوند بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی ملا دولت محمد صاحب
سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون السلام علیکم و رحمة الله مطالعه نمایند الحمد لله
که فقیر مع متعلقان تا تحریر که بیست و دوم ذی الحجه است بخیریت است مسئول من الله سبحانه سلامتکم ...
و استقامتکم علی الشریعة و الطریقة و الحقیقة فانها ملاک الامر اللهم ارزقنی و احبائی استقامة فی
سبیلک و متابعة حبیبک صلی الله علیه و سلم قولا و فعلا و حالا و اعتقادا و اجعلنی ... علی هذا الحب
بیت مصحف بکف و پا بره و دیده بر دوست با پیک اجل خنده زنان بیرون شد حضرت ... رضی الله
عنه در مکاتیب خویش ارقام فرموده اند که هر جا او را جست خود را می یافت بعد از ان کار او با کجا
انجامید که اگر خود را می جست او را می یافت اکنون او را گم کرد اما خود را می یابد با وجود گم کردن جویان
اوست و بالتحقیق فقدان و وجدان او نه از روی علم حاضر و واجد و حاصل است و از روی ذوق غائب
و فاقد و معرض ظاهرش بقا است و باطنش فنا در عین بقا فانی است و در عین فنا باقی و لکن فنا
علی ... ذوقی انتهی کلامه الشریف فعلیک بمطالعة فانه کثیر النفع للطالب و الیه المرجع و المآب
از عدم ادراک النسبة و بیرنگی دلتنگ نشوند فالعجز عن درک الادراک ادراک کما قال الصدیق الاکبر
رضی الله عنه مکتوب ... در بیان ... دولت محمد ... در بیان آنکه نسبت هر چند عالیتر گردد

از ادراک بعیدتر گردد و در بیان آنکه ... بسم الله
الرحمن الرحیم بعد حمد و صلوة و تبلیغ الدعوات معلوم اخوی اعزی حاجی ملا دولت محمد صاحب سلمه الله تعالی
باد که رقیمه کریمه مشتمل بر حالات باطن خود و باطن مستفیدان خود بدست عبد الرحیم معه انبان خورد که
دران زیره سیاه ... بود رسید فرحت فراوان رسانید اللهم زد فزد و کثر
اخوانا فی الدین نسبت باطن هر چند عالیتر گردد از ادراک ظاهر دورتر می افتد سببش آن است

نسبت ... هر چند عالیتر گردد از ادراک ... دورتر می افتد

که چون باطن را اتصال بذات حق سبحانه پیدا میشود ذاتش بیچون و بیچگون است سالک را نیز بحکم تخلق
باخلاق الله نصیبی از مرتبه بیچونی حاصل میگردد ناچار ظاهر از ادراکش عاجز میماند وقتیکه ظاهر سالک از
ادراک باطن او عاجز شود دیگران از باطنش هیچ درک نمایند این نسبت کمالات نبوت است انبیا علیهم الصلوة
والسلام است که بعد هزار از بعثت سید المرسلین صلی الله علیه و سلم بر حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی
رضی الله عنه فائض گردید رزقنا الله سبحانه کمال هذه النسبة العلیة العزیزة وجودا و ... علیها ...
و ادخلنا دار السلام بجاه ... عبدا ... کل این نسبت شریفه را فوق مقام رضا که اعلی
از مقامات عشره سلوک گفته اند که مرتبه التذاذ او از ایلام است چه در مرتبه رضا مساوات ایلام و انعام
پیدا شود و فوق آن التذاذ او از ایلام است و بس بیت غرض از عشق توام چاشنی درد و غم است ور نه
زیر فلک اسباب تنعم چه کم است از ... خبر رسید همه همت ... آن است که شما را فوق مقام رضا استقرار
و ثبات حاصل شود و شما خود ان مرتبه رضا ... همت را بلند دارید و بجوز و مویز راه قناعت نکنید ان الله
سبحانه یحب معالی الهمم مصرع همت ترا بلند کند کبریا کشد بیت ... استغنا بلندست مرا فکر رسیدن
ناپسند است اندرین بحر بیکرانه چو غوک دست و پائی بزن چه دانی بوک اصل بیرنگیست
یار دلخواه ازل قانع لونی برنگ ... ازل اصل همه رنگها از ان بیرنگیست من احسن صبغة من
الله ازل دوستی از دوستان حق جل و علا در مناجات خود عرض نمود که الهی آنچه دوستان خود را

دادی قطره تو بریز بر زاهام شد که ای دون همت از ما قطره مطلبی پس آگاه شده تا بگه سخت

برابروی خود زد و گفت جائیکه نظر دیگران رسیده قدم من برسد همچنین شد انا عند ظن عبدی بی

حدیث قدسی است بیت دادیم ترا بگنج مقصود نشان گر ما نرسیدیم تو شاید برسی و آنچه التزام

نموده اند که در خفیه هیچ اثری یا بیم و در اوکار و مراقبات و در تلاوة و نماز اگر مراد از اثر ذوق

و شوق و حالتیست مسلم است که طلب تمکین بهوس است و خود را در جمیع ممکنات را معدوم دانستن مشعر

از زوال عین و اثر که بعد از اطمینان نفس حمید بر نا الحمد لله علی و تکمیل اکثر او اگر مراد از اثر صفا

و اطمینان و برد یقین و حلاوة لطف که تمام اعضاء بدن عموما و عنصر خاکی و هیئة وجدانی خصوصا است

محل تامل است که انیخالات باید که روز افزون باشد علی الخصوص که در تلاوة و نماز که معراج مؤمن است

مشتهیا از پیش آن پیش نقد وقت میکرده و قرة عینی فی الصلوة که ارشاد فیض بنیاد مخبر صادق است

علیه الصلوة والسلام مظهر این معنی است و ارحنی یا بلال رمزی از این معما و شمه از کمالات صلوة در بیان

حقیقة الصلوة در رساله اسرار اربعه اندراج یافته است اگر مطالعه نمایند و از هدایات احوال مرشدان

اجازت یافته فرحت بر فرحت حاصل است اللهم ارزقنا و دیانک هم فیما عطیتهم مریدان آیینه پیران

باشند و مظهر کمالات مکنونه ایشان اما باید که کثرة مستفیدان شیخ را در عجب نیندازد که مرض

مهلک است اعاذنا الله سبحانه عنه بیت از لذت طلسم این خزانه من هیچ نیم و درین میانه من ذره

خاک آستانم تو مطلبی آسمانم هم گنج تو یی و هم تو گنجور من دست تهی تو شانه ام از دور

مضمون این ابیات نصب العین باشد و بترانه این اشعار مترنم باید بود بیت او بجز نائی و ما جز

نی نیم او دمی بی ما و ما بی وی نیم نی که هر دم نغمه آرائی کند نی الحقیقت از دم نائی کند

بیت خانه روم از خانه چیزی گفت تو دادی همه چیز و من چیز تست استفسار تواریخ بعضی

از مشایخ کرده بودند شده اند که تاریخ انتقال حضرت خواجه علاء الدین رحمة الله علیه بستم شهر

تاریخ انتقال حضرت خواجه علاء الدین

رجب المرجب است و انتقال حضرت خواجه محمد پارسا رحمة الله علیه بیست و سیوم ذی الحجة و انتقال

حضرت مولینا یعقوب چرخی رحمة الله علیه پنجم صفر و حضرت خواجه عبید الله احرار رحمة الله علیه بیست

و نهم ربیع الاول و حضرت مولانا محمد زاهد رحمة الله علیه غره ربیع الاول حضرت مولینا محمد درویش

رحمة الله علیه نوزدهم محرم حضرت خواجگی امکنگی رحمة الله علیه بیست و دوم شعبان حضرت خواجه

محمد باقی بالله رحمة الله علیه بیست و پنجم جمادی الاخری است نوشته بودند که ذوق و شوق در طالبان

زیاده شود باید که قبل از توجه نمودن نفی و اثبات بحبس نفس چند عدد کرده توجهات بر طالبان نموده باشند

ان شاء الله تعالی زیاده خواهد شد و کثرة اسم ذات نیز مفید مطلب طالب است در برای عارضه ضعف مثانه

بعد از هر نماز بیت و یکبار رب انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین ورد سازند ان شاء الله تعالی شفا خواهم

فرمود و چند اجزا او قرابادین شفائی که در ان نسخها اکثر امراض مرقوم اند فرزند اعزی محمد کوی

عبدالرشید ارشده الله تعالی که درین ایام مع اکثر از حرمین شریفین رسیده برای ایشان فرستاده ایم

واز هدایائی مرسله ایشان دو انبان بادام و یکی از کشمش و یکی از جوز که در ان تخم خوبانی بود

و یکی از چلغوزه و یکی از توت و کشمش مخلوط و چهار کلاه و یکی مصلا بما رسید و باقی تا هنوز نرسید

مکتوب ... بمولینا محمد ... در بیان توحید نزد صوفیه و قسمین توحید

وجودی و توحید شهودی بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لواهب العطایا والشکر للمنعم البرایا والمدح لافضل الخلائق

والهدی لکنوایة المعلی صلی الله علیه و علی آله و اصحابه و بارک و سلم بدان ارشدک الله تعالی الی صراط

المستقیم که توحید نزد صوفیه صافیه رحمة الله علیهم دو قسم است توحید وجودی و توحید شهودی توحید وجودی

عبارت است از دانستن اتحاد وجود که بمعنی ما به الموجودیت در جمیع اشیا الیعنی مقوم ذات در موجودات

علویه و سفلیه ذات واحد حضرت حق سبحانه و تعالی است نه آنکه ذات موجودات و ذات حق یکی و اتحادات

کما زعم البعض من الجهلة که این وحدة موجودات نه وحدة وجود از فرط جهل فرق نه نهادن و مشتق زاده در

قبل از ... نمودن نفی و اثبات بحبس نفس چند عدد کرده توجهات بطالبان نموده باشند

تسبیح

توحید نزد صوفیه صافیه رحمة الله علیهم دو قسم است

ضلالت پی نهند ضلوا فاضلوا ضاعوا فاضاعوا محققین صوفیه ازین چنین اغلاط بری اند اگرچه در جمیع
که نزد ایشان عین حق است مراتب جمیع را اثبات میکنند لکن اطلاق احکام یک مرتبه را بر مرتبه دیگر کفر و زندقه
میدانند چنانچه مولانا جامی رحمة الله علیه میفرمایند بیت هر مرتبه از وجود حکمی دارد گر فرق مراتب نکنی
زندیقی و توحید شهودی عبارتست از دیدن ذات حق سبحانه تعالی است فقط و اختفای کثرة بالکل
از نظر سالک تا اگر کثرة را دیدن و در میان کثرة وحدة نسبته بحقیقة یا مرآتیت اثبات نمودن
چنانچه در توحید وجودی میباشد نا نشر قادر شد از درد غلبه محبة محبوب حقیقی است در نظر محب که فرد وجمیع
اوراق سواد العنوان عینیت یا مرآتیت بسبب غلبه المحبة ملاحظه میکند و ظل یا مثل شمه میشود عارف
حافظ شیرازی علیه الرحمة میفرمایند مصرع عکس روی تو چو در آئینه جام افتاد عارف از خنده می در طمع
خام افتاد و نور توحید ثانی ماسوا هرگز در نظرش نمی آید تا باثبات نسبته چه رسد و این مقسم علی قسم اول است
و منشا اول تصفیه قلبست و مصدر ثانی تزکیه نفس است و مظنه نشان آنست و تا گر به سالک
توحید شهودی است از محض فنا است که از دیده و دلش ماسوا رخت بر بندد و جز حق سبحانه تعالی مشهود نشد غیر
نماند چنانکه در روز روشن بسبب غلبه شعشعان آفتاب بجز آفتاب هیچ معلوم نمیشود و ستارها که محسوس
نیست با وجودیکه وجود ستارها در نفس الامر ثابت است همچنان کثرة باشد لکن نظر عاشق مقصور بر معشوق
خود است و مستهلک مشاهده جمال محبوب خویش است مصرع در و دیوار چو آئینه شد از کثرت شوق
هر کجا مینگرم روی ترا می بینم بخلاف توحید وجودی که از شرائط راه نیست بلکه بعضی طلاب را منتج
میشود و اکثر راه حضرت شاه نقشبند راه را برای سالکان مقرر فرموده اند که در آن راه انکشاف
توحید وجودی نباشد تا از مزلة اقدام که بعضی ارباب توحید وجودی را در آن میشود محفوظ مانند و در
تیه ضلالت نیفتند جزاه الله تعالی خیر الجزا چنانچه اکثر ابنای این وقت همه اوست را عقیده خود ساخته
بشطحیات تکلم مینمایند و تهاون در امور شرعیه میورزند تاب الله علیهم و بنابر این کتاب طب مشتمل

منشی ره

بر عجائب و غرائب باشد جام فرزند ارشدی نوشته بودند و نام کتاب ثبت کرده تا اثر کلامش
نموده میفرستادم و فرزندی درین سال روانه حرمین الشریفین گشته است دعا نموده باشند
که بزودی بخیریت مراجعت سازند والسلام مکتوب سیزدهم که برای یکی از درویشان دولت آباد صادر
یافته در بیان عقائد اهل سنت و جماعت بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله حمدا کثیرا طیبا مبارکا فیه مبارکا
علیه کما یحب ربنا و یرضی والصلوة والسلام الاتمان الاکملان علی حبیبه المصطفی و آله المجتبی و اصحابه
البررة التقی فرض ترین چیزها بر مردم مسلمان تصحیح عقائد است موافق اهل سنت و جماعت بایطریق که
الله تعالی بذات مبارک خود موجود است و چیزها به ایجاد ایشان حق تعالی موجود اند او تعالی یگانه است در
ذات و صفات و افعال یعنی در امری از امور شرکت با وی سبحانه نیست صفات و افعال حق جل و علا
مثل ذات عالیش فراخور عقول ناقصه ما نیست و با فعال و صفات مایان مشابهت ندارد و او تعالی در
هیچ چیز حلول نکند و نه چیزی در وی حلول باشد لکن احاطه و قرب و معیت با اشیا دارد و ایمان
داریم که الله تعالی با ماست و احاطه و قرب او تعالی ثابت است اما کیفیت این امر معلوم نیست چه کسی
را از حقیقت ذات و صفات و افعال او تعالی بجز جهل و حیرت نصیب نیست ایمان بالغیب باید آورد
و هر چه در کشف و شهود در آید زیر لا نفی باید ساخت و او تعالی با هیچ چیز متحد نشود و نه چیزی با
تعالی اتحاد پیدا کند غنی مطلق است در ذات و صفات و افعال به هیچ چیز محتاج نیست در وجود
نه در ظهور و از همه علامات نقصان و حدوث پاکست جسم و جسمانی نیست و مکانی و زمانی نه هشت
صفات کمال در وی موجود اند بوجود زائد بر وجود ذات در خارج حیوة و علم و قدرت و اراده
و بصر و سمع و کلام و تکوین و او تعالی قدیم و ازلی است و غیر او را قدم و ازلیت ثابت نبود و او
تعالی قادر مختار است از شائبه ایجاب و اضطرار منزه است و او تعالی مرید خیر و شر است و خالق این
هر دو اما از خیر راضی است و از شر راضی نیست و حق سبحانه تعالی را مومنان در آخرت در جنت خواهند دید

بی جهة بی کیف بعثت انبیاء علیهم السلام رحمت عالمیانست اگر توسط وجود این بزرگواران نمی‌بود
بار که دلالت می نمود عقل درین امر کافی نیست آنچه این بزرگواران علیهم السلام باعلام حق سبحانه اخبار
نموده اند همه صادق اند و عذاب قبر مر کافران را و بعضی از عاصیان اهل ایمان را حق است و سوال
منکر و نکیر مومنان را و کافران را در قبر نیز حق است و روز قیامت حق است و در آن روز سموات و کواکب
و ارض و جبال و بحار و حیوان و نبات و معادن همه معدوم و نا چیز خواهند گشت بنفخه اولی و بنفخه ثانیه
از قبرها بر انگیخته شده بمحشر روند و حساب و میزان و صراط حق است و بهشت و دوزخ موجود اند بعد از محاسبه
گروهی را ببهشت خواهند فرستاد و گروهی را بدوزخ و ثواب و عقاب ایشان ابدیست ملائکه بندهای
خدا اند جل سلطانه از معاصی معصوم اند و از خطا و نسیان محفوظ از خوردن و آشامیدن پاک اند
و از زنا شوئی منزه و حق تعالی بعضی را ازین ملائکه برسالت مخصوص گردانیده مانند پیغمبران
از انسان و خواص بشر افضل اند از خواص ملائکه ایمان عبارت از تصدیق قلبی است بآنچه از دین بطریق ضرورت
و تواتر بما رسیده است و اقرار لسانی نیز رکن ایمان گفته که احتمال سقوط دارد و زیادت و کمی در نفس ایمان
نیست و مومن را کافر نباید گفت و کرامات اولیا حق است و ترتیب افضلیت در میان خلفاء راشدین
بر ترتیب خلافت است و آنچه در میان صحابه از منازعات گذشته بر خطاء اجتهادی محمول باید نمود نه بر
هوای نفسانی که نفوس ایشان مزکی بودند و تمام صحابه را افضل از اولیا باید دانست که فضیلت صحبت
حضرت خیر البشر صلی الله علیه و سلم از همه کمالات زیاده است بعد تصحیح اعتقاد از تعلم احکام فقه چاره نبود
دانستن فرض و واجب و مستحب و سنت و حلال و حرام و مکروه گذرانیدن همچنین عمل بمقتضای
آن علم نیز ضروری است مطالعه کتب فقه از ضروریات شمرده اند والسلام مکتوب چهاردهم کمترین کمینه
در بیان ... حضرت محمد صادق در بیان آنکه مراد از خلقت جن و انس معرفت حق است و مذموم
دانستن دنیا و ما فیها الا ما کان لله بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی

لنهتدی لولا ان هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق حمدا کثیرا طیبا مبارکا فیه مبارکا علیه کما
یحب ربنا و یرضی و الصلوة و السلام علی سید الوری صاحب قاب قوسین او ادنی و علی آله و اصحابه
البررة التقی و النقی از هر چه میرود سخن دوست خوشتر است قال الله تعالی و ما خلقت الجن و الانس
الا لیعبدون عبادت اگر بمعنی حقیقی خود باشد پس مراد از هر دو گروه جن و انس اهل اسلام باشد و دلیل
این مراد آیت سابقه است فان الذکری تنفع المومنین و قراءة ابن عباس نیز برین دلالت میکند
و ما خلقت الجن و الانس من المومنین چرا که برای چیزی که حضرت حق سبحانه تعالی آفریده باشد امکان
تخلف در ان نیست و چاره و ناچار مطلوب از خلقت او ظهور خواهد نمود پس از کسانیکه ایمان و عبادت
ظاهر نشد معلوم گشت که خلقت ایشان برای جهنم است چنانچه در آیه دیگر ارشاد گردید لقد ذرانا لجهنم
کثیرا من الجن و الانس فانطبقت الآیات و زال الاشتباه و بعضی گفته اند که مراد از عبادت توحید است
یعنی نیافریدیم جن و انس را مگر برای توحید و همین معنی در دار آخرت صحیح خواهد شد که همه اعتراف بتوحید و ایمان
خواهند نمود دلیله قوله تعالی ثم لم تکن فتنتهم الا ان قالوا و الله ربنا ما کنا مشرکین و اعتبار شرک در دنیا
از ایشان صادر گشته نظر نمود از جهة قلت وجود آن بنسبت دار باقی دائمی چنانچه بزرگی عمر شصت ساله را تعبیر
بیوم فرموده حیث قال الدنیا یوم و لنا فیها صوم و بعضی اقل از یوم هم گفته اند پس افسوس صد افسوس که برای قلیل
یوم اینقدر اهتمام و کوشش نمائیم و عمر عزیز را که مخلوق برای دار الرضا و بالنعیم المقیم است بلهو و لعب
سازیم و فریفته و عاشق این لذات خلاف شکر ادیم فوا ویلاه و یا اسفا علی ما فرطت فی جنب الله
بیت ترسم که یار با ما نا آشنا بماند تا در این قیامت این غم بجا بماند و بعضی عرفا تفسیر لیعبدون بیعرفون
نموده اند یعنی تا که بشناسد حق را و شناختن متفاوت است باعتبار افراد و شیخ حافظ شیرازی
رحمة الله علیه میفرماید بیت تو و طوبی و ما و قامت یار فکر هر کس بقدر همت اوست و کمال
عرفان آنست که فنای المعروف حاصل شود چون باین مرتبه رسید مصدر عبادت مقبوله شد و هر فعلی

وقولی وحرکتی وسکونی که از وی سر بر میزند از اصل است واز خود محجوب است ودرین قرب هم ادنی
واعلی است ادنی این است که فاعل بنده باشد وآله حق واین اقرب نوافل مینامند کما ورد
فی الحدیث القدسی لا یزال العبد یتقرب الی بالنوافل حتی احبه فاذا احببته کنت سمعه الذی یسمع به
وبصره الذی یبصر به ویده الذی یبطش بها ورجله الذی یمشی بها واعلی این است که آله بنده باشد
وفاعل حق جل جلاله وعم نواله واین قرب فرائض است قوله تعالی وما رمیت اذ رمیت ولکن الله رمی
دال است برین امر تا کرا باین دولت مشرف سازند بیت تو مگو مارا بدان سو راه نیست با کریمان
کارها دشوار نیست اگرچه نیک نیم خاکپای نیکانم عجب که تشنه بجانم سفال ریحانم والسلام خفاین
ملبوسین برای پوشیدن ایشان بدست ملا جلال فرستاده شد مکتوب یازدهم که بمولوی ... در بیان ...
... صدور یافته در بیان ذکر اسم ذات ونفی واثبات ... بعد ... اجازت
دادن ... حضرات پیران کبار است ... بسم الله الرحمن الرحیم
حامدا لله العلی العظیم کما یلیق بجنابه تعالی ومصلیا ومسلما علی رسوله الکریم کما ینبغی ان نصلی علیه وعلی آله
الذین اجتباهم الله جل ذکره لحبیبه وعلی اصحابه الذین اختارهم الله سبحانه لصحبته تحیة مثل البحر یلیق بشانهم
برادر عزیز از جان حقائق ومعارف نشان مقبول بارگاه احد حاجی ملا دوست محمد صاحب سلمه الله تعالی
از فقیر احمد سعید مجددی کان الله له عوضا عن کل شیء بعد از سلام مسنون ودعوات ترقیات مشحون
مطالعه فرمایند الحمد لله که تا تحریر رقیمه فقیر مع متعلقان بخیریت است ومسئول از الله سبحانه سلامتکم وعافیتکم
واستقامتکم علی الشریعة المصطفویة علی صاحبها الصلوة والسلام والتحیة مکتوب مرغوب از دست عزیزان
مع تحف هدایا از قسم پوستین وجبه وپنج عدد کلاه ویک انبان جلغوزه ویک انبان قسم میوه بود و
مسعود مسرت آثار رسانید جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء وتقبل الله منکم ارقام نموده بودند که چیزی تبرک
برای ازالة شقاوة قلبی عنایت شود چون که درین ایام ماء زمزم از مکه معظمه نزد فقیر رسیده در نظر آن

آن از زبان گوهرفشان حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله وسلم چنان صدور یافته وماء زمزم
لما شرب له یعنی آب زمزم برای هر چیزی که خورده شود در وقت نوشیدنش همان چیز ظهور یابد از روی اول
خیری را اندیده برای ازاله کدورت که از لوازم بشریت است برای ایشان فرستاده شد وسجاده
وتسبیح ونعلین نیز مرسل شد الله تعالی آن عزیز را سجاده نشین پیران کبار سازد و دشت
وصحرا وتن بلاد را از فروغ نسبت حضرات کرام که در دو جبه ایشان مودع است منور فرماید آمین یا رب
العالمین جواب سوال دوم آنکه شخصی که بعد از مدت بیاید وحالش فراموش شود که در کدام طریقه داخل
شده بود از آن شخص باید پرسید که در کدام طریقه بیعت نموده بود اگر او را یاد باشد شجره همان طریقه
بدهد واگر او هم فراموش کرده باشد از وی باید پرسید که بیشتر اعتقاد بکدام خانواده دارد اگر ترجیح
اعتقاد نتواند بیان نماید شجره بما طریق بدهد واگر سادات در اعتقاد دارد شجره نقشبندیه عنایت
کنند جواب سوال سیوم آنکه نام حضرت والد ماجد فقیر در همه شجرها نوشته باشند که موجب برکات است
نوشته بودند که بیشتر هر چه اوراد ومراقبات میکردم برکات وفیوضات معلوم میشد الحال هیچ اثری نمی یابم
وروز بروز از دنیا واهل دنیا دل سرد میابم وروز بروز دل را بجناب حق تعالی مائل می بینم وتوجه
بر طالبان اثر بسیار دارد معلوم نمایند که سردی دل از دنیا واهل دنیا ومیلانش بجناب الحق سبحانه
وتاثیر توجه بر طالبان فائده معتد بها است از فهم فیوضات وبرکات وعدم ادراک ناشی از تجلیات ذاتیه
است که بر تر بر تجلیات ذاتیه نائل میشوند واحوال ایشان مثل احوال مرقوم شما میباشد از تذکار احوال
سابقه نقصان احوال خود نفهمند انشاء الله العزیز روز بروز در ترقی خواهد شد جواب سوال پنجم آنکه
اسم ذات از هر لطیفه یک یک هزار واز قلب پنج هزار ونفی واثبات یازده صد بار وتهلیل لسانی پنجهزار بار
وتلاوت یک سیپاره کلام الله ونماز تهجد واشراق دو دو رکعت وبعد از آن دو رکعت استخاره بعد از سلام
دعاء استخاره که در حدیث شریف وارد است خوانده باشد ونماز چاشت اگر دوازده رکعت شود بهتر است

اسم ذات از هر لطیفه یک یک هزار
ودر قلب پنجهزار ونفی واثبات
یازده صد بار وتهلیل لسانی پنجهزار
بار وتلاوت یک سیپاره کلام الله

والا چهار رکعت فرد رکعت و فی زوال چهار رکعت و بعد از سنت مغرب دو رکعت استخاره و بعد
از آن دعای استخاره برای شب خواندن و شش رکعت اوابین مواظبت نمایند بعد از نماز بامداد این
یکهزار درود شریف معمول نمایند و استغفر الله العظیم الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه
صد بار وقت طلوع آفتاب و صد بار عند الغروب خوانده باشند و بعد از هر فرض آیة الکرسی
و سبحان الله سی و سه بار و الحمد لله سی و سه بار و الله اکبر سی و چهار بار معمول کنند و بعد از
نماز صبح و بعد از نماز مغرب در حالیکه دو زانو از قبله نگردانیده باشند ده ده بار لا اله الا الله وحده
لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر مسنون است
و صد بار لا اله الا الله الملک الحق المبین بعد از نماز صبح در حدیث شریف وارد است و دعائی که
در کتاب حصن حصین برای هر وقت و هر وقت وارد شده همه از حق المقدور ورد نمایند و اگر
حصن حصین دستیاب نشد از بنده طلب نمایند جواب از سوال ششم آنکه در حالت نماز متوجه حقیقت
صلوة شده ارکان بجا آورده باشند و فرائض و واجبات و سنن و مندوبات را که در کتب فقه تفصیل
ذکر یافته بجا آورده باشند حاجت ذکر اسم ذات و نفی و اثبات در نماز نیست خشوع و خضوع و طول
قنوت و حضور بمرتبه اتم که ان تعبد الله کانک تراه فان لم تکن تراه فانه یراک بسیار رعایت کنند
در حدیث شریف وارد است که الصلوة معراج المومنین نماز بطوری ادا شود که حالت معراج به ظهور آید لی
مع الله وقت لا یسعنی فیه ملک مقرب و لا نبی مرسل که از سر در کاینات صادر یافته نزد فقیر در نماز
بوده الله تعالی کمال اتباع آنحضرت صلی الله علیه و سلم سبب کمال متابعت محبوب جلوه با تمرتبه فائض میسازد
اللهم ارزقنا کمال اتباع حبیبک قولا و فعلا و عملا و اعتقادا سؤال یا رب این کار دشوار است جواب از
سوال هفتم آنکه اشتغال قادریه و چشتیه هم در مانکه شایق آن از کار بوده باشند تعلیم کرده باشند مخالفه
نیست سؤال در دو منزل آنکه حق تعالی کاملیه همیشه جواب از سوال هشتم آنکه هفتاد هزار حجاب که
به تخفیف منزل اهل سنت مقدر تفاوت است

که در حدیث شریف وارد شده اند تا وقت سیر لطائف با اصول خود حجبهای ظلمانی تمام قطع میشود
و حجابهای نورانی در مقامات فوقانی الی ولایة العلیا تمام میشوند بعد از آن وصل عریان حاصل میشود
سؤال تا یار کرا خواهد و میلش بکه باشد جواب از سوال نهم آنکه ملالت از سخن حاصل شدن که سابق بود
حالا حادث شده بسیار خوب است من سکت سلم و من سلم نجی کان رسول الله صلی الله علیه و سلم دائم الفکر
متواصل الحزن مگر امر بالمعروف و نهی عن المنکر و سخن ارشاد برای طالبان طریق ضرورت است اگرچه
ملالت حاصل شود تدارک ملال باستغفار نماید تا سالم شدن از سخن وعظ و نصیحت از خواص نسبت شریفه است
و غیرت محبوب کی نگذارد بطرف دیگر متوجه شود جواب از سوال یازدهم آنکه کلمات نامربوط و سخن لاطائل
فقیر که بنام ایشان فرستاده میشوند لیاقت آن ندارند که کسی آن را جمع سازد و یا ترتیب به مکاتیب
قدسی آیات حضرات کرام ما برای طالبان طریق کافی و وافی اند اما بفحوای غرای حضرت سید مختار
صلی الله علیه و سلم که ما راه المومنون حسنا فهو عند الله حسن حسن نیت شما شاید که مقبول عند الله شود
سؤال چشم دارم که ماهی پرشکسته را احسن قبول آنکه در ساخته قطره بارانی را الکن در تصحیح و مقابله با اصل
مکتوب جهد بلیغ مرعی دارند که غلطی نشود مکاتیب که برادر فرزندی فرستاده اند غلطی بسیار دارند شاید
مقابله نکرده باشند استیفای حقوق که برذمه ایشان اند از حلوا فرستادن اینجا نموده شده و از تنعیب اجه
و جیب محمد نیز کرده خواهد شد خاطر جمع دارند و السلام از فرزندان و درویشان خانقاه سلام مسنون قبول نمایند
از عبد الرشید مجددی بخدمت شریف حاجی دوست محمد صاحب السلام علیکم و رحمة الله و برکاته یک جبه سبز رنگ
معه مکتوب حضرت پیر و مرشد برحق که از عنایت مهربانی فرستاده بودند رسید جزاکم الله تعالی عنا خیر الجزاء
و السلام مکتوب شانزدهم به یکی از گنجینه درویشان دولت محمد صاحب صادر یافته در بیان آنکه ادعیه ماثوره که در
احادیث شریف است و اسماء الحسنی حق تعالی در دعا حزب البحر که مهمات دین و دنیا را کفایت کند باید خواند
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله و سلام علی عباده الذین اصطفی و الصلوة و السلام علی سید الوری و علی آله و اصحابه

تا سالم شدن از سخن وعظ و نصیحت
از خواص نسبت شریفه است

استفاده

البرية الحق اخوی اعزی ارشدی حاجی ملا دولت محمد صاحب سلمه الله تعالی و جعله للمتقین اماما از فقیر احمد سعید
عفی عنه بعد از سلام و التحیة معلوم فرمایند که شکر جناب واهب العطایا مقدور زبان و بیان نیست بیت گر بتن
من شود زبان هر موئی یک شکر وی از هزار نتوانم کرد ادعیه صبح و شام که در حدیث شریف وارد اند
و درین الا شی رسالت مرقوم میسازد وقت بیدار شدن از خواب الحمد لله الذی احیانا بعد ما اماتنا
و الیه النشور اللهم باسمک احیا و بک اموت و الیک النشور وقت برآمدن از خانه بسم الله توکلت علی الله
و لا حول و لا قوة الا بالله العلی اللهم انی اعوذ بک ان اضل او اضل او اظلم او اظلم او اجهل
او یجهل علی وقت صبح فسبحان الله حین تمسون و حین تصبحون و له الحمد فی السموات و الارض و عشیا
و حین تظهرون یخرج الحی من المیت و یخرج المیت من الحی و یحیی الارض بعد موتها و کذلک تخرجون سه بار
سبحان ربک رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین سه بار اصبحنا و اصبح الملک لله
لله لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر اصبحنا علی فطرة
الاسلام و علی کلمة الاخلاص و علی دین نبینا محمد صلی الله علیه و سلم و علی ملة ابراهیم حنیفا مسلما و ما انا من المشرکین
اللهم ما اصبح بی من نعمة او باحد من خلقک فمنک وحدک لا شریک لک فلک الحمد و لک الشکر وقت رفتن
بیت الخلا اللهم انی اعوذ بک من الخبث و الخبائث بسم الله وقت بیرون آمدن غفرانک الحمد لله الذی اذهب عنی
من الاذی و عافانی وقت وضو ادعیه متواتر که در فقه منقول اند معمول است وقت دخول مسجد
اعوذ بوجهه العظیم و سلطانه القدیم من الشیطان الرجیم اللهم صل علی سیدنا محمد و علی آل سیدنا محمد و بارک
و سلم اللهم افتح لی ابواب رحمتک وقت شروع نماز انی وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض حنیفا
مسلما و ما انا من المشرکین ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک امرت
و انا من المسلمین وقت بیرون آمدن از مسجد اللهم انی اسئلک من فضلک و اعوذ بکلمات الله التامات کلها من
شر ما خلق سه بار بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء و هو السمیع العلیم سه بار و همین ادعیه

ادعیه مرقومه وقت شام ملحق بجای اصبحنا امسینا باید خواند و بعد هر نماز دعا و حزب البحر معمول بخ
کرام است که مهمات دینی و دنیوی را کفایت میکند و یکبار در روز و شب اسما حسنی حق تبارک و تعالی چون
ضرورت که در حدیث شریف در فضیلت آن آمده است من احصاها دخل الجنة و السلام علیکم و علی من
لدیکم [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم حاجی حافظ
مهربان عزیز از جان حقائق و معارف نشان مقبول بارگاه الله ملا دولت محمد صاحب سلمه الله تعالی از فقیر
احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون و ترقیات مشحون مطالعه فرمایند الحمد لله که فقیر با فرزندان تا حدی
بخیریت ایم و صحت و عافیت الطاف از جناب الهی سبحانه مسئول است رقیمه مهربانی رسید و صحت معلوم شد
ان شاء الله صحت میشود از بودن بیماری دلتنگ نشوند که فرستاده حق میباشد بیت حب الرسول
لحب حبیب المرسل اهلا لسعد الرسول و حبذا پس دولت دشمن و واسطه از دوستی اصل است در حدیث
شریف وارد است وقتیکه عمل بنده قاصر باشد حق تعالی میخواهد که این بنده را بدرجه اعلی رساند مرضش
مبتلا میسازد و او صبر میکند بسبب صبر درجه اش بلند میسازد رباعی حضرت شاه نقشبند رضی الله عنه از
طرف لسان الغیب حرف السیار محفوظ میسازد و آن این است ۵ یا درد دیار چون دوائی تو منم
در کسی سکن چو آشنائی تو منم گر بر سر راه عشق من کشته شوی شکرانه بده که خون بهائی تو منم الله تعالی
همه دوستان را بچنین عمل باین عطا فرماید یک نمونه زنبیل خورد آخوند کاکا با دست ممن و یک زنبیل بادام
دیگر زنبیل کشمش که در وقت فرستاده بودند از دست ملا جلال رسید جزاکم الله خیر الجزاء و تا هنوز کدام
مکتوب ایشان نرسید که از احوال باطن معلوم میشود اما غائبانه باطن شما را از نسبت بزرگان انتخاب
معموری هستم الهم زده فرزند و کثر دعوا الدین الله تعالی وجود شما را آفتاب ایه و موجب اشاعت
نسبت شریفه دران یاد فرمایند همه و کرام اما باید که باز کار و اشغال معموله فتوری نرود که از پنج هزار کلمه

طیبه طیبا با معنی هر اسم ذات قائل در جواز هر لطیفه یکیک هزار و یازده صد نفی اثبات دیگر ذکر درباره و
و تلاوة کلام مجید و قران شریف و اشراق و چاشت و ضحی و زوال و اوابین و تهجد در روز و شب میباشند
و زیاده ازین نور علی نور یهدی الله لنوره من یشاء و السلام زبانی ممیمی معلوم شد که فرمائش کچکول کرده
امروز تمام کتب خود را دیدیم بدست نیامد هر گاه دستیاب خواهد شد فرستاده خواهد شد عوض ان دو
زنجیر کمر در اشغال هر طرق نوشته اند فرستادیم و دو سال شد که چهل مکتوب نیز فرستاده بودیم تا هنوز
رسیدش دریافت نشد رسید هر دو نفر نوشید که اطمینان حاصل شود از فرزندان و دوستان و درویشان
خانقاه سلام مسنون قبول نمایید مکتوب بیست و هفتم این کمینه درویشان در دست محمد صادق رسیده دریافت که
هر چیزی که در شریعت شروع شود باید که دل شروع ذکر حق تعالی کند بعد از ان با ان چیز دیگر دخل نماید
مالا بنبغی است بسم الله الرحمن الرحیم بعد الحمد والصلوة وتبلیغ الدعوات اخوی اعز ارشد حاجی دوست محمد جعله
الله سبحانه وسعیدا عما سواه معلوم فرمایند که الحمد لله که فقیر تا این تحریر جامع نعمای غیر متناهیه
فائضه از منعم علی الاطلاق جلت الاؤه وعم نواله است و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و استقامتکم
علی الشریعة المصطفویة علی صاحبها الصلوة والسلام دور قیمه کریمه که مشتمل بر اشتیاق بود ند رسید بمطالعه ان
مسرور و مبتهج گردید حدیث قدسی است الا طال شوق الابرار الی لقائی وانا الیهم لاشد شوقا از طرف
این فقیر مشتاق بر خواهند اما در هر دو مکتوب احوال باطن خویش و حالات باطن مستفیدان مر قوم نشده اهم
مقاصد را گذاشته بغیر اهم پرداختن داخل دائره مالا یعنی است قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم علامة اعراضه
تعالی عن العبد اشتغاله بما لا یعنیه اللهم لا تکلنا الی انفسنا طرفة عین ولا اقل من ذلک فنهلک ولا تجعل الدنیا
اکبر همنا ولا مبلغ غایة رغبتنا ولا منتهی علمنا واجعل همنا هم الاخرة والشوق الی لقائک ولقاء حبیبک صلی الله علیه
وسلم و اجعل کلامنا ذکرک و ذکر حبیبک علیه الصلوة والسلام و ذکر احبابک رضوان الله علیهم اجمعین فانا
لا نستطیع غیر ذلک الهی مرا از دوستان خود کن یا از دوستان دوستان خود کن که قوم دیگر را طاقت

طاقت ندارم خوش گفت مسکین حسن بگو مدتی ای دوست تو عشاق تو خوش گر نیز از ایشان نیستم
در کار ایشان کن مرا گر ندارم از شکر جز نام بهر این بسی بهتر که اندر کام زهر باید که اولا از مقبولان
مرقوم میشود بعد ازان استطرادا و تبعا هر چه باشد باشد و هر کاریکه کرده شود به نیت متابعت رسول کریم
صلی الله علیه و آله وسلم کرده آید سواء کان ماکولا او مشروبا او ملبوسا او مبیعا او مشری او نکاحا او صلوة
او صوما او ذکرا او ارشادا للخلق فانا لا نقول بالمتابعة شیئا رزقنا الله سبحانه وایاکم کمال اتباع حبیبه
صلی الله علیه وسلم ظاهرا و باطنا و یرحم الله عبدا قال آمینا در عالم عشق مجازی که سایه مشابهت بمحبوب
تمیکند چه بلا زیبا بنظر عاشق میدارد به عالم حقیقت را بر ان قیاس باید کرد آیة کریمه قل ان کنتم تحبون
الله فاتبعونی یحببکم الله شاهد این معنی است یعنی اتباع محبوب رب العالمین بمرتبه محبوبیه خاصه حضرت حق
سبحانه و تعالی میرساند اللهم اجعلنا منهم هر چند نیم لائق درگاه سلاطین امید باید شاهان چه عجب
گر بنوازند گدا را نگاهی بگاهی و نختم المکتوب علی خاتمه حسنه متضمنة علی ابیات مدحه صلی الله علیه
و آله وسلم لتکون وسیلة النجات و فوزا بصلاح الدارین ما ان مدحت محمدا بمقالتی
لکن مدحت مقالتی بمحمد محمد عربی کابروی هر دو سرا است کسیکه خاک درش نیست خاک بر سر او
محمدا از تو میخواهم خدا را الهی از تو عشق مصطفی را یا رسول الله السلام علیک انما الفوز
و الفلاح لدیک بدرت آمدم جوابم ده مرهم بر دل خرابم نه لب بجو جاه و حترامم را یکجواب صد سلام مرا
گر ز فتم طریق طاعت تو هستم از عاصیان امت تو ترحم یا نبی الله ترحم ز مهجوری برآمد جان عالم
نه آخر رحمة العالمینی چه وصف کند احمد ناتمام علیک الصلوة ای نبی والسلام
اگر این ابیات را خوانده روح اطهر سرور عالم صلی الله علیه و آله وسلم را قبه نشسته باشند متمم برکات
خواهد شد فقط هر ایام مرسله ساسبان بادام و یک از توت و یک از کشمش موصول گردید و سه کلاه و یک
تسبیح نیز رسید جزاکم الله سبحانه عنا خیر الجزاء از فرزندان و درویشان سلام مسنون خوانند

مکتوب نوزدهم که بنام [...] درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان آنکه بعضی ترکات آنحضرت که این
فقیر [...] ساخته و دعا در حق این عاصی نموده اند بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی
علاء دولت محمد صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون و اشتیاق مشحون مطالعه کردن
بکلی باد سابق ازین مصلا و تسبیح و زمزمی معه رقیمه خود بدست ملا پشوری فرستاده ام انشاء الله تعالی
خواهد رسانید و دران رقیمه جواب اسوله ایشان نوشته ام مطالعه خواهند فرمود الحمد لله تعالی فقیر یاد انها [...] را
پیوسته در یاد و محبت خود میدارد و یک لمحه بغیر خود ملتفت نسازد اللهم لا تکلنا الی انفسنا طرفة عین ولا اقل من
ذلک ولا تجعل الدنیا اکبر همنا ولا غایة رغبتنا واجعل الآخرة محبوبا الینا و شوقنا الی لقائک لقاء حبیبک
صلی الله علیه وسلم آمین یا رب العلمین والسلام اولا و آخرا حالا نیز زمزمی مرسل است برای [...] این رقیمه
آداره دعا فرمایند مکتوب بیستم ایضا بنام درویشان دولت محمد صدور یافته در جواب آنکه [...]
[...] اخوی اعزی ارشدی حاجی
صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون و اشتیاق مشحون کاشف مانه الفقیر بالحمد
لله حمدا کثیرا طیبا مبارکا فیه مبارکا علیه کما یحب ربنا و یرضی خوش گفت پی تو جانان قرار نتوانم کرد
احسان ترا شمار نتوانم کرد گر بر تن من زبان شود هر موئی یک شکر تو از هزار نتوانم کرد و چه گوید [...]
ثنائی غیر متناهیه متناهی تو از محمود ممکن را چه یارا که دم در اوصاف واجب قدیم زند و چون از بیان
چه بیان سازد الکه از خویشتن [...] چه خبر دارد از جنان جنین لا یحمل عطایا الملک
الا مطایاه [...] بعجز اعتراف نماید کما ورد فی الحدیث الشریف لافضل الرسل علیه افضل الصلوة والسلام
لا احصی ثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک ثنا و کما ینبغی برای [...] تعالی [...]
وجوب [...] از خود برای خود جلوه [...] وقت [...] جامعه اکتفا نمودم والسلام
برای [...] رقیمه آداره [...] دعا [...] باشد مکتوب [...] بنام [...] درویشان دولت محمد صدور [...]

ممکن را چه یارا که دم در اوصاف واجب قدیم زند

صدور یافته در اطلاع [...] آنحضرت [...] متعلقان آنحضرت [...]
[...] آنحضرت [...] اخوی اعزی ارشدی حاجی علاء دولت محمد
صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون السلام علیکم و رحمة الله [...] الحمد لله
که فقیر معه متعلقان تا بتاریخ بیست دوم ذی القعده بخیریت است والمسئول من الله سبحانه سلامتکم
دعا فیکم و ترقی ارشادکم و هدایتکم و رحم الله عبدا قال آمینا دو انبان بادام و یک انبان کشمش
و یک مصلا و چهار کلاه از دست جمعه خان موصول گردیده جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء و فرزندی اعزی
حاجی عبد الرشید مع الخیر از حج و زیارت فراغت نموده در خانه رسیده اند الحمد لله علی ذلک و علی جمیع
نعمائه از طرف ایشان و برادران محمد عمر و حافظ محمد مظهر و جمیع درویشان خانقاه سلام مسنون
قبول فرمایند مکتوب بیست و دوم که بنام [...] درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان [...]
ترک [...] بسم الله الرحمن الرحیم حمد را با تو نسبتی است درست بر در هر [...]
بر در رست لان الحمد عبارة عن اظهار الصفات الکمالیة والکمالات بأسرها و جمیعها فای ذو کمالات
مستفادة من جناب قدس [...] خیر محض و کمال خالص و الممکن معدن الشرور و مصدر النقائص فحمد
الممکن باعتبار الکمالات حمد للحق جل جلاله و عم نواله فهو المحمود حقیقة و ما سواه مجاز فالالف واللام
فی قوله سبحانه الحمد لله رب العلمین للاستغراق لا غیر و کذلک الصلوة مخصوصة لسیدنا و نبینا و شفیعنا
و وسیلتنا فی الدارین احمد المجتبی و محمد المصطفی صلی الله علیه وآله وسلم لان الصلوة عبارة عن الرحمة
الالهیة وهی راجعة الی من ارسله رحمة للعالمین المشرف بتشریف قوله سبحانه وما ارسلناک الا رحمة
للعالمین فوصول الرحمة الی غیره یکون بالتبع والعرض لا بالذات والاصالة لان وجود جمیع الموجودات
حصل من وجوده المبارک علیه الصلوة والسلام لولاک لما خلقت الافلاک و لولاک لما اظهرت الربوبیة
شاهدان عادلان علی هذا المرام و بعد رسول الله الملک السلام ظهور الرحمة الکاملة [...] سیدنا

واما منا ابی بکر الصدیق رضی الله تعالی عنه الذی قال فی حقه نبینا صلی الله علیه وسلم ارحم امتی بامتی ابوبکر
ولهذا الستر صار افضل البشر بعد حبیب الله الاکبر ثم عمر ثم عثمان ثم علی علیهم الرضوان الی یوم القیام
ولذلک ورد فی الحدیث القدسی سبقت رحمتی علی غضبی فهو رحمن الدنیا للمومن والکافر ورحیم الآخرة
للمومنین خاصة وله سبحانه مائة من الرحمة واحد منها ظهرت فی الدنیا تتراحمون اهل الدنیا فیما بینهم
وظهور تسعة وتسعین جزء منها موقوف علی الآخرة ومن ثمه قال بعض الاکابر ان ارحم الراحمین اسم الله
الاعظم الذی اذا دعی به اجاب واذا سئل به اعطی یا ارحم الراحمین مغفرتک اوسع من ذنوبی
ورحمتک ارجی عندی من عملی ورحمتک ارجو فلا تکلنی الی نفسی طرفة عین ولا اقل من ذلک
ونختم المکتوب بالحدیث المسلسل بالاولیة الذی وصل الی من جناب الامام الربانی المجدد الالف الثانی
رضی الله عنه قال رسول الله صلی الله علیه وسلم الراحمون یرحمهم الرحمن ارحموا من فی الارض یرحمکم من فی السماء
والسلام حامل القرطاس صار باعث لهذه المکاتبة فارحم علیه بمزید الدعاء من بین اقرانهم مکتوب بیست و سوم
بحاجی دولت محمد ... در بیان اظهار و شکرگذاری آلاء و دعوات و تسامح
و بعضی سوال که از ایشان نموده بودم بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی دولت محمد
صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید مجددی معصومی بعد از سلام سنت خیر الانام علیه الصلوة والسلام
واضح خاطر خطیر باد الحمد لله المنعم المنان که احوال فقرا واین اوطان مستوجب حمد و سپاس خالق جهان است
واز نوید وصول ایشان مع الخیر والعافیه در اوطان ومساکن خویش شکر خداوند بجا آورده شد واز ادراک
ترقیات احوال طی آنجناب مع طالبان شکر برشکر نمودم س اعلا السعدی للرسول وجنهاء جواب
الرسول لوجه جل الرسل سوال فرموده بودند که طریقه قادریه و چشتیه در ضمن سلسله نقشبندیه ترویج
دهند وشجره همان طریقه دهید که اجازت گرفته باشند قربان حضرت شوم درین دو طریقه اذکار و لطائف
ومراقبات چنانچه در طریقه نقشبندیه ذکر الله بقلب و روح و سر و خفی واخفی وقالب و نفی واثبات و تهلیل

وتهلیل لسانی ومراقبه احدیت و معیت و اقربیت الی آخر المقامات تا مراقبه لاتعین همین است باینه جواب
این اذکار و اشغال و مراقبات مخصوص خاندان نقشبندیه مجددیه اند دران هر دو طریق است اشغال
ومراقبات طریقین در رساله انوار العبه مرقوم ساخته ام من شاء الاطلاع فلیرجع الیه سوال در کتب
العوارف مسطور است در طریقه در اخذ فیوضات احیا و اموات بر آید طریقه احیا خود معلوم است وکیفیت
احوال اموات باین فقیر معلوم نیست جواب درین طریقه چنانچه با احیا توجه کرده میشود همچنان بر قبور
اموات نشسته توجهات مینمایند و از توجه این مقبولان ترقیات در باطن اموات حاصل میشود جواب از
سوال سیوم آنست که تخصیص نبض معیت بر قلب و اقربیت بر لطائف سته و محبت بر نفس فقط و سمی الباطن
بر عناصر ثلثه و کمالات نبوت بر عنصر خاک از مکشوفات پیران کبار رحمهم الله و تجربیات ایشان است
حاجت دلیل نیست جواب از سوال چهارم آنکه اگر طالبان طریقه قادریه و چشتیه شوق تعلیم اذکار
واشغال طریقه مخصوصه خود نمایند تعلیم بکنند مضایقه ندارد و بای الحاح و مبالغه از خود نکنند که مقصود
مرشدان آنست که طالب بزودی بمطلوب برسد و راه اقرب از همه طریقه نقشبندیه مجددیه است
شکر الله اعطی الی یوم التناد نه عرق چین و یک جوری جورب و یک ایقان با دام و یک ... جوز
از دست ملا یا محمد رسید جزاکم الله سبحانه عنا خیر الجزاء از فرزندان و برادران و دوستان سلام
مسنون قبول نمایند مکتوب بیست و چهارم بمولوی ... بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی
صاحب سیادت و ارشاده و سلمه و بلغه الی معارج کمال العارفین رفاه از فقیر احمد سعید عفا الله تعالی بلطفه
الحمید بعد از اهدای هدیه مرضیه سلام مسنون و التحیه معلوم خاطر خطیر باد الحمد لله حمدا لا تعد ولا تحصی
علی نعمائه و نصائه الغیر المتناهیة من طی اللسانه بهذین البیتین س ای تو خانان قرار نتوانم اللهم
احسان ترا شمار نتوانم کرد گر برتن من زبان شود هر موئی یک شکر تو از هزار نتوانم کرد و هر تمام
جنانه بهذه الابیات س شاها ستایش تو بعقل و زبان من کی میتوان که فضل تو از عقل برتر است

او صاف چو تو پادشاهی از من گدا • صیقل زدن با آئینه مهر انور است • از لطف چه تو شاه ستمدیده
بنده • انچه اگر خلاص شود ده چه در خور است • نا اهلم و سزائی نوازش نیم ولی • نا اهل و اهل
پیش کریمان برابر است • والمسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و استقامتکم و ترقی ارشادکم آناً فآناً
ساعةً فساعة • دیر حم الله عبداً قال آمینا • رساله حق المبین را تصحیح ساخته شد جلد سازی جزو اشی
مقدم مؤخر شده کاتب هذا بر اوراق آن بحسب رقم اعداد هندسه کرده ام موافق مرقوم کرده اند تا مطالب
بفهم در آید اگر در حضور میخواهند لطف دیگر پیدا میکرد و اجوبه سوالات مرقومه در مکتوب اول معرفت
با بیداد خان نوشته فرستاده ام ان شاء الله تعالی رسیده باشد احتیاج تکرار ندید دو شش ایاب
میوه نعمه خوره و شیر خشت از دست حامل رساله موصول گردید جزاکم الله سبحانه عنا خیر الجزاء العبد رفتن
ایشان دو بار در عالم رویا آن عزیز القدر را دیدم از هر دو واقعه ترقی در نعت شان آنجه
معلوم شود الحمد لله علی ذلک من تواضع لله رفع الله قدره حدیث صحیح است بنده صادق را باید که رو برو
عظمت مولی خود جل جلاله و عم نواله از خود نام و نشانی نگذارده و این شهود دائمی باشد • جسم
همه زار گشت و چشم بگریست • در عشق تو بی جان همی باید زیست • از من اثر نماند این عشق از چیست
چون من همه معشوق شدم عاشق کیست • تقدوف شود امین ملا سید فود حامل رقیمه هذا جوان صالح
و سعادت مند است توجه باطن خود بجوب بعد بر عناصر ثلثه توجه کرده شد بعد از قوت انهضام در دیگر مقامات تا آخر
سلوک توجهات نمایند که قابلیت ان شاء الله تعالی دارد • ختم خاص که مشکلات بود در نعت یاد خیم
کل صحیح و مکروب و غیامثر و معاذه • بانصد بار درود شریف صد صد بار اول و آخر
اصلی کنسیم خاص و ختم کلام الله مجید بیست و هفت سپاره برای آن عزیز از جانب فرستاده شد سپاره
از اول الحمد تا یاسین کنانند تا ختم کامل شود در ترجمه اشعار رساله مرسل خواهد شد از فرزندان ایشان و درود
خانقاه و سلام مسنون قبول فرمایند مکتوب بیست و ششم این کمینه در دولت شا و حضرت محمد مسعود نوشته در جواب آنکه

در بیان وصول بمقام حق و کلیات • اخوی اعزی ارشدی زاده الله ارشاده و طول بقاءه • بعد
المسترشدین بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند الحمد لله رب العالمین که احوال فقرا
ایشان و دعوات مالی المعبود مستوجب حمد جدید و شکر بلا نهایی و لا تعداد است و المسئول الأمول من ارحم الراحمین
صحتکم و عافیتکم من الآلام و الاسقام الظاهرة و الباطنة و افاده تکم الی افاده فیما فیما و ساعة فساعة
علی الطالبین و یرحم الله عبداً قال آمینا من استوی یوماه فهو مغبون مقرر و مسلم عند السادات الصوفیة
رحمة الله علیهم فیا الهی و مولای لا تجعلنی و اجعلنی من المغبونین بل زدنی آناً فآناً محبتک و محبة حبیبک
صلی الله علیه و سلم و لا تکلنی الی نفسی طرفة عین و لا اقل من ذلک فضلک و فضلنا لما کتب ترضی و اجعل آخرتنا
خیراً من الاولی آمین • تیکر که دل این علیل تیر خون شد • تیکر که ازین سرای فانی جوان شد • معنی
بکف سیاهی بر ه و دیده بدوست • با چنگ اجل خنده زنان بیرون شد • والسلام مکتوب بیست و هشتم
بمیرزا کینه در دولت شا و حضرت محمد مسعود یافته در بیان حضرت معیت و اقربیت حق و کلام در بیان وقوع فنائیه
سالک بسم الله الرحمن الرحیم سبحانک لا علم لنا الا ما علمتنا انک انت العلیم الحکیم و صلیا علی سید محمد الخلق
العظیم و آله الجسیم و اصحابه الفخیم اما بعد فقد ورد الی کتاب کریم من الاخ الاعز الارشد الفهیم سیدی الحرمین
الشریفین سلمه الله سبحانه علی رؤس المستفیدین مشتملاً علی مسائل اهل الیقین المسئلة الاولی ان الواصل الی الکمل
الی المقام یری فیه ذاته و ذوات الممکنات معدوماً محضاً و یعلم ان الوجود ثابت للحق سبحانه فکیف یلاحظ حکم
المعیة و الاقربیة الجواب ان صاحب هذا المقام قد تشرف بفناء النفس المعبر بالفناء المطلق المزیل للعین
و الاثر کما اشار الیه سلطان ابو سعید رحمه الله علیه بالفارسیه • جسم همه زار گشت و چشم بگریست •
در عشق تو بی جسم بجان باید زیست • از من اثر نماند این عشق از چیست • چون من همه معشوق شدم
عاشق کیست • و اختم در مصرع آخر چنین میخواند • چون من همه ناچیز شدم عاشق کیست • حفظاً
للمراتب لیس صاحب این فنا الملک بمقام اتم مستعد خواهد شد و مقام لا اله الا الله نصیب او خواهد شد

من استوی یوماه فهو مغبون

وهر ذکر و فکر او از اصل خوابر بوده از ظل یعنی بوجود موهوب حقانی فهو الاخحاد الم رتب مورد
الفیض و مهبط لا یحل عطایا الملک لا مطایاه جواب از سوال دوم اکثر علماء معتبره و اقربیت علی میگویند
و صوفیه صافیه ذاتی میدانند و حضرت پیغمبر مانند که معیته و اقربیته بیچون و بیچگون لحاظ باید رحمت ساختند
وذات او سبحانه و جمع عبارت از مقام فنا است و جمع الجمع از فنا و الفنا که علم و ادراک فنا هم در اهل
شود و تفرقه سالک بعد از جمع جمع میرسد امتیاز بین الخلق و الاله و دوئی مشهود و کفر و اسلام یکسان مینماید
و شطحیات و سکریات تکلم مینماید منصور حلاج در همین مقام بود حیث قال کفرت بدین الله والکفر
واجب لدی و عند المسلمین قبیح و از این الکفر طریقت میباشد که از اسلام ظاهری بالا است و منشاء هم
او است همین مقام است و معنی همه اوست یعنی همه اشیاء حق است در موقت نظرش میدید اما مغلوب
الاحوال است و ملکاری معذور دارند و چون از مقام ترقی مینماید و بفرق بعد الجمع که کمال است و جان
هشیاری و تمیز است میرسد توحید شهودی جلوه گر میگردد و همه از وست متکلم میگردد یعنی همه اشیاء
ناشی از حق تبارک است و نسبت ظل و اصل فیما بین الملک و الواجب اثبات مینماید و وجود و ممکنات سایه
پرتو وجود حق میدانند و عینیت حکم نمیکنند که بشعور رسیده است و با فاقت در آمده و صاحب این مقام مشرف
باسلام حقیقی میشود و کمون در لغت پوشیده شدن و بروز ظاهر گردیدن است و در اصطلاح غائب شدن کمون
از ملکات خود کمون است و ظاهر گردیدن در ملکه متعدده بروز است و بطون عبارت از متوجه شدن
بسوئی باطن است و البطن بطون کنایه از ذات حق است و از دریافت شدن کثرة طلاب مجازین
و فارغ البال بودن از دنیا و اهل دنیا و فرصت معاش مسرور الوقت گردیدیم و شکر خداوندی جلت عظمه
بجا آوردم منطوق لازم الوثوق لئن شکرتم لازیدنکم ایشان هم تمام بر شکر نموده بخشند و باین رباعی از
اکثر اوقات مترنم بودند بی تو جانا قرار نتوانم کرد احسان ترا شمار نتوانم کرد گر بر تن من زبان شود
هر موئی یک شکر تو از هزار نتوانم کرد و استیلاء و غلبه را الطاعتی است عظمی و مرجعی است کبری که نظیرش نیاید

ندارد و تا کدام صاحب دولت یاد از جزاران یکبار باین عنایت بنواز تمام شکرش از جمیع نعم الحیر نباشد
باید نمود که بدون حضور مجالست ظاهری کار حضور و صحبت مینماید و نسبت خاص الخاص که در بیوت حکم
عنقاء مغرب دارد مشرف میفرماید بشری لکم ثم بشری لکم اما وحدت قبله توجه از ملاحظه شرط است و از
اهم مهمات است الا لله الدین الخالص نص قاطع است با درد بساز چون دوای تو منم با
کس منگر چون آشنای تو منم گر بر سر راه عشق کشته شوی شکرانه بده که خونبهای تو منم حضرت
پیر دستگیر رحمة الله علیه و قلبی و روحی فداه میفرمودند که یکبار بمزار پر انوار محبوب الهی حضرت نظام
الدین اولیاء قدس سره حاضر گردیدیم دیدیم که کلاه خاص از سر خود گرفته بر سر من نهادند و دو دو انگشت
بر تمام بدن خود جسم شریفش را مشاهده نمودم شخصی ثالث بمن گفت که ترا کلاه خلافت دادند تو خلیفه
ایشان باشی من بعد جواب عرض نمودم که فقیر خلیفه حضرت میرزا جان جان شهید رحمة الله علیه میفرمودند
که یکبار ملاقات حضرت خضر واقع شد فرمودند که از من هر چه میخواهی عرض کردم که پیر من کافی است
ثبتنا الله سبحانه و ایاکم علی طریقة مشایخ الکرام رحمة الله علیهم اجمعین و السلام اولا و آخرا آمین
که مخلص خاص یاد و شمالات باید که از اهل خانه و فرزندان خبرگیران باشند و دوام محامد و دعا [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم
اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون واضح باد که ایشان بالام
و یک خبر دست انگشتش از دست دلائیان کسی خاطر جمعه فرمایند هر شیخ ایشان حواله عظیم حامل رقیمه
نموده شد انشاء الله تعالی خواهد رسانید و رساله حق المبین کسی نرسانید که تصحیح ساخته باین کس
میفرستادم باقی احوال بر وقت فرصت نوشته خواهم فرستاد و قبل از این جواب خط بوساطت فنا محمد
مرسل شد [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام

مسنون اشتیاق مشحون مطالعه نمایند الحمد لله که تا تحریر احوال فقرا امیخه و دستوجب حمد است والمسئول
من الله سبحانه سلامتکم و ترقیات باطنکم یوما فیوما ساعة فساعة اینکه تا امروز که دوازدهم شهر صفر است
بخبر یک مکتوب شما که بدست برهان مرسل بود هیچ خطی نرسیده موجب تشویش حق سبحانه تعالی بخیر یاد خود نگرداناد
لهذا خاطر فقیر نگران و مشوش میباشد الله تعالی ایشان را از آفات زمانه محفوظ داشته ترقیات ظاهری
و باطنی بنوازد و دشت و صحرای آن نواحی را بنور وجود شریف ایشان منور سازد آمین یا رب العالمین
از فرزندان و درویشان سلام قبول فرمایند الحمد لله که درین ایام از شادی الکتخدائی برخوردار محمد عمر فراغت
حاصل شد قریب بیک صد روپیه خرج شده دو صد روپیه قرض باقی است ارحم الراحمین ادا خواهد نمود مکتوب
[illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی بعد از سلام مسنون مطالعه نمایند الحمد لله
که فقیر تا دم تحریر بخیریت صوری کائن است اما از خیریت معنوی باین کار و بار شرم افزائی معلوم است
جل جلاله عملش ترک عزیمت و اولی است قولش مناقض عمل او و فعلش منافی امر او و فواویلاه و یا اسفاه
علی ما فرطت فی جنب الله عرفت العزة لهو ولعب فاها ثم آها ثم آها استغفر الله من قول بلا عمل
الهی و مولائی ادرکنی بلطفک الخفی و وفقنی لما تحب و ترضی و اجعل آخرتی خیرا من الاولی و لا تکلنی الی نفسی
طرفة عین و لا اقل من ذلک و اشغلنی بجلالک و اغننی بفضلک عمن سواک یا ارحم الراحمین یا مجیب دعوتی
یا من یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء یارب این آرزوی من چه خوش است تو بدین آرزو
مرا برسان کم نگردد تابش خورشید گر در بدخشان لعل سازد سنگ را از الطاف بیند برد
کمال تو نقصان ازین طرف شرف و زکار من باشد والسلام حامل رقیمه ملا جلال را به عاطفت
مخصوص دارند مکتوب سی ام [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب لا زال ارشاده

ارشاده منزه از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه
فرمایند الحمد لله که تا تحریر فقیر معه متعلقان بخیریت است والمسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و ترقی
ارشادکم و خلفائکم یوما فیوما ساعة فساعة و یرحم الله عبدا قال آمینا مکتوب مرغوب معه مبلغ یکصد و هژده
روپیه و یک قالین و شش انبان میوه و غوره انگور از دست مخلص الفقرا مهمن ملا سید نور ورود
مسعود فرموده رسانید جزاکم الله سبحانه عنا خیر الجزاء و تقبل الله حسناتکم و ضاعف اجورکم بوقت [illegible]
مکتوب شما احوال باطن ایشان ظهور نمود ازان دل بسیار خوش شد الله تعالی ترقی ظاهر و باطن شما
و کثرت ارشاد ایشان و خلفاء ایشان یوما فیوما ساعة فساعة متصاعد گرداناد بحرمت النون والصاد
و مبلغ یکصد روپیه از دست ملا سید نور نزد میان عبد الغنی رسانیده شد باقی جواب سوالات مندرجه
مکتوب ازین عقب نوشته خواهد شد والسلام اولا و آخرا مکتوب [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب [illegible] ارشاده از فقیر
احمد سعید رزقه الله صحو احمد بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند از ولی فقیر
همین است که انفاس مستعار حیات در مرضی حضرت حق سبحانه صرف شود و در گوش نامرادی [illegible] فضولات
زبان بنگر از کلمه طیبه لا اله الا الله محمد رسول الله تر و تازه باشد الهی مرا و دوستان مرا باین امر توفیق
رفیق ساخته استقامت بخش و [illegible] علمی و حبی از ساحت سینه دور فرما که هرگز خیالی
دوست [illegible] در دلم نگذرد آمین یا رب العالمین والسلام مکتوب [illegible]
[illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله و صلوة و تبلیغ الدعوات معلوم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب باد
که تا تحریر احوال فقرا امیخه و دستوجب حمد است والمسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و استقامتکم و ترقی
مدارجکم یوما فیوما ساعة فساعة و یرحم الله عبدا قال آمینا قال رسول الله صلی الله علیه و سلم الدین النصیحة فنصیحتی که

بیاران نموده می آید آنست که شغل مع الله سبحانه بر وجه دوام باشد و توجه الی الله جل جلاله بی غیر جهت اعتبار
که عبارت از دوام حضورست حاصل دل گردد و تعلق ما سوا علما و حجاب رخت از سینه بر بندد و هیچ مرادی بجز تحصیل
بجز محبوب حقیقی عزیز برایشان نماند و تعمیر اوقات بوظائف طاعات و عبادات مانند تهلیل لسانی الجامع و منی و قرات
قرآن شریف بطریق که در اثنا خواندن تدبر معانی نماید هر جا که ذکر جنت باشد اللهم انی اسئلک
الجنة سه بار بخواند و هر جا که ذکر نار بود اللهم انی اعوذ بک من النار سه بار بگوید و هر جا که استغفار آید
رب اغفر لی وارحمنی وعافنی وارزقنی واهدنی وتب علی انک انت التواب الرحیم سه بار ورد سازد
و تهجد و اشراق و چاشت و زوال را ادا نمایند بخشوع و خضوع و ابتها و تضرع ادا نموده باشند و اختلاط
با مردم بقدر ضرورت و ادای حقوق اهل حقوق باشد زیاده ازین اوقات عزیز خود را خراب نکند
قال رسول الله صلی الله علیه وسلم علامة اعراضه تعالی عن العبد اشتغاله بما لا یعنیه و درس قرآن شریف
و احادیث لطیف و فقه و کتب صوفیه حمد و معاون نسبت خاندان عالیشان است اللهم احیا در متنا
علی حبک و حب من یحبک و حب عمل یقربنی الی حبک دارز قنا متابعة حبیبک بالقول و الفعل و العمل برحمتک
یا ارحم الراحمین مکتوب سی و یوم ... بعد از دعوات ... در بیان ...
... بسم الله الرحمن الرحیم بعد الحمد و الصلوة و تبلیغ الدعوات معلوم اخوی باد که اکثر مردم نافهم بر مشایخ کرام
و اکابر عظام که در حالت سکر از ایشان کلمات سر بر زده اند یا از مکشوفات ایشان است اعتراضها
در ان کنجایش نیست اعتراضات میکنند و تفتیشات مینمایند در جواب این سفیهان یک کلمه کافی و وافی است
که مصرع کار پاکان را قیاس از خود مگیر از محبوبان حق سبحانه و مقبولان کریم مطلق هر چه صادر گردد
همه مستحسن است و زیبا است که از اخلاص خاص ناشی گشته است و از شیرینی حقائق و حجیبه پاک و صبر اهل
مانند مجتهدان دین رضوان الله علیهم اجمعین از خطا ایشان را یکدرجه از ثواب حاصل است
و اصابت را ده درجه کما هو المقرر عند اهل السنة و الجماعة شکر الله تعالی سعیهم اعملوا ما شئتم فقد

غفرت لکم در حق اهل بدر رضی الله عنهم که از استادنیض بنیاد رسول مختار صلی الله علیه وسلم است در حجت
ما کافی است و تحسین بلال عند الله شین و لیل ما شانی است مصرع بر اشهد تو خنده زند سحر بلال
فشت الکرام و بطل جلال الخصام بدترین خلائق عیب بین اینها اند که صافیست مصرع گر خدا خواهد
که پرده کس درد میلش اندر طعنه پاکان نهد مصرع الهی هر کرا در اندازی در ما در انداز مصرع باو رد لکن ان
برکه در افتاد و بیفتاد مصرع از کلمات طیبات ایشان است قدس الله تعالی اسرارهم العالیة مکتوب سی و چهارم
در بیان کینه درویشان دولت محمد مسعود یافته در بیان مشغول شدن بکار خود و رسیدن شیاء ... بسم الله
الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون و دعوات
ترقیات مشحون مطالعه فرمایند رقیمه کریمه بورود مسعود مسرت ارسانید و احوال مندرجه بوضوح انجامید در بلاد کا
بی دیا فقد اذنته بالحرب حدیث قدسی است و بمضمونش یقین کامل است هرگز تکلف بزیرست بر نیدم و کار
ندارند و بکار خود مشغول باشند مصرع دشمن چه کند چو مهربان باشد دوست مصرع الیس الله بکاف عبده نص قطعی
انشاء الله تعالی اعدا مخذول خواهند شد یک سینی و یک جام مجدد عم رسید و یکصد دو شال بوالده او رسید خاطر
جمع دارند رمضان خان و عبد الله خان در عالم تسلیمات میرسانند مکتوب سی و پنجم در بیان کینه درویشان
دولت محمد مسعود یافته در بیان ... امام ربانی ...
بسم الله الرحمن الرحیم بعد الحمد و الصلوة و تبلیغ الدعوات معلوم اخوی اعز ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی علی مفارق
الطالبین باد که فنا فی الشیخ مقدم بر فنا فی الرسول است مصرع رازدو بکه جشم است احول مقصود تو
پیرست اول غلبه محبت که مرید رشید را به پیر کامل و مکمل خود پیدا گردد از سبب آن محبت ساعة فساعة
جذب کمالات محبوب خویش میکند تا حدیکه خود را همه را فراموش میسازد و ندای انا الشیخ از نهاد وش
می برآید مصرع در و دیوار چو آئینه شد از کثرت شوق هر کجا می نگرم روی ترا می بینم در آن هنگام
که این فقیر با این مقام رسانیده بود ندای وی آنقدر استیلا یافته بود که جمیع حرکات و سکنات خیال

و اقوال خود را حرکات و سکنات حضرت شیخ خود می‌یافتم و چون شیخ کامل مکمل با الحاق بحقیقت
محمدی علی صاحبها الصلوة والسلام شده است و اتحاد خاص با آن سرور علیه الصلوة والسلام من الله الاکبر
حاصل گردیده بعد از فنا فی الشیخ فنا فی الرسول جلوه گر خواهد شد و حضور را بوزن مقدس آنحضرت
صلی الله علیه وسلم متحد خواهد یافت و در رنگ شیر و شکر ممتزج خواهد و بعد از آن فنا فی الله
میسر خواهد شد و با اتصال ذات بیچون شرف اختصاص خواهد یافت بعد ما حصول معنا اگر از مستهلکین است
در بحر مشاهده مستغرق خواهد ماند و اگر از مرجوعین است خلعت بقا بالله پوشیده بعالم رجوع خواهد نمود
و حامل اعلام ارشاد و هدایت خلق الله تعالی مفوض او شود و نائب پیغمبر خود گردد ذلک فضل الله یؤتیه من
یشاء والله ذو الفضل العظیم ثانیاً استفسار اسامی اجداد این فقیر نموده بود و نوشته بود که اسم
جد امجد این فقیر حضرت محمد صفی القدر است که عالم با عمل و صوفی کامل و کثیر العبادة و الاوراد و الوظائف و الاذکار
و الطاعات بکثرت بود که یک لمحه از اذکار و اشغال خود فراغت نمی‌گشتند بعد نصف شب برای تهجد مردم
بیدار شدند و در آن اثنا که فقیر طلب علم میکرد اکثر شب و مطالعه میکردم حضرت موصوف مرا در مطالعه
دیده این حدیث میخواندند قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ان لنفسک علیک حق و لعینیک علیک حق الی
آخر ما فی المشکوة و چنانکه از نماز تهجد و وظائف خود فارغ میشدند مردم خانه را بیدار میکردند مردم را بخواندن
تهجد مینمودند و امر بالمعروف و النهی عن المنکر چنانچه در ذات بابرکاتش بود در دیگر کس نمی‌دیدم هر کس
که رو برو غیبت میکردند و در مخالفه شرعی میدید تنبیه کما شاید امر بالمعروف مینمودند و در زهد و
و توکل بی نظیر بودند نواب نصرالله خان را ... که مرید حضرت ایشان بود منصب ... خواهش ... داد
قبول نفرمودند وقت احتضار ایشان حضرت والدی ماجدی پرسیدند که چه حال است در جواب فرمودند
که این وقت حجاب بالکل مرتفع شد و جلوه گر خانه بعد ازین سخن جام وصال لایزال نوشیدند رحمة الله علیه
رحمة واسعة فائز رضوان الله بوده و تاریخ ارتحال ایشان است مزار مبارک ایشان در لکهنو واقع است

است شخصی از مخلصان پیش فقیر آمده اظهار نمود که وقت دوپهر موسم گرما بر مزار شریف ایشان حاضر شدم
سطح چبوتره مزار پر انوار ایشان سرد بود سبحان الله زهی شرف و کرامت نام والد ماجد ایشان حضرت عزیز
القدر رحمة الله علیه بود و این حضرت شاه محمد عیسی رحمة الله علیه ابن سلطان الاولیاء حضرت شیخ
سیف الدین رحمة الله علیه ابن عروة الوثقی حضرت خواجه محمد معصوم رحمة الله علیه ابن حضرت امام ربانی
مجدد الف ثانی رحمة الله علیهم اجمعین این بزرگان مذکورین هر یک در وقت خود لیس از علما و راسخین
جامع بین العلم الیقین گذشته‌اند اگر بتفصیل احوال هر کدام پردازم دفتری باید احوال حضرت
امام در مقامات حضرت القدس و برکات احمدیه مفصلاً مسطور است و احوال حضرت خواجه محمد معصوم و حضرت
شیخ سیف الدین رحمة الله علیهما در مقامات معصومی بتفصیل تمام مرقوم است و احوال حضرت محمد عیسی رحمة الله
علیه در سیر المرشدین شمه بیان کرده است روزی عالمگیر بادشاه در خدمت ایشان حاضر شده دید که جامه
ململ باریک پوشیده‌اند عرض نمود که در میان مردم این حدیث مشهور است که من رق ثوبه رق دینه چه معنی
دارد حضرت موصوف در تحقیق این حدیث رساله نوشتند و موضوعیة این حدیث از کتب معتبره باثبات
رسانیده پیش سلطان فرستادند مخلصی که بدست او ارسال نموده بود در حین نزد سلطان رسید سلطان
پرسید که حضرت شیخ چه معنی بیان فرموده اند آن مخلص عرض ساخت که حضرت ارشاد نموده که شخص اینجا مرا
هدیه برما فرستاده بود ما خود انداخته بودیم بادشاه سکوت نمود بعد از آن شخص رساله را گذرانید
بادشاه آن رساله را مطالعه نمود و گفت سبحان الله حضرت شیخ در علم و حلم یکتا اند در روزگار خویش
همچنین حضرت محمد عزیز القدر رحمة الله علیه در علم و عمل و نسبت باطن مثل والد ماجد خویش بود و هم
در هر یکی ازین بزرگان نسبت خاندان عالیشان خود از آباء کرام خود اخذ نموده بودند تا آنکه نوبت
بجد امجد رسید ایشان حضرت والدی ماجدی را بعد تعلیم ذکر اجازت فرموده اند که از حلقه و خاندان
خویش سلوک تمام نمایند پس باجازت ایشان حضرت والد ماجد رحمة الله علیه نزد حضرت شاه صاحب

حاضر گردیده سلوک را اتمام ساختند و یافتند آنچه یافتند مکتوب سی و ششم بمیرزا بکمیه دولت شاه
صدور یافته در بیان احوال والد ماجد خود بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی حبیب
سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون اشتیاق مشحون معلوم فرمایند که چون در مکتوب
سابق چیزی از احوال اجداد کرام خود مرقوم شده بود و احوال حضرت والدی ماجدی رحمة الله علیه
نگارش نیافته بود لهذا درین مکتوب احوال آنحضرت بصورت ارقام نموده شد بدان ایدک الله تعالی که ولادت
با سعادت حضرت والد ماجد در سنه یکهزار و یکصد و نود و شش از هجرت حضرت خیر الانام صلی الله علیه
وسلم در مصطفی آباد عرف رامپور واقع گردید چنانچه اینمصرعه تاریخ تولد بران دال است مصرعه
حافظ و عالم و ولی باد اورا از هنگام طفولیت آثار رشد و هدایت از جبین مبینش لایح بود کی بشان او
مانند اطفال در لهو و لعب گاهی ندیده در عمر یازده سالگی کلام الله مجید حفظ نموده اند و نسبت نقشبندیه
نیز درین عمر از والد ماجد خویش حاصل ساختند و در عمر نوزده سال از تحصیل علوم منقول و معقول فارغ
گشته دستار فضیلت بستند درین اثنا که از ایشان در بلده لکهنو واقع شد شاه نقابت الله مجذوب
که کشف صحیح داشت ایشانرا دیده و گفت صاحبزاده بزودی از تحصیل علوم فراغت نمائید که از شما کارهای
دیگر حق سبحانه مطلوب است و ارشاد و هدایت خلق بشما مربوط ساخته اند چون از انجا بوطن اصلی رجعت
نموده اند والد ماجد ایشان فرمودند که ای فرزند مرجع ... حالا شما را اجازت
دادم که از خلفا خاندان خود تکمیل نسبت باطنی نمائید پس حضرت موصوف نزد حضرت شاه درگاهی رحمة الله
که در رامپور بر مسند ارشاد حضرت حافظ شاه جمال الله خلیفه قطب الدین خلیفه قبله عالم حضرت
محمد زبیر رحمة الله علیهم متمکن بودند رفته طلب سلوک نمودند و در خاندان قادریه بردست ایشان بیعت
نموده ملازمت صحبت شریفش اختیار نمودند تا دوازده سال در خدمت ایشان بودند و ریاضات و مجاهدات
شاقه مانند دوام صوم و بیداری تمام شب و ترک اطعمه لذیذه بجا آورده نزد حضرت شاه درگاهی رحمة الله علیه

علیه بخلافت عامه خود ایشانرا سرافراز ساخته قائم مقام خویش کردند و درویشان ایشان را
قبولیت تمام رو نمود زیاده از هزار کس در ان اضلاع بر دست ایشان بیعت نموده بمحبت حضرت حق
سبحانه گشتند و قوت تاثیر حضرت موصوف بحدی بود که بر هر کس نظر مبارک ایشان می افتاد بر زمین
افتاده بی تاب میگشت و تصرفات و کرامات بسیار از ایشان بظهور می آمد با وجود اینهمه محاصل (?)
میفرمودند که چون مطالعه مکتوبات قدسی آیات حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی مینمودم معلوم میشد که سلوک
حضرت امام مرا هنوز حاصل نشده است لهذا همه را گذاشته بخدمت حضرت قیوم زمان و قطب دوران
شاه غلام علی صاحب قدس سره حاضر گردیدم و سلوک مجددیه را اتمام و کمال حاصل ساختم و تا پانزده سال در صحبت
با برکت استفاده نمودم و به بشارت عالیه آنجناب ان عالیشان مثل مخنت (?) و قومیت مشرف گردیدم
فالحمد لله علی ذلک و جناب حضرت شاه صاحب رحمة الله علیه حضرت ممدوح را قائم مقام خویش تعین فرموده بر
هر گاه ایشان تشریف از سفری آوردند استقبال ایشان میفرمودند حتی که یکبار حضرت شاه صاحب
مریض بودند و ایشان تشریف آوردند بر چارپائی خورد نشسته مردم را فرمودند که مرا برداشته ببرید (?)
تا استقبال فوت نشود و تا مسجد حکیم قدرت الله که بیرون از خانقاه بفاصله قلیل واقع است تشریف
برده بودند و بوادکشهای (?) بیشمار سرافراز فرمودند چنانچه حضرت موصوف در رساله خویش تفصیل آن رقم
نموده اند و من شاه غلام علی جمیع الهدایه والسلام دیگر زبانی صالح محمد دریافت گردید که آنصاحب درباره
اجازت ملا فیض محمد استفسار نموده اند چون ملا فیض محمد مرد صالح است و از مقامات
طریقه هم آگاه شده است قابل اجازت است اجازت فرمایند انشاء الله العزیز بجا خواهد شد
فقط حامل رقیمه صالح محمد دبیر محمد را بدعا و شفقت مخصوص ساخته اند مکتوب سی و هفتم بمیرزا کریم
دولت شاه ... صدور یافته در بیان جواب خاندان مولود شریف بسم الله الرحمن الرحیم اخوی
اعزی ارشدی حاجی حبیب الله ... ارشاده وسلمه ربه از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون و دعوات

ترقیات مشحون عطا فرماید الحمد لله که تا حال بر احوال فقرا تجدد و جمعیت مقرر است و مشغول بکسب
سبحانه سلامتکم و استقامتکم و ترقی ارشادکم چون درین ایام استفسار مولود خوانی نزد فقیر
وارد گردیده بود کلمهٔ چند در جواب مرقوم گشته بود نقلش ضروری دانسته محرر نموده شد ذکر مولود
شریف و اخلاق لطیف و معجزات و وفات منیف و حلیهٔ مبارک جناب مستطاب حضرت محبوب رب
العلمین سید الانبیاء والمرسلین صلی الله علیه وسلم بعینه ذکر خالق السموات والارضین جل جلاله
و عم نواله است و ذکر حق سبحانه و تعالی واجب لقوله تعالی یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکرا کثیرا
وسبحوه بکرة واصیلا لان الامر للوجوب عند الاکثر کما صرح به فی علم الاصول قال فی التوضیح الامر للوجوب
عند اکثرهم لقوله تعالی فلیحذر الذین یخالفون عن امره ان تصیبهم فتنة او یصیبهم عذاب الیم
یفهم من هذا الکلام خوف اصابة الفتنة او العذاب لمخالفة الامر اذ لولا ذلک الخوف لقبح التحذیر
فیکون المامور واجبا اذ لیس علی ترک غیر الواجب خوف الفتنة او العذاب و دلیل بر آن امر که ذکر جناب
حضرت سرور مرسلین صلی الله علیه وسلم بعینه ذکر حق سبحانه است حدیث شریف است روی ابو سعید الخدری
ان النبی صلی الله علیه وسلم قال اتانی جبرائیل فقال ان ربی و ربک یقول تدری کیف رفعت ذکرک
قلت الله و رسوله اعلم قال اذا ذکرت ذکرت معی قال ابن عطاء جعلت تمام الایمان بذکری معک
وقال ایضا جعلتک ذکرا من ذکری فمن ذکرک ذکرنی پس هر که از ذکر مولود شریف مانع باشد و انرا
مکروه و حرام گوید کالفرقة الوهابیة دشمن خدا و رسول است و مورد وعید ان تصیبهم فتنة او یصیبهم
عذاب الیم است الحذر الحذر من لحبتهم و عن صحبتهم والسلام الراقم الاحقر حامل رقیمه عبد الغنی را
بدعا مخصوص دارند از ملا حسن سلام برسد مکتوب بیست و هشتم که بنام یکی از درویشان ولایت صدور
یافته در اثبات نسبت طریقه صوفیه کرام از خلفای راشدین رضی الله عنهم بسم الله الرحمن الرحیم بعد الحمد
والصلوة و تبلیغ الدعوات واضح خواهد بود رسیده بود که از جناب خلیفه ثانی امیر المؤمنین حضرت عمر فاروق

فاروق رضی الله عنه و از خلیفه ثالث امیر المؤمنین حضرت عثمان ذی النورین رضی الله عنه از
طرق صوفیه کرام رحمة الله علیهم منقول است یا نه جواب ارشدکم الله فی الدارین که چون نزد اهل سنت
و جماعت شکر الله تعالی سعیهم ثابت است که خلیفه برحق بعد رسول الله صلی الله علیه وسلم حضرت ابوبکر
صدیق رضی الله عنه اند و حضرت صدیق خلیفه خویش حضرت عمر فاروق را ساختند و بعد وفات
حضرت صدیق همه اکابر و اصاغر از حضرت فاروق بیعت نمودند و ایشان را خلیفه خلیفه رسول الله
رسول الله صلی الله علیه وسلم میگفتند بعد ایشان حضرت عثمان خلیفه ایشان شدند پس بعد ایشان
حضرت مرتضی علی خلیفه شدند پس هر طریق از طرق صوفیه که بحضرت علی منسوب است بحضرت عثمان
و حضرت عمر هم منسوب گشت لیکن بجهة اختصار اسامی این هر دو بزرگ حذف میکنند بلکه در حقیقت از
خلفاء ثلثه رضوان الله علیهم اجمعین است خواه مردم اسماء شریفه این بزرگان نویسند یا نه پس
همه طرق صوفیه کرام رحمة الله علیهم سواء کان نقشبندیا او قادریا او چشتیا او سهروردیا و غیرها
وصل الینا بواسطة الخلفاء الراشدین الهادین المهدیین رضوان الله علیهم اجمعین لانهم سعوا
غایة السعی فی ترویج الشریعة والطریقة والحقیقة والمعرفة جزاهم الله سبحانه عنا خیر الجزاء و اعلم ان
نبینا و سیدنا و هادینا و شفیع ذنوبنا صلی الله علیه وسلم جامع لکمالات النبوة والولایة فغلبة
کمالات النبوة فی ذات الشیخین و غلبة کمالات الولایة فی جناب المرتضی و لهذا صار مرجع
سلاسل الاولیاء الکرام و مجمع البحرین علی السویة حضرت عثمان و لهذا سمی بذی النورین ولا شک
ان کمالات النبوة اعلی وارفع من کمالات الولایة و لهذا حصل الفضیلة للشیخین رضی الله عنهما
علی الختنین الکریمین و هذا السر مخفی عن اعین بعض الناس و لهذا حکموا بالمساوات و فوق کل ذی
علم علیم و الله یختص برحمته من یشاء والله ذو الفضل العظیم والسلام اینجا همه خیریت است مرقوم رسید
جزاکم الله سبحانه عنا خیر الجزاء برادر عزیز از جان محمد یمین سلام و دعا خوانند هدایای ایشان

[illegible]

نیز صالح محمد رسانیده الله تعالی در مال برکت عنایت فرماید و برحمت تمام بدارد مکتوب سی و چهارم
بنام [illegible] درویشان دولت محمد مسعود یافته در بیان حفظ از اعدا و ترقی آفاقیه کلان از نفسیه
بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از
سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند الحمد لله که فقیر تا حین تحریر رطب اللسان است پس
بقیاس حضرت منعم علی الاطلاق جلت نعماؤه و تکاثرت آلاؤه است و المسئول من الله سبحانه سلامتکم
وعافیتکم وحفظکم عن الاعداء الآفاقیة والانفسیة و ان شاء الله تعالی تکون محفوظا ابدا فلا تحملوا
من شیء اصلا و کن فارغ البال متوجها الی جناب قدسه تعالی بمصداق [illegible] مشاهده سبحانه
والله یعصمک من الناس بعون جل عزه الیس الله بکاف عبده بلی یا رب انت شافی انت کافی
فی مهمات الامور [illegible] انت حسبی انت نعم الوکیل و رسالها که براو کتابت داده بودند تا حال
طیار شد ان شاء الله تعالی بعد خواهد رسید مبلغ دو روپیه مرسله سید صاحب [illegible] حسین مخلص
رسید جزاه الله عنا خیر الجزاء سید صاحب اطلاع سازند والسلام و برای مهمی توجه و دعا نموده باشند
مکتوب سی و پنجم [illegible] درویشان دولت محمد مسعود یافته در بیان احوال تفسیر عزیزی و در [illegible] بشارت
ضمنیه بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله الوهاب از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از
سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند الحمد لله که تا تحریر [illegible] بیست و ششم صفر است فقیر
مع متعلقان بخیریت است و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و حسن استقامتکم [illegible] سلامکم
مکتوب مرغوب مع دو قالین بورود مسعود مسرت بهار رسانید جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء و درین ایام [illegible]
گردید که ایشان بطرف [illegible] متوجه گردیده اند هر جا که اوقات بجمعیت بگذرد و دعا نموده خلق الله را [illegible] رسد
و تشویش در باطن راه نیابد محل اقامت باختیار نمایند ان شاء الله تعالی مبارک خواهد بود [illegible] دیده سعدی
و دل [illegible] المنة مبلغ ده روپیه برای تفسیر عزیزی باسم سید [illegible] سیپاره آن خرید [illegible] نموده

نموده قیمت شش و نیم روپیه است فرستاده شد باقی دو جلد از یک سیپاره تبارک و یک جلد سوا
سیپاره از اول قرآن تا سیپل سبحان الذی [illegible] جلد کلان است از دیگر تا هنوز بدست نیامده لکن
کتاب فروشان را برای تلاش آن گفته ام هر گاه بدست خواهد آمد خریده نموده فرستاده خواهد شد
دیگر بشارت ضمنیه خواسته بودند روزی که معامله با شما اراده بودم در ضمن خویش داخل ساختم البشری لکم
ان شاء الله المستعان و در ضمنیه همه پیران کبار رحمة الله علیهم داخل شدید قبل من قبل بلا علة مقبول یک
مقبول همه است ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم شکر این نعمت عظمی بجا آورند لئن
شکرتم لازیدنکم درین ایام فقیر را برای سامان النکاح فرزندی محمد مظهر ترددی لاحق است امید قوی است
با حسن وجه انصرام آن فرماید و ازین حق خلاصی دهد [illegible] درویشان را [illegible] نماید
خویش را بسبب امورات خانگی قرض بسیار بر ذمه فقیر گردیده است برای اداء آن دعا نموده باشند
والسلام از برخورداران و درویشان سلام خوانند مکتوب چهل و یکم [illegible] بنام درویشان دولت محمد
مسعود یافته در [illegible] فیض احمد از [illegible] مقرب است بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی
ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون اشتیاق مشحون مطالعه
نمایند الحمد لله که تا تحریر فقیر مع متعلقان بخیریت است و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و استقامتکم
علی الشریعة والطریقة والحقیقة فانها فوق الکرامة و یرحم الله عبدا قال آمینا [illegible] المقصود عزیز [illegible]
داد [illegible] میان فیض احمد از مخلصان صمیمی فقیر است درین ایام [illegible] حسب است در [illegible]
[illegible] رجوع بخدمت آنصاحب نماید [illegible] بمدد و معاون مشار الیه باشند که رضامندی خاطر فقیر است
و دو صد روپیه که فرستاده بودند رسید جزاکم الله سبحانه عنا خیر الجزاء و میوه سالگذشته هم رسیده بود
خاطر جمع دارند الله تعالی ما و شما را در حفظ و حمایت خویش نگهداشته توفیق مرضیات خود عنایت فرماید
اللهم لا تکلنا الی انفسنا طرفة عین ولا اقل من ذلک [illegible] از فرزندان و درویشان سلام قبول نماید

مخلصان آنجا سلام خوانند مکتوب چهل و دوم ایضاً بمحب درویشان دولت محمد صدور یافته در احوال
رسائلها بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از
سلام مسنون گذارش آنکه مکتوب مرغوب ایشان بدست مرحمت خان متضمن رسیدن خود و طلب
کتاب مکاتبات معصومی بورود مسعود مسرت بخش گردید کتاب مطلوب بکاتب داده ام منویسد و دیگر
جابهات آنکه رسائلهام قریب بدست مرحمت فرستاده شد انشاء الله تعالی خواهد رسید و احوال دوا خانه
سازند بنویسید که نفع کرده باشد باقی خیریت والسلام مکتوب چهل و سوم ایضاً بمحب درویشان
دولت محمد صدور یافته در احوال کتاب فتوح الغیب بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب
سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون مطالعه فرمایند میان احمد طلب کتاب فتوح الغیب
برائی آنصاحب نمود تلاش نمودم کتابی مغشوش بهم رسید اگر اکنون پیدا شد بعد از آن نسخه صحیحه بدست
خواهد آمد فرستاده خواهد شد والسلام مکتوب چهل و چهارم ایضاً بمحب درویشان دولت محمد صدور یافته
که از دشمنان سینه تنگی نباید بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد
سعید عفا الله عنه بلطفه الحمید بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه فرمایند الحمد لله که تا تاریخ بیست
و چهارم صفر احوال فقرا آنجا بخیر و دستوجب حمد رب الودود است و مسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم
و ترقی مدارج علم و کثرة ارشادکم از خصومت و عداوت دشمنان هرگز در سینه تنگی نباید فعال المخلوقات
را مظهر فعل محبوب حقیقی پنداشته مطمئن باشند ع من از تو روی نپیچم گرم بیازاری که
خوش بود ز عزیزان تحمل خواری و طاقتش بذل عطاء احسان و امتنان نموده باشند در بیع
افعال ایشان ترتیب جلالی ظهور نمی‌نماید و کار دلداده خویش را بالمرام میرساند کتاب حقائق مشحون
رساله در تصوف مکتبه عبد الله خان برای آنصاحب فرستادم از مطالعه‌اش حظ وافر گیرند فقط
تغییر عزیزی مطبوع تا حال بدست نیامده و تعلیقی بسبب درمی می‌آید هذا توقف نمودم هرگاه چه قیمت

قیمت موافق خواهد آمد خواهم گرفت مکتوب چهل و پنجم ایضاً بمحب درویشان دولت محمد صدور یافته
در بیان فرستادن نقود و بیان فضل بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب
سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند
الحمد لله که تا تحریر که دوازدهم صفر است احوال فقرا بخیر و دستوجب حمد است ع من آنکه لم که ابر
نوبهاری که دهد لطف بحر قطره باری که اگر بروید از تن صد زبانم چو سبزه شکر لطفش یکی
توانم و مسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و ترقی ارشادکم و افاضة انوارکم و اشاعة انوارکم
کالشمس فی نصف النهار علی الطالبین الاخیار بحرمت سید الابرار علیه الصلوة والسلام من الغادر المختار
ویرحم الله عبدا قال آمینا مبلغ دو صد روپیه که ارسال نموده بودند موصول گردید جزاکم الله عنا خیر الجزاء
وضاعف اجرکم الی سبعمائة ضعف از مبلغ مرسله ادای دین نموده شد فالحمد لله علی ذلک بر گذشته
ارسال اخیار در ارسال نقد دفع حوائج بالسهل وجوه میسر میشود لهذا انتها نامینویسند که دفع الحاجة
افضل من رفع الیدین فی باب الصدقات عن ابی هریرة قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم
من تصدق بعدل تمرة من کسب طیب ولا یقبل الله الا الطیب فان الله یتقبلها بیمینه ثم یربیها
لصاحبها کما یربی احدکم فلوه حتی تکون مثل الجبل متفق علیه و عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم
ما نقصت صدقة من مال وما زاد الله عبدا بعفو الا عزا وما تواضع احد لله الا رفعه الله رواه مسلم والسلام
مکتوب چهل و ششم ایضاً بمحب درویشان دولت محمد صدور یافته در جواب سوال بسم الله الرحمن الرحیم
اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات
مشحون مطالعه نمایند مکتوب مرغوب محبوب عزیز از جان میان فیض احمد بورود مسعود مسرت رسانید
نوشته بودند که سبب چیست که توجه در ولایة علیا و کمالات ثلثه و حقائق سبعه چنانچه تمامی وجه
انطالب در حرکت می‌آید معلوم نمایند که در ولایة علیا مورد فیض عناصر ثلثه اند سوا عنصر خاک اگر

تمام بدن را حرکت پیدا شود مضائقه نیست و همچنین در عنصر خاک هم شمول بدن است اما وقتیکه کار بلطیفه
وحدانی می افتد سیر ماورائی بدن حاصل میشود آنوقت حرکت بدن بسبب نقصان نسبت سفلیه است
که نسبت تحتانی او بکمال نرسیده است وقتیکه نسبت لطائف عشره تمام خواهد شد آنوقت نسبت
فوقانی ظهور خواهد نمود پس جلدی در توجه باید نمود علمه اکثر مردم را در ولایات توجه نموده باشند
که ادراک نسبت فوقانی بسیار کمیاب است خواص را در مدت ادراکش میشود چه جائی عوام
نه حسنش غایتی دارد نه سعدی را سخن پایان بمیرد تشنه مستسقی و دریا همچنان باقی بلکه
عوام در نسبت ولایت صغری بسیار خوش میشوند مناسب حال ایشان همان است که در لطائف خمسه
عالم امر ایشان را بتفصیل توجه نموده شود یعنی اول بقلب تا فنا و آن توجه بکمال حاصل شود بعد از آن
بروح تا فنائش بعد جد بعد از آن در سر علی هذا القیاس تجربه بخفی بلکه اخفی تا آثار و کمال
هر کدام بر سبیل تفصیل ظهور نمایند من بعد بر لطیفه نفس تا وقتیکه فنائش تمام و کمال ظهور نماید و انانیت
بالکل زائل شود و عندال عین و اثر و شرح صدر و ایمان حقیقی حاصل گردد و قس علیه الباقی والسلام
رسیدن مبلغ مرسله سابق ازین فرستاده ام یقینیکه رسیده باشد حالا مکرر نوشته شد جواب منتظر حال
رقیمه جزاکم الله خیر الجزاء مکتوب … … … صدور یافته در احوال سالها
گذشته … مشغول بودن … بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب
سلمه الله الولی الوهاب از فقیر احمد سعید حفظه الله بلطفه الحمید بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات شحون
مطالعه نمایند الحمد لله علی ما انعم و هدانا السبیل الاقوم والمسئول من الله سبحانه سلامتکم و حفظکم من شر
اعدائکم الآفاق و الانفس لیلا و نهارا و سرا و جهارا و ترقیاتکم ظاهرا و باطنا و کثرة ارشادکم ساعة و آنا
و بعد … مکتوب مرغوب … هدیه … مصحوب … کرم … خاص و مخلص … خاص است
بوصول مودت شمول خوشوقت ساخت جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء مبلغ … و وضوح رسید و هم …

ربانی مشار الیه اسرار مکنونه معلوم گردید دعا نموده میشود و خواهم نمود خاطر را درین جمعیت دارند
الله معلم انبیا گشتم چو نبود با مائی بنا شد هیچ غم دوازده … جز از تفسیر عزیزی در رساله
مکاشفات غیبیه و معارف لدنیه تصنیف امام همام حضرت مجدد الف ثانی رضی الله عنه در یک جلد
و دو رساله از مصنفات فقیر که درین اوان بیاض رسیده یکی در تحقیق رابطه و دیگری در اثبات مولد
شریف سید المرسلین رحمة للعالمین صلی الله علیه و سلم … میمن برای آنصاحب فرستاده شد خواهند
رسید و تفسیر عزیزی کامل میسر شد هرگاه بدست خواهد آمد خواهم فرستاد انشاء الله باید که شما مشغول است
سرگرم باشند در جمیع اوقات مشغول و متوجه الی الله سبحانه بوند و با کسی کار نداشته هر کس که پیش شما
بیاید بکشاده پیشانی و خاطر داری ملاقات کنند و اگر کسی بد نسبت شما بگوید مکافاتش به نیکی باید
ساخت و همه یاران و دوستان خود را بر همین دلالت فرمایند جزائی بدی بدی کار عوام است
بدی را بدی کس سهل باشد جزا اگر مردی احسن الی من اسا والسلام حامل رقیمه با نسبت
سائر مریدان ممتاز است لازم که بر حالش توجه و عنایت زیاده از دیگران نموده باشند که خوش شودی
فقیر درین است مکتوب … بسم … دو … صدور یافته در بیان … کارها
… باشد بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید
بعد از سلام مسنون اشتیاق مشحون مطالعه نمایند الحمد لله که تا تحریر اینجا خیر است و خیریت آنصاحب
از جناب الهی سبحانه مسئول رقیمه کریمه مشتمل بر صحت مزاج بود و مسعود مسرت … فرمانید و مبلغ مرسله
… وصول نکرد بدیه حاملش بطرف مشرق … اطلاعا تعلیم آمده و چون در مکتوب احوال باطنی
خود … مستفیدان خویش … قوم … اول که طالب … مضطرب … منتظر گردیده … الله
… افراد … طفیل دولت باشد … باشد والسلام مکتوب …
… بسم الله الرحمن الرحیم جامع او صلیا اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب

سلمهم الله سبحانه از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون و اشتیاق مشحون معلوم نمایند که احوال فقیر
انجد و مستوجب حمد است و المسئول من الله سبحانه صحتکم و عافیتکم و سلامتکم و استقامتکم علی الشریعة والطریقة
والحقیقة فانها ملاک الامر فان الکثرة اخوان الدین سببا للقرب بتحصیل کثرة الثواب لان
ثواب سلامهم یصل الی المرشد کما یصل الیهم و کذا فکل من سبق فی امر الدین کسیدنا ابی بکر الصدیق
رضی الله عنه فان ثواب ایمان المؤمنین کلهم یصل الی جنابه ولهذا السر قال نبینا و سیدنا صلی الله
علیه وسلم لو وزن ایمان ابی بکر مع ایمان امتی لرجح ولهذا صار افضل جمیع الصحابة رضوان الله
تعالی علیهم اجمعین ولانتهاء سلسلة سادات النقشبندیة الی حضرت الصدیق صار افضل الطرق من
طرق مشایخ الکرام رحمة الله علیهم اجمعین لهذا حکم شیخنا المشتهر بشاه نقشبند رضی الله عنه ما [illegible]
ما فضلنا نیم ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم فبشری لمن اختار هذه الطریقة و استقام
علیها ع بر اهل استقامت فیض نازل میشود مظهر لمن تجلی گرد کوه طور میگردد ** از فرزندان
و درویشان سلام مسنون خوانند از احقر البشر محمد عمر نیز سلام علیکم قبول باد مکتوب بنام ...
در بیان دولت محمد مسعود ... که ... فقیر ...
... بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از
سلام مسنون و اشتیاق مشحون مطالعه نمایند الحمد لله که ... رجب المرجب است فقیر معه
متعلقان بخیریت است المسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم وکثرة ارشادکم یوما فیوما و مزید نسبتکم
مع الله سبحانه آنا فآنا و یرحم الله عبدا قال آمینا از زعمی فقیر این است که این ... دامع ...
و صدقات حضرت حق سبحانه هر وقت با خود دارد و ما را بما نگذارد ... محبت و معرفت خوش گرداند
وخاتمه بمضمون این شعر نصیب شود ع مصحف بکف و پا بره و دیده بدوست ** با پیک اجل خنده
زنان بیرون شد ** آمین والسلام حامل رقیمه آذر خان را توجه دعا مخصوص دارند و ظالمین ...

... از خان مشار الیه دفع نمایند و همچنین بر حال طوطی خان و فرزخان عنایت نموده باشند
مکتوب بنام ... در بیان ... دولت محمد مسعود ... در بیان استقامت بر شریعت و طریقه ...
و ... بسم الله الرحمن الرحیم نحمده و هو الرب الحمید و نستعینه و ایاه نستعین العبید و نصلی و نسلم
علی حبیبه الهادی یوم الرشید و علی آله و اصحابه الذین فازوا برضوان المجید وبعد فقد وصل الی
المکتوب المرغوب من اخی و خلیلی حاجی الحرمین الشریفین سلمه الله تعالی بواسطة الصوفی محمد جان ...
الزمان من ید ... محمد خمسین عددا من النقد و القباء من ید عبد الله خان فحمدت الله تعالی علی انعامه
و دعوت لاخی المقبول جزاه الله سبحانه خیر الجزاء و زاد الله تعالی ارشاده و عم قبوله و جعل انواره
کالشمس فی نصف النهار و یرحم الله عبدا قال آمینا و علیک یا اخی بالصبر والتحمل علی ایذاء الخلق و مکافات
السیئة بالحسنة امتثالا لامر الله تعالی ادفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینه عداوة
کانه ولی حمیم و ما یلقیها الا الذین صبروا و ما یلقیها الا ذو حظ عظیم وقال نبینا صلی الله علیه وسلم
صل من قطعک واعف عمن ظلمک واحسن الی من اساء الیک حبانا الله سبحانه و ایاکم باخلاقه
و شمائله و صفاته و احواله صلی الله علیه وسلم واکد اصحابک و اولیاءک ان یهذبوا انفسهم بالاوصاف
المذکورة و لا یغتروا اقدامهم من الصراط المستقیم والطریق القویم و مسلک مشایخنا قدس اسرارهم فانه
لیس الا هذا فاعتبروا یا اولی الالباب ذکر فی النفحات ان رجلا دخل فی رباط سیدنا ابو العباس
المشتهر بالقصاب فطلب منه الجفار ابریق الطهارة فکسره ثم طلب آخر فکسره ثم و ثم حتی کسر الاباریق
کلها ثم قال این الشیخ قولوا له ان یاتی بلحیته للاستنجاء فبلغ الخبر الی الشیخ فقام و مشی الیه واخذ
لحیته بیده و قال الحمد لله نعم حال ابن القصاب ... لحیة بعمل امره و سلم فتاب الامر و دخل فی جملة
المریدین اللهم اجعلنا من متبعیهم آمین ع احب الصالحین و لست منهم لعل الله یرزقنی صلاحا ** والسلام
مکتوب ... در بیان ... دولت محمد مسعود ... در بیان ...

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله وکفی وسلام علی عباده الذین اصطفی وبعد فقد وصل الی مکتوبین شریفان
من اخی وخلیلی لازال کاسمه مشتملین علی الخیر والعافیة وبعض الاسرار فحمدت الله سبحانه وحصل الفرح
والسرور لفقد وجهاد والشدات اهلا لسعدی الرسول وحبذا حبل الوصل بوجه حبیب المرسل دعوت
الله تعالی لحصول الکرب المسار بقدر غم [illegible] ربنا تقبل منا انک انت السمیع العلیم ویرحم الله عبدا قال امینا
فعلیک یا اخی بدوام الذکر والشغل مع الله سبحانه وکثرة مراقبته فانها باب المشاهدة فمن دق باب
الکریم انفتح ومن اکثر طرق الباب یوشک ان یقع فیه کلام صحیح لا غبار علیه وفقنی الله سبحانه وایاکم
لمرضیاته ورزقنا ذوقا وشوقا الی لقائه بتوسل حبیبه محمد واله واصحابه وازواجه وذریاته صلی الله
علیه واله وصحبه وبارک وسلم مکتوب پنجاه وسیوم [illegible] دولت محمد [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم بعد الحمد والصلوة وتبلیغ الدعوات مطلوب اخوی
اعزی ارشدی لازال ارشاده زائدا الی یوم التناد باد الحمد لله علی کل حال والمسئول من کرم [illegible]
الرب المتعال سلامة البال والصحة والفراغ فی جمیع الازمنة والاحوال مکتوب مرغوب مصحوب
ملا فیض محمد بورود مسعود مفرح ساخت برکات نسبت خاندان عالیشان از ملا موصوف لائح [illegible] دید
مجددا کلاه وعمامه خلافت داده شد بارک الله فیها اعطاه وجعله للمتقین اماما تبتل وانقطاع از دنیا
واهل آن ناگزیر صوفیان وصافیانست حضرت پیر ومرشد قدس سره مقرر بودند که خلیفه مشایخ ما آنکس است
که دست بریده و پا شکسته وکور وکر باشد مراد از دست بریده آنست که دست سوال پیش کسی دراز نکند
واز پا شکسته آنکه هر دری نرود وکور از معایب مردم وکر از شنیدن غیبت ودروغ باشد الله تعالی
این [illegible] وجناب اصحاب [illegible] گرداند دران ایام عبد الصمد خلیفه شاه آفاق برای
ملاقات فقیر آمده استفسار سماع ووجد وتواجد نموده در جوابش سخن از سماع ووجد وتواجد طریقه
نقشبندیه مجددیه مرقوم شد بعبارت مجمل مراد همانست از وجد وتواجد [illegible] اختیار باشد

نباشد از تکلم [illegible] حضور [illegible] قول مشهور است والاثم علی [illegible] کلام صادق
لا غبار علیه والسلام خیر الختام مکتوب پنجاه وچهارم بفقیر نور محمد صاحبزاده [illegible] در بیان
کردن [illegible] بیان آنکه طریقه [illegible] حضوری [illegible] بزرگان
نقشبندیه مجددیه [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم صاحبزاده عالمیان [illegible]
فقیر نور محمد صاحبزاده سلمه الله تعالی بعد از سلام مسنون ودعوات مترقیات مشحون گذارش مینماید که حقایق ومعارف
آگاه فضائل وکمالات دستگاه حاجی دوست محمد سلمه الله تعالی از خلفای حضرات نقشبندیه مجددیه است
ومدار کار این بزرگان قدس سرهم اتباع سنت سنیه واجتناب از بدعت نامرضیه است چنانچه از مکاتیب
حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی رضی الله عنه [illegible] ظاهر باهر است وطریقه حضوری [illegible]
ساسی نسبت برمحبان ومخلصان خاندان عالیشان ما لازم است که اعانت حاجی صاحب موصوف باحسن
وجوه نموده باشند چون شیر وشکر باشند الفقر [illegible] شده بوده والسلام مکتوب پنجاه وپنجم
بمولوی محمد وصیل [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم زبده علمای کرام قدوه اذکیاء عظام
مولوی محمد وصیل صاحب سلمه الله تعالی بعد از سلام مسنون ودعوات مترقیات مشحون گذارش مینماید
که حقایق ومعارف آگاه فضائل وکمالات دستگاه حاجی دوست محمد صاحب سلمه الله تعالی از خلفای
حضرات نقشبندیه مجددیه است ومدار کار این بزرگان قدس سرهم اتباع سنت سنیه
واجتناب از بدعت نامرضیه است چنانچه از مکتوبات قدسی آیات حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی رضی
الله تعالی عنه [illegible] ظاهر باهر است وطریقه حضوری [illegible] ساسی نسبت برمحبان ومخلصان
این خاندان عالیشان ما لازم است که اعانت حاجی صاحب موصوف باحسن وجوه نموده باشند چون شیر
وشکر باشند الفقر [illegible] شده بوده والسلام مکتوب پنجاه وششم [illegible]
دولت محمد [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله حمدا

کثیر اطیبا مبارکا فیه مبارکا علیه کما یحب ربنا و یرضی و الصلوة و السلام علی حبیبه خیر الوری خلاف و صحابه
البررة التقی اما بعد معلوم اخوی اعزی باد از هر چه میرود سخن دوست خوشتر است المحبة ایثار
المحبوب المحب یعنی محبت آنست که ایثار کنی آنچه دوست مبارک برای کسیکه او را دوست میدارد یعنی
ظاهر و باطن خود را در رضای دوست دار بلا بلیت خود را بدو سپار تا مجاهدت برخیزد و صحبت حاصل
شود هر که خواهد بدولت محبت برسد تا جان و تن عزیز را برای رضای دوست در جان نهد هرگز بدان
سعادت نرسد و اگر این معنی ندارد دعوی محبت کاذبست بهر مخالفه دوست کند و از بلای او بگریزد و عمر
بنفاق بگذراند و تصور کند که من محبّ مقبول خواهم بود یکی علامت مشایخ نوشته اند که مرد صحبت کند
دائم بیدار و کم خواب باشد و مقبول خواهم بود المحبة عدم النوم و العزلة من القوم یعنی محبت علامت خوابی و عزلت و انزوا
از اغیار محب صادق را شب بروز یکسانست حاصل در محبت محبوب مقرر است قال علیه السلام لو ان عبدا کانا
فی الله احدهما فی الشرق و الاخر فی الغرب لجمع الله بینهما یوم القیمة و یقول هذا الذی کنت تحبه یعنی اگر در
میان دو کس محبت باشد خالص برای خدا تعالی یکی در مشرق باشد و دوم در مغرب حق جل و علا بکرم خویش فردا
قیامت جمع کند تا بملاقات یکدیگر مشرف گردند فرمان شود که این حلاوات شما بسبب محبت شما بود که برای من
محبت کرده بودید و چون محبت مخلوق برای من شرکت که فردای قیامت یکجا جمع شوند و آن محبت بسبب شفاعت
یکدیگر گردد پس سالکی که در راه محبت حق جل و علا شروع کند و سالک این راه گردد و قدم اصدق درین راه
ناکی نهد امید قوی است که بمقصد اصلی برسد من جد وجد قال الله تعالی و الذین جاهدوا فینا لنهدینهم
سبلنا و ان الله لمع المحسنین و نعم ما قیل عشق آن شعله است کو چون برفروخت هر چه جز معشوق
باقی جمله سوخت تیغ لا در قتل غیر حق براند در نگر زان پس که بعد الا چه ماند ماند الا الله باقی جمله رفت
شاد باش ای عشق شرکت سوز و رفت و السلام مکتوب بیست و دوم مختوم علی و دعوات اخلاص طلبی مسعود شیخ
وسیان [illegible] بر صبر تجربه بود و تهنیت سجاده است بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله و سلام علی عباده الذین

الذین اصطفی اما بعد این غلام نامه ایست از جانب فقیر احمد سعید مجددی الشاه و طریقه محبوبی علماء
و قضاة و امراء و خوانین بلده سکان عموماً و خصوصاً مجددیت حضرت غلام صدیق صاحبزاده و ملا که جان
اخوندزاده و صاحب وقت صبیحه جب ملا غلام اخوندزاده و دیگر علماء علمای سلمهم الله تعالی مخبر برین امر که جامع
مجمع العلوم و العرفان منبع الشهود و الایقان حاجی دوست محمد صاحب از خلفای حضرت نقشبندیه مجددیه
وجود شریفش دران نواح کبریت احمر است و مغتنم دهر اعزه آن دیار را باید که در صحبت و اطاعت ایشان
بجان و دل راغب باشند که محبت با اهل الله سبحانه در حقیقت محبت خدا جل جلاله است و از بغض و کینه و عداوت
ایشان پرهیز نمایند که منجر بعداوت حق و تبارک و تعالی است من عادی لی ولیا فقد آذنته بالحرب
نعوذ بالله من ذلک چه خیر خیرات است السلام علیکم و علی من لدیکم مکتوب بیست و سیوم بحقایق و معارف آگاه حضرت
غلام صدیق صاحبزاده صاحب صدور یافته در سفارش فقیر و در بیان مقامات و ثبوت حقیقت سلسله نقشبندیه
مجددیه احمدیه بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الحی القیوم و الصلوة علی رسوله المعصوم و آله و اصحابه الذین هم کالنجوم
کالنجوم و سلم علی زبدة العارفین و عمدة العاملین محب الفقراء و المساکین مشفق الغرباء الطالبین
المتخلق باخلاق الالهیة و المتصف بالصفات النبویة سلالة الاکابر و الاماجد مجموعة الفضائل و المحامد
مولانا و اولانا مشفقی و مکرمنا لازالت انوار هدایته و ارشاده ساطعة علی ارواح المخلصین و المستفیدین
بعد اهدای هدیه مرضیه سلام مسنون و التحیة معروض خاطر عاطر میگرداند که عنایت نامه عالی و صحیفه گرامی
در اسعد اوقات بورود مسعود معزز و ممتاز ساخت و فرحت فراوان رسانید بوسیدم و بر سر و دیده
نهادم پیچیدم و تعویذ دل سوخته کردم الحمد لله که بانی عنایات سلامت با استقامت اند و کیفیت ذکر
مخدوم مکرم مسموع گردید که بعضی علما و صلحا آنجا بر طریقه حضرات ما زبان طعن و اعتراض میکشایند بر جای
بگویند که حضرت شاه ابو سعید قدس سره در طریقه حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی قدس سره بودند کبرت کلمة
تخرج من افواههم ان یقولون الا کذبا جناب حضرت شاه صاحب علیه الرحمه در رشد فقیر اول اخذ طریقه از شمس الدین

حبیب بعد رحمة الله علیه بوده اند و ایشان از حضرت سید نور محمد رحمة الله علیه و ایشان از سلطان الاولیا
حضرت شیخ سیف الدین رحمة الله علیه و ایشان از حضرت عروة الوثقی خواجه محمد معصوم رحمة الله علیه
و ایشان از حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی رحمة الله علیه و بنای طریقه حضرت امام همام که سلسله حضرت
شاه نقشبند قدس سره است بر اتباع سنت سنیه و اجتناب از بدعت نامرضیه است و حاصل این طریقه
برین منوال است که در قدم اول که عبارت از ولایت صغری است نسیان ماسوی و تعلق علمی و حبی مرا
حاصل میشود و در قدم ثانی که ولایت کبری است استغراق و انا و حصول تسلیم و رضا بر احکام قدر و قضا و ادای
حقوق و ازاله شرک خفی و ات میسر میشود و شروع سیر درین طریقه مجددیه از لطیفه قلب است که در زیر پستان چپ
بفاصله دو انگشت است بعد از ان از روح که در زیر پستان راست بفاصله دو انگشت است بعد از ان از لطیفه
سر و خفی و اخفی که در میان سینه اند و لطیفه نفس در پیشانی است و لطیفه قالب تمام بدن را شامل است
و تعلیم این لطایف ذکر اسم ذات میکنند بعد از ان نفی و اثبات بعد از ان مراقبه جدیه و معیه و اقربیه
و محبه و مسمی اسم الباطن و غیره از کمالات نبوة و رسالت و اولوالعزم و حقائق الهیه و حقائق انبیا
و معبودیت صرف و لاتعین که در مکاتیب حضرت مجدد رحمة الله علیه بتفصیل تمام مرقوم گردیده اند و مقصود
از سلوک تحصیل مرتبه احسان است که در مشکوة شریف در کتاب الایمان مسطور است که جبرائیل علیه السلام از جناب
رسالت مآب پرسید که ما الاحسان قال رسول الله صلی الله علیه وسلم الاحسان ان تعبد الله کانک تراه فان
لم تکن تراه فانه یراک شخصی از حضرت خواجه بهاء الدین نقشبند رحمة الله علیه پرسید که مقصود از سیر
و سلوک چیست فرمودند تا معرفت اجمالی تفصیلی گردد و استدلالی بدیهی گردد یعنی آنچه در شریعت ثابت است
مفصل شود و چیزی که بدلیل ثابت گردد معلوم کشفی و عیانی گردد و برای تحصیل این امر حضرات نقشبندیه ذکر اسم
سبحانه تعالی سبیل دوام موضوع ساخته اند و توجهات بر طالبین بجا می آرند و از برکت توجه ایشان است
که اولی در طالبین جذبه پیدا میشود بی تابی و بیقراری و آه و ناله و ذوق و شوق و سکر و بیخودی ظاهر

ظاهر میشود چنانچه در صحبت پیران کبار مانند شاه نقشبند و حضرت غوث الثقلین قدس سرهما این چیزها
در مریدین پیدا میشدند کما هو المسطور فی النفحات و سر آنکه اشتباه در ان باشد در کتابها کو در در
ایشان به چند غرض از تحریر این سطور آنست که جناب عالی علماء و صلحاء را تفهیم فرمایند که بر اهل
زبان اعتراض نکنند که نتیجه آن خوب نیست خصوصا که از یک طریقه باشند که آن اعتراض بر مشایخ
کرام خود میشود و باید که باهم چون شیر و شکر باشند المؤمنون کالبنیان المرصوص یشد بعضه بعضا حدیث
شریف است و کینه و بغض و عداوت از صفات ذمیمه اند اهل اسلام را از آنها اجتناب ضروری است
و شان علماء و صلحاء از ان ارفع است خصوصا آن صاحب الارشاد و فرمایند از طرف فقیر که حاجی دو
محمد صاحب که خلیفه فقیر است در جوار قرب شما میباشند مراعات خاطر ایشان بعینه مراعات فقیر دانسته بطریق محبت
پیش آمده باشند الفقر اکیفیت واحده تصور فرمایند و به دیگر صاحبزادگان نیز همین التماس است والسلام

مکتوب پنجاه و نهم که برین کمینه درویشان دولت محمد مسعود در جواب فقره در جای اثبات جذبات

بسم الله الرحمن الرحیم بعد الحمد و الصلوة و تبلیغ الدعوات معلوم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله
تعالی باد که بعضی مردم بسبب جهل از حالات مشایخ کرام خود رحمة الله علیهم و عدم دیدن کتب تصوف
انکار از جذبات و واردات الکه بر مریدان خویش مستعد او از نظر تصرف پیران صاحب همت
ظهور میباید مینمایند و میگویند که در طریقه نقشبندیه مجددیه جذبات کی باشند و این حرکات شیطانیه
و محبت [illegible] عبارت مکتوبات شریف حضرت مجدد الف ثانی که از فقیر نوشته اید برده اند [illegible] میکنند
لهذا جواب ایشان نوشته میشود که ایشان مراد حضرت امام ربانی نفهمیده اند مراد حضرت ایشان آنست
که وجد و تواجد که عبارت از رقص است در خاندان ما نیست یعنی چنانکه معمول خاندان چشتیه است
که سماع میشنوند و حالهای از آن در رقص می نمایند و حضار مجلس موافقت ایشان می نمایند و آنرا تواجد
مینامند و حرکات متوجهانه و جذبات میده اند در خاندان نقشبندیه مجددیه نیست نه آنکه جذبات و واردات

وحالا فهيم در خاندان ما نيست معاذ الله من هذا الجهل العظيم كبرت كلمة تخرج من افواههم ان يقولون
الا كذبا تا ثيرات اكابر نقشبنديه كه به نسبت مريدان واقع شده اند وحصول جذبات ايشان را
اگر نويسيم دفتري بايد ناچار شمه از ان در معرض بيان مي آرم كه القليل يدل على الكثير والقطرة
تنبئ عن البحر الغدير در مقامات حضرت مجدد الف ثاني قدس سره مسمى به بركات احمديه تصنيف مولانا
خواجه هاشم كشمي كه خليفه اجل حضرت مجدد الف ثاني است در احوال حضرت خواجه محمد باقي بالله رحمة الله عليه
كه شيخ حضرت مجدد الف ثاني اند مرقوم است خواجه بران نام از خواجهاي جنيدي كه از اكابر خود نسبتها
داد جاذبها يافته بود بخدمت ايشان رسيده وطلب افاده وافاضه نموده ايشان نزد او را نگاه داشت
صورت خود دلالت نموده وي در تعجب رفت وبا محرمان خود گفت اين شغل مناسب حال جمعي است
كه اول قدم درين راه نهاده باشند مرا ايشان كرم نموده بمراقبه عاليتر ازان اشاره نمايند دو سه بار
گفته امتثال امر بايد نمود واز فضول احتراز بايد فرمود چون عقيدتش درست بود ناچار بنظاره است
صورت مبارك پرداخت در روزي نرفته بود كه آن صورت او را فرو گرفت ونسبت عظيم بروي استيلا
نمود تا غلبه سكرش بجائي رسيد كه با وجود تمكين وكهنگي مقدار دو ذراع از زمين مي جست
وهر سو خود را بديوار واشجار ميزد با آنكه چندين از جوانان وي را گرفته بودند قوت نگاه داشت
او وفا نميكرد تا ديد آنچه ديد اما بيشتر مر طالبان را ابتدا از اول نظر قبله معتبر را كه بر اين سلسله است والله
ميسور جميع ابناء طريق را انجذابات وبرخي را بذكر انجذابات صرف يعني اسم ذات فرموده اند واز غايت سريان
نسبت آنحضرت قدس سره بسياران بمجرد ديدن ايشان مجذوب ومغلوب ميشدند گويند يكبار خطيبه
بر سر منبر بوده كه نظر بجمال ايشان كشوده صيحه زد واز منبر بزير افتاد در شبي از شبهاي رمضان حضرت
ايشان ما قدس سره بدست خادمي با آنحضرت فالوده فرستادند چون آن خادم از كوهستان ساده
لوح بوده بدروازه خاص رسيده حلقه در زده حضرت خواجه ديگري را پيدا نكرده خود برآمدند ظرف

ظرف فالوده از دست او گرفته فرموده اند كه نام تو چيست عرض داشت كه با ماز مودود چون خادم شيخ
احمد ماهي باماني بحجره مراجعت آن خادم را جذبه وسكر دست بهم فرو گرفت فرياد كنان وافتان وخيزان
خود را بحضرت ايشان ما رسانيده آنحضرت پرسيده اند كه حال چيست بشور ومستي تمام ميگفت كه همه جا
چه در حجره وچه در شجر وچه در زمين وچه در آسمان نوري با بيرنگي بي نهايت ودر بي نهايتي مي بينم كه بيان
آن نميتوان نمود حضرت ايشان ما فرموده اند البته حضرت خواجه ما مقابل اين بيچاره شده اند كه از مقابله آن
آفتاب پرتو بران ذره افتاده فردا شب بحضرت خواجه رسانيده اند تبسم فرموده اند بيت بر فروز چشم شهيدان
چون خون ها طلبند مصراع تبسم كن وخاموش كن زبان همه گويند روزي عسكري بملازمت ايشان
آمد بتقريب طهارات از مسجد بيرون رفتند خادم اين سپاهي در بيرون عنان اسب را گرفته ايستاده
بود حين تنحنح واستبرا بكرات نظر كيميا اثر ايشان بران خادم افتاده بود چون بمسجد درآمدند
خبر رسيد كه خادم آن عسكري را جذبه وبيخودي گرفته بر خاك افكنده است ميان اسپان چون گوي از گرمي
غلطان است از قبيل شام تا پاسي از شب بهمان در اضطراب بود ناگاه شوريده روئي بجانب او نهاده
در همچنين بصحرا بيرون رفته ديگر بمجلس از وخبر نيافتند سيدي ومرشدي مير محمد نعمان سلمه الله تعالى فرموده اند كه
مامر شده داشت بكرات اثر صفورا ولالته بمريدي حضرت خواجه فرستاديم ايشان آن طفل شيرخواره را در
كنار مبارك خود گرفته شفقتها نموده اند آن طفل دستي بمجلس شريف ايشان برده موئي از لحيه مبارك بدست
او بجا نموده اند طفلك مير از ما يادگاري ميكرد در حدود همان ايام انتقال فرمود دو آن موي مبارك
تا امروز يادگار وتبرك بماند مصراع مرا از زلف تو موئي بسند است مصراع فضولي ميكنم بوئي بسند است
چون آنحضرت بعضي كنا مراجعت نمود ساعتي نرفته بود كه آثار مستي وجذبات بروي پيچيدن گرفت ووي
خود را بران ميداشت تا آنكه فرياد سخت بر آورده بيهوش بيفتاد واز پهلوي چپ او حركت قلبي
چنان غلبه داشت كه همه ياران معاينه ميكردند بعد از مدتي بهوش آمد پرسيده شد كه چه بود ديده

گفت سالقه فاتحه بحضرت خواجه بصورت عجیب عجب نمودند تا آنکه مرا از من ربودند و دیگر خبرم از خود نشد
جز آنکه دل خود را الله گویی یافتم سیدی گفتند که حال او را آنحضرت خواجه عزیز کردانشد تسلیم نمودند
و تعلیم ذکرش فرمودند و عادت حضرت خواجه آن بود که هر کرا تعلیم ذکر میفرمودند همدران اثنا اثر تعلیم
ذکر و توجه شامل حال او میدیدند بعضی چون مرغ نیم بسمل بر خاک میغلطیدند و برخی از خود غایب شده
بحیرت میرفتند و بعضی را همدران کیفیت عالم مثال یا ارواح یا معانی منکشف میگردید تا هم نظر
تربیت ایشان بعجو و انقطاعش می آوردند و مصداق الشیخ یحیی و یمیت بظهور میپیوست و نیز در
کتاب مسطور در احوال مجدد الف ثانی رحمة الله علیه مرقوم است که شیخ بدیع الدین با حضرت موصوف
فرمودند که برو و منور کرده دو گانه ادا نموده بیا شیخ بدیع الدین میگوید که چنان کردم و مرا بخلوتی
بردند و تعلیم ذکر دل فرمودند و توجه نمودند چنانکه از مستی و بیخودی بر خاک افتادم و همچنان بر کشته
بخانه من بردند بعد از یکروز بافاقت آمدم در حضرات القدس مرقوم است حضرت مجدد الف ثانی رحمة الله
علیه منقول است درویشی که آثار جذبه و آثار بی تعینی و علامات آزادگی و سیمای وارستگی پیدا و هویدا بود
نقل نمود که از بنگاله باکبرآباد آمده بودم و حضرت ایشان قدس سره در ان بلده تشریف داشتند شبی
بملازمت شریف آنحضرت رسیدم و ملتمس تعلیم ذکر گردیدم اجابت فرمودند و تلقین نمودند در ین ضمن توجهی
و تصرفی در حق من کردند که حالتی بر من مستولی گشت که همانشب دیوانه وار از انجا بیرون آمدم و بدشت
و صحرا افتادم و مدتها در کوه و بیابان میگشتم و از خواب و خورد و سکون و آرام خبر نداشتم چه گویم که در ان
میان چه دیدم و بچه چیزها رسیدم در مقامات حضرت خواجه بهاء الدین نقشبند قدس سره در احوال
ایشان منقول است که حضرت خواجه مولانا محمد را فرمودند که اینک لطائف باش که فرصت غنایه اندکست
مولانا محمد متوجه حضرت خواجه شد و ایشان باو التفات نمودند آنگاه خواجه فرمودند ای محمد در ین
محل چه وقت باد باغ زاغان است مولانا محمد در گریه شد و جامه پاره کرد و اضطراب عظیم نمود لذت

روزی حضرت خواجه بزرگ رحمة الله علیه باوراد مشغول شدند حبیبتی در ان قوم که با خواجه نماز میگذاردند
پیدا شد و در هر یک کیفیتی بهم رسید که نتوانستند نماز را گذاردن مگر یک کس که با ایشان
نماز گذارد و آن جماعت که در باغ خواجه یوسف بودند معتقد تن بودند هر یکی را حالتی بود بعضی
میگریستند و بعضی در خاک میغلطیدند و بعضی بطرف صحرا میرفتند و در احوال خواجه حسن نواسه
حضرت خواجه بزرگ قدس سره مرقوم است که هرکه بدستبوس شریف ایشان مشرف شدی از پای
در افتادی و در حالت غیبت و بیخودی وقت دادی چنین استماع افتاده است که یکروز بامداد از
خانه بیرون آمدندی و کیفیتی غالب داشتند هر که را نظر بر ایشان افتاد همه را کیفیت بیخودی
روی نمود و بیخود افتادند و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحابه مکتوب ششم کتابت یکی از مولفان
در تسکین و ... بدریا نوید کامل تقیه بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب
سلامت از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون گذارش آنکه حامل رقیمه جوان از دخلان طریق
است بر حالش توجه نموده باشند دیگر آنکه یکدو رقیمه غازی بدست همین حامل قرطاس فرستاده
بودند نزد فقیر رسید خاطر شریف جمع فرمایند و دعا برای او نموده شد و السلام مکتوب هفتم کریم بجانب
[illegible] محمد سعید [illegible] المراحل [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم نحمده و هو الرب الحمید و نستعینه و ایاه یستعین العبید و نتوکل علیه و هو الفعال
لما یرید و نصلی علی حبیبه و رسوله الحمید و آله الذین عرفوا الشقی و السعید و اصحابه الذین نالوا
من الله برهان السدید اما بعد مکرم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمهم الله تعالی علی رکس
الطالبین بادکه مکتوب مرغوب مع لحقه هدایا مصحوب میمی کتفصیلش در دو رقیمه سابق اندراج یافته
رسید مضمون مسند حبیب و خوشحال دیده بلای در و منه ان از در و دیواری آید ملکی عاشقان صادق
آرزو در دل تنگ شکر میخوردند و چون شیر با شهد آمیخته توشه جان میفرمایند دل از دولت تو نزیر ...

گفتم نویش جهان باشد ستم لطف است اگر پای محبت در میان باشد اهل الله هر چه می بینند از حق می بینند
و هر چه می شنوند از حق می شنوند در نظر از اشخاص که تعینات اند مرتفع میسازند و شکایت از زید و عمرو
بر لب نمی آورند و گوش به مطاعن مردم نمی نهند و بدی گوینده و مکافات به احسان مینمایند و عفو تقصیرات
ایشان میفرمایند ع هر که ما را بد رساند از حسنش بسیار باد معتقد ایشان است اگر شخص عوام باهم جنگ
و جدال کنند پس فرق در میان عوام و خواص چه باشد و امتیاز چگونه صورت بندد جماعه که نفی این جماعه
میکنند و بدلایل و براهین در اثبات مینمایند امر ایشان از دو حال خالی نیست یا موافق مراد حق است
جل و علا پس کشیدن از آن یعنی نزاع و جدال واجب است که پیش از پیش از آن خبر شوقت شود والا سر از
ربقه بندگی خواهد کشید ع گر طمع خواهد ز من سلطان دین خاک بر فرق قناعت بعد ازین و اگر مخالف
مراد است عز و جل پس معنای خواهش ایشان محال در محال ع گمشده یی شیشش خاری لب چکن ار جکن
انم حق از فعل و قول ایشان پی ما حاصل است باید که در مشغولی بکی اوقات خود را صرف سازند و از اینچنین
احتراز نماید ع در زمین دیگران خانه مکن کار خود کن کار بیگانه مکن ع بحث و مباحثه با خلایق نمودن
اوقات عزیز خود را که بدل ندارد ضایع ساختن است و قباحت آن اظهر من الشمس است ع جواب
جاهلان باشد خموشی بگذار یار سار الله تعالی این فقیر کلبی و دوستان او را توفیق مرضیات
خویش عنایت فرماید اللهم لا تکلنا الی انفسنا طرفة عین و لا اقل من ذلک و الا فهلکنا ع تو در ولی
بغم این جان که پرواز د بکای جان که تو باشی بجان که پرواز د هر کس ترا شناخت جان را چه کند
فرزند و عیال و خویش را به چه کند دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی دیوانه تو هر دو جهان را چه کند
دیگر از دریافت گرد بدل خلفا و حلقه و مراقبه درد ما که متعدد شکر حضرت حق سبحانه بجا آورده
زود فرزند و کلم اخوان ع لب درست کند گلهای بزم ای ما هی الیست لیس الا حضرت تر جان ما
مکتوب بیست و دوم ... در ... نام ... احمد سعید ... در بیان ...
بسم الله الرحمن الرحیم

اخوی اعزی ارشدی حاجی حبیب سلمهم الله تعالی دعا خاهم از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون
و دعوات عافیت مشحون مطالعه نمایند که همین مخلص قدیم معه مکاتیب مرسله و صدارد بیسه و رب به
دو لال الخیرات رسیده اشیاء مرسله رسانید جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء و مکتوب جمیله خورد آل انگریزی
فرستاده بود نیز رسید احوال مرقومه مفصلا دریافت گردید هیچ گونه اندیشه نکنند یریدون
لیطفئوا نور الله بافواههم والله متم نوره ولو کره الکفرون هر چه خواست خدای بی شبه خواهد شد
والله غالب علی امره ولکن اکثر الناس لا یعلمون کلمات معانده ان را هرگز در دل جا ندهند دروغ بیفروغ
را خبر رسوائی مینیست خسر الدنیا والاخرة ذلک هو الخسران المبین بکار خویش سرگرم باشند و عافیت
در ترقیات کرده میشود والسلام مکتوب بیست و سیوم بمولوی عز الدین ... در جواب ... در بیان
استفسار جواب ها ... که نوشته بودند بسم الله الرحمن الرحیم بعد الحمد والصلوة و تبلیغ الدعوات
معلوم اخوی اعزی ملا عز الدین سلمه الله تعالی باد که مکتوب مرغوب مشتمل بر استفسار مسائل بوردد محمود
سرتها رسانید حق انکار ملا علی قاری آنست که برای هر مسئله فنی از فنون کتب آن فن بباید
دید غیر آن مثلا مسئله فقهی در کتب فقه یافته خواهد شد و نحوی در نحو و همچنین مسئله تصوف از کتب تصوف
شاید و کافی است حاجت بغیر خواهد و جلی و ظاهر را کار روبار دیگر در علما باطن را ذکر خفی علیحده و انکار علما
ظاهر بین بر علما اسرار بین از قدیم الایام جاری است بسبب قصور فهم ایشان معذور اند پس از انکار ایشان
از جا نباید رفت و بکار خود مشغول باید بود مع هذا اخذ خرقه حسن ... حسن لم فی الحال نوشته شده است
خواجه حسن بصری با حضرت علی کرم الله وجهه با حسن وجوه از کتب صحیح اثبات نموده اند و همچنین تلقین
ذکر خفی و جلی بطریق مصافحه بیعت و البسه خرقه در کتب صوفیه کرام رحمة الله علیهم مانند عوارف و تعرف
و نفحات و مکتوبات حضرات بتفصیل تمام مسطور است و ذکر که در خاندان نقشبندیه است متعنعن از حضرات
مشایخ کرام ما تا بما رسیده و دو واسطه تواتر رسیده است پس قول ملا علی قاری لا یصح عنه اهل الحدیث

ضرر بجا نداردکه وسائط ما دیگر اند و وسائط اهل حدیث دیگر و جواب سوال ثالث آنست که الله تعالی در قرآن
شریف میفرماید وما خلقت الجن والانس الا لیعبدون ای لیعرفون لان العبادة فرع المعرفة پس تحصیل
معرفت علت غائیه ایجاد آدم و پیری و مریدی برای حصول عرفان حق است تا وقتیکه عرفان حاصل نشود
بیکار محض است اگر معرفت از پیر اول حاصل نشد بلا تردد به پیر ثانی رجوع نماید تا مقصود حاصل شود
تعالی علم نورزد و از طلب حق در اعتکاف قرار دارد والا تارک عمل بنص مسطور خواهد شد جواب سوال ثالث
آنست که روی ذبیحه و ذابح بسوی قبله باید و ترک آن مکروه است قال فی الدر المختار وکره ترک التوجه
الی القبلة لمخالفة السنة ه وقال فی الاصل رأیت الرجل یذبح ویسمی ویوجه ذبیحته الی غیر القبلة
متعمدا او غیر متعمد قال لا بأس باکلها قال خواهر زاده فی شرح المبسوط اما الحل فلان الاباحة شرعا
متعلقة بقطع الاوداج والتسمیة وقد وجدا و توجه القبلة سنة مؤکدة وترک السنة لا یوجب
لکن یکره ترکه من غیر عذر ه التقانی جواب سوال چهارم آنکه در میان علمای حنفیه در رفع سبابه اختلاف است
بعض بر کثرت احادیث نظر انداخته فتوی بر استحباب و سنت داده اند و بعضی در احادیث اضطراب دیده فتوی
بر عدم رفع نموده اند لکل وجهة هو مولیها وحتی کان فی المسئلة قولان مصححان جاز القضاء والافتاء باحدهما ه بحر
پس باید که یکی بر دیگری طعن نکنند و از طعن جهلا دور دارد و جواب سوال پنجم آنکه جوریه که انکار [illegible]
خلفا از جا بجا میکنند از کدام دلیل مینمایند حضرت شیخ آدم بنوری رحمة الله علیه از بنور بحضرت سرهند
برای زیارت پیر خود حضرت مجدد الف ثانی بسیار میرفتند و در شاهجهان آباد نیز تشریف
آورده بودند باز که بحرمین شریفین رفته در مدینه منوره علی صاحبها الصلوة والسلام انتقال بعالم
آخرت نموده اند و مزار ایشان در جنت البقیع است پس فعل پیر ایشان برخلاف حکم ایشان حاکم است
اگر دلیل دارند اظهار سازند تا جواب آن داده آید تعجب آنست که باوجود [illegible]
بر اهل طریقه خود مینمایند طریقه و روش ایشان آنست که در میان خود [illegible]

ولو کان من غیر الطریق الفقر الشغل احدة قول اینطائفه است و تبرکا فرموده اند لهذا بهترین خلائق
بعد ببین اینطائفه است کما فی النفحات جواب از سوال ششم آنست که ماخذ الصاق کعبین با ثار
صحابه است اخرج ابن ابی شیبة عن هشام بن عروة قال اخبرنی من رای ابن الزبیر یعنی عبدالله
یصلی قد صف قدمیه والزق احدهما بالاخری وعن عیینة قال رأیت ابن مغفل یصلی صافا بین قدمیه
وعن سعد بن ابراهیم قال رأیت ابن عمر یصلی صافا بین قدمیه وعن مالک بن دینار قال رأیت عکرمة
یصلی صافا بین قدمیه وعن قریش بن حیان قال رأیت الحسن یصلی صافا بین قدمیه وعن مختار بن سعد
قال رأیت القاسم بن محمد یصف بین قدمیه فی الصلوة ولا یراوح بینهما والله اعلم مکتوب شصت و چهارم بطور
مخبر در بیان اثبات جذبات بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله وسلام علی عباده الذین اصطفی بر ارباب
علم کامل و اصحاب فهم صائب ظاهر و هویدا باد که بتاریخ سیوم ماه ربیع الآخر سنه ۱۲۶۹ روز دوشنبه
یکپاس روز برآمده ملا عبدالصمد ولایتی مرید حضرت شاه آفاق صاحب مرحوم خادم حاجی الحرمین الشریفین
مقبول رب المشرقین حاجی صاحب خلیفه حضرت صاحب و قبله قدس سره بحضور حضرت صاحب و قبله حاضر
شده حضرت صاحب و قبله فرمودند که در میان شما و حاجی صاحب چه ماجرا است او گفت که مریدان حاجی صاحب
وجد و تواجد میکنند و وجد و تواجد در طریقه مجدد رحمه الله علیه نیست بعد از آن از مکتوبات قدسی
آیات حضرت مجدد رحمه الله علیه مکتوب دویست و شصت و ششم که بحضرت پیرزاده ها صدور یافته است
خوانده درآن نوشته بودند که اکابر این طریقه هرگاه در منع ذکر جهر اینهمه مبالغه مینمایند از سماع و رقص
و وجد و تواجد چه گویند احوال و مواجید که بر اسباب نامشروعه مترتب شوند از قبیل استدراج است [illegible]
مکتوب صد و شصت و هشتم که بمخدوم زاده خواجه محمد قاسم صدور یافته و این هر دو مکتوب از جلد اول مکتوبات [illegible]
خواندم در ین نوشته بودند لهذا اکابر این طریقه عالیه از ذکر جهر اجتناب فرموده اند بلکه [illegible] نموده [illegible]
و از سماع و رقص و تواجد [illegible] در زمان آنسرور علیه الصلوة والسلام و در زمان خلفاء راشدین نبوده علیهم الرضوان

منع فرموده این همه عبارت از مکتوبات ملا عبدالصمد ولایتی خوانند و گفت که وجد و تواجد خواه به اختیار باشد
و یا بی اختیار هرگز در طریقه مجددیه نیست و در میان صاحب کلام به اختیار می کنند حضرت صاحب قبله ارشاد
فرمودند که وجد و تواجد که به اختیار باشد و یا در مجلس سماع باشد و بر خود منسوب کند مرتکب شود در طریقه ما نیست
و در بی اختیاری مخالفت نیست چون مخالفت باشد که از اختیار بشر خارج است تکلیف بالاطلاق حق تعالی
سید [illegible] از بزرگان ما این چنین بر وی گشته بعد از آن در مجلسی کثیر که بسیار مریدان و مخدوم زادها هم حاضر
بودند مخدوم زاده خود فرمودند که از مقامات حضرت مجدد رحمة الله علیه که برکات احمدیه نام دارد و [illegible]
خواجه هاشم کشمی که خلیفه حضرت مجدد است این عبارت با واز بلند بخوانید مخدوم زاده خود این عبارت
خواندند خواجه برهان از خواجهای دهبیدی از اکابر خط نقشبندیه اجازتها یافته بود کمر بخدمت ایشان رسید
و طلب افاده و افاضه نمود ایشان دیر انتظار داشت صورت خویش دلالة نمودند وی امتثال امر نمود دو روزی
رفته که آن صورت او را فرو گرفته و نسبت عظیم بروی استیلا نمود تا غلبه سکرش بجای رسید که با وجود یکه
دیگر سن مقدار دو ذراع از زمین می جست و هر سو خود را بدیوار و اشجار میزد با آنکه چندین از جوانان
وی را گرفته بودند قوت ایشان نگاه داشت او وفا نمیکرد تا دم آنکه دید و از غایت سریان نسبت آنحضرت [illegible]
بسیاران بمجرد دیدن ایشان مجذوب و مغلوب میشدند یکبار خطیب بر منبر بوده که نظر [illegible] کشوده
صیحه زد و از منبر بزیر افتاد و شبی حضرت ایشان ما بدلت عادی با آنحضرت فالوده فرستادند فالوده [illegible]
فرمودند که نام تو چیست عرض نمود فضل الله که بابا فرمودند چون خادم شیخ احمد مانی بابا نی [illegible] آن
خادم را جذبه و سکر و نسبت فرو گرفت فریاد کنان و افتان و خیزان خود را با آنحضرت رسانید [illegible]
گویند عسکری کلاه از دست ایشان آمد ایشان به تقریب طهارت از مسجد بیرون رفتند خادم این سپاهی
در بیرون عنان اسپ گرفته بود استاده حین توجه و [illegible] نظر کیمیا اثر ایشان بروی خادم افتاد
آن خادم را جذبه و بیخودی گرفته بر خاک افکنده است میان اسپان چون گوی هر سو غلطان از

قبیل شاه تا پای از شب بهمان در اضطراب بود [illegible] روی جای از نهاده همچنین
[illegible] بیرون رفته دیگر به مجلس از وضع خاتمت و آمدن حضرت خواجه از عاقبت مخلص [illegible] آن بود
که هر که را تعلیم و ارشاد فرموده بودند همه را آن اشارت در توجه شریف شامل حال او میداشتند و در راه نقوش کونیه
بر ادراک حقیقت جامعه احمدی میبستند که یا از نسبت نقشبندی ما ظهوری آوردند تا همه را آن خط
[illegible] اگر یا میشد و حضور و جذب بدرپا در آغوش میگرفت بعضی چون مرغ نیم بسمل بر خاک
میغلطید و در یکی از خود غائب شده بحیرت میرفتند و این فنایات ایشان بر سبیل تعمیم بود بحیثیت
تلخیص آن عبارت که مخدوم زاده خود از مقامات مذکوره خواندند بعد از آن حضرت ایشان فرمودند
که آنچه حضرت مجدد رحمة الله علیه منع آن فرموده اند مراد آنست که وجد و تواجد که با اختیار باشد یا هم کسلی
و رقص بود نه مطلق وجد زیرا که وجد بی اختیار از بسیار بزرگان این طریقه علیه ثابت شده است ملا عبدالصمد
گفت که اگر بی اختیار باشد یکی کس یا دو کس را باشد نه اینکه تمام مردم را احاطه کند حضرت ایشان فرمودند که از
تاثیر بعضی همه را الهام میشود و تخصیص هر یکی در صحبت این عبارت مقامات نقشبندیه کسانی [illegible]
بر سبیل تعمیم بود و هم پیر پای مرشد شما یعنی شاه آفاق صاحب مرحوم خیال صاحب [illegible] بودند که در بیان
نمی آید چنانچه حضرت شاه کمال الله صاحب خلیفه شاه قطب الدین صاحب خلیفه حضرت محمد زبیر صاحب رحمة
الله علیهم هم خیال تاثیر بود که اگر بر پرنده نظر میکردند از بالا می افتاد چون مرغ نیم بسمل و از مریدان
و مخلصان همه بگوییم غرض از بسیاران بر سبیل عموم شده است و همه بی اختیار میشدند باز ملا عبدالصمد
گفت که در طریقه حضرت مجدد رحمة الله علیه نیست مخدوم زاده خود گفتند که شما رای خود برای حضرت ما
ترجیح میدهید حضرت [illegible] بعض کلام حضرت مجدد رحمة الله علیه بیان فرموده اند و هم احوال که در مقامات
مسطور است شما شنیده اند و تطبیق هم ارشاد کرده اند که آنچه منع فرموده اند حضرت مجدد رحمة الله علیه
آنست که بر سبیل تکلف باشد و یا در مجلس سماع در غره ها شروع باشد چنانچه مشایخ [illegible] حضرت

بعد دیگر آنکه حاجی صاحب خلیفهٔ حضرت ما هستند حضرت صاحب و قبله او شان را قبول فرموده اند شما چرا
انکار میکنید ملا عبد الصمد گفت که ما انکار حاجی صاحب نمیکنیم وجد و تواجد را انکار میکنیم مخدوم زاده خورد
گفتند که شما چه طور دانستید که مریدان حاجی صاحب هم باختیار میکنند وجد و تواجد را از کشف دانستید
یا از بهتان ایشان را قطع کرده دانستید یا بد گمانی می برید بمسلمانان ملا عبد الصمد گفت که دانستم دانستم بهر طور
که دانستم مخدوم زاده خورد گفتند که شما بر هیچ وجه نه دانستید همچنین منازعت میکنید از حسد ملا عبد الصمد
گفت این امر معروف میکنم نه بی مسلمانی و دیگر مخاصمه نه دارم مخدوم زاده خورد گفتند که این هم امر معروف نیست
سبحان الله امر معروف بکیاد بسری گفتن است که این هم خلاف شرع است ما علی الرسول الا البلاغ
نص قاطع است بر این نه اینکه منازعت کردن با وجودیکه حضرت صاحب و قبله فهمایش میکنند و نمی فهمید
و علم هم نه دارید و عبارت فارسی راست خواندن نمی آید مکتوبات قدسی آیات را چه طور فهمیده اید و مکتوبات
چنان کتابی است که علماء و عرفاء از فهمیدن آن عاجز آمده اند و شما مکتوبات را از کجا خوانده اید و کدام شخص
آنچنی شما را فهمانیده است مکتوبات بیان کنید تا حقیقت معلوم شود ملا عبد الصمد این را چیزی جواب نه داد و گفت
چیزی فهم بعد از آن مخدوم زاده خورد به ملا میرزا محمد ولد میر علی یار محمد که همراه ملا عبد الصمد بود فرمودند که شما هم فهمیده
که حضرت صاحب چه میفرمایند داد شان قبل از این موافقت و تائید ملا عبد الصمد میکردند هم مخدوم زاده گفتند
که کلام حضرت راست است و قبول داریم باز مخدوم زاده گفت که این صاحب خود را شما فهمانید باز ملا عبد الصمد مکتوبات را
گرفت همین مکتوب را که به پیر زاده صدر یافته است خواندن شروع کرد تا اینجا رسید که حضرت مجدد نوشته اند
که این نا مشروع است حضرت صاحب و قبله فرمودند که معنی بیان کنید که امور نا مشروعه کدام هستند چیزی نگفت
دوباره خواند حضرت صاحب ارشاد فرمودند که معنی بیان کنید که امور نا مشروعه کدام هستند معنی نمی فهمید
و عبارت میخوانید آخر هم عقل هم دارید مخدوم زاده خورد گفتند که این انکار هر گز نکنید از خطا [illegible]
نیش گرفتن و بر حین انکار کردن کی جائز است بعد از آن ملا عبد الصمد چیزی [illegible] سکوت کرده رخصت شدند

شدند حضرت صاحب فرمودند که غرض ما این بود که نزاع با هم نکنند و با هم دوست باشند فقط این است
حالات حاضر شدن ملا عبد الصمد من و عن فقط و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلم و الحمد لله رب
العالمین مکتوب شصت و پنجم بر سیادت و نجابت دستگاه سید حیدر شاه صاحب صادر شده در بیان رفع
یدین است که استفسار نموده بودند بسم الله الرحمن الرحیم سیادت و نجابت دستگاه سید حیدر صاحب سلمه
تعالی بعد از سلام مسنون مکشوف خاطر عاطر میگرداند مکتوب مودت اسلوب متضمن استفسار بعضی مسئله
بورود مسعود مسرت بار رسانید در باب رفع یدین آنچه ایشان میفرمایند حق است صاحب تفصیل آنکه
عینی شارح بخاری می نویسد قوله و کان یفعل ذلک حین یکبر للرکوع قال العینی و هو قول الشافعی و احمد و اسحق
و ابی ثور و ابن جریر الطبری و هو روایة عن مالک و الیه ذهب الحسن البصری و ابن سیرین و عطاء بن ابی رباح
و طاؤس و مجاهد و ابن المبارک و القاسم بن محمد و سالم و قتادة و مکحول و سعید بن جبیر و ابن عیینة قال ابو عمر
روی الرفع عن رسول الله صلی الله علیه و سلم نیف و عشرون من الصحابة و عند ابی حنیفة لا یرفع یدیه الا
فی التکبیرة الاولی و به قال الثوری و النخعی و ابن ابی لیلی و علقمة بن قیس و الاسود بن یزید و عامر الشعبی و ابو
اسحاق السبیعی و خیثمة و مغیرة و وکیع و عاصم بن کلیب و هو روایة ابن القاسم عن مالک و هو المشهور
من مذهبه و المعمول عند اصحابه و قال الترمذی و به یقول غیر واحد من اصحاب النبی صلی الله علیه و سلم و التابعین
و هو قول سفیان و اهل الکوفة و اجابوا عن حدیث الباب بانه محمول علی انه کان فی ابتداء
الاسلام ثم نسخ و الدلیل علیه ان عبد الله بن زبیر رضی الله عنه رای رجلا یرفع یدیه فی الصلوة عند
الرکوع و عند رفع الرأس من الرکوع فقال له لا تفعل فان هذا شیء فعله رسول الله صلی الله علیه و سلم ثم ترکه
و یؤید النسخ ما رواه الطحاوی باسناد صحیح حدثنا ابن ابی داود قال اخبرنا احمد بن عبد الله بن یونس قال
اخبرنا ابو بکر بن عیاش عن حصین عن مجاهد قال صلیت خلف ابن عمر فلم یکن یرفع یدیه الا فی التکبیرة الاولی
من الصلوة قال الطحاوی فهذا ابن عمر قد رای النبی صلی الله علیه و سلم یرفع ثم ترک الرفع بعد النبی

صلی الله علیه وسلم فلا یکون ذلك الا وقد ثبت عنده نسخ ما قد کان رأی النبي صلی الله علیه وسلم علیه وذکر
طاوس انه رأی ابن عمر یفعل ما یوافق ما روی عنه عن النبي صلی الله علیه وسلم الا تقع فی ذلك الا فلا یجوز
ان یکون هو اقبل ان تقوم الحجة عنده بنسخه ثم لما ثبت ترکه وفعل ما ذکره عنه مجاهد قال اخبرنا ابو حنیفة
حدثنا حماد عن ابراهیم عن علقمة والاسود عن عبد الله بن مسعود ان النبي صلی الله علیه وسلم کان لا یرفع یدیه الا عند
افتتاح الصلوة ثم لا یعود لشيء من ذلك وروی الطحاوي ثم البیهقي من حدیث الحسن بن عیاش بسند صحیح عن
الاسود قال رأیت عمر بن الخطاب یرفع یدیه في اول تکبیرة ثم لا یعود وروی ابو حنیفة عن حماد عن ابراهیم
قال ذکر عنده وائل بن حجر انه رأی رسول الله صلی الله علیه وسلم یرفع یدیه عند الرکوع وعند السجود فقال اعرابي
لم یصل مع النبي صلی الله علیه وسلم صلوة قبلها افهو اعلم من عبد الله واصحابه حفظ ولم یحفظوا
عنه شیئ من لا احصی من عبد الله انه رفع یدیه في بدء الصلوة فقط وحکاه عن النبي صلی الله علیه وسلم وعبد الله عالم
بشرائع الاسلام وحدوده ومتفقد لاحوال النبي صلی الله علیه وسلم ملازم له في اقامته واسفاره وقد صلی مع النبي
صلی الله علیه وسلم ما لا یحصی فیکون الاخذ به عند التعارض اولی من افراد مقابله من القول السنیة الا مرین
والله سبحانه اعلم انتهی کلام ابن الهمام مختصرا قدر الحاجة وحنفی المذهب اگر انتقال بمذهب شافعی کند علما
اعلام بتعزیر کش حکم کرده اند چنانچه در فتاوی عالمگیریه مرقوم است و در در مختار هم از سراجیه نقل کرده
حیث قال في باب التعزیر ارتحل الی مذهب الشافعي یعزر سراجیة وفي المنح قال ان ابا حفص بن عبد الله
بن ابي حفص الکبیر عزر ارتحل الی مذهب الشافعي امر بالتعزیر ونفی عن البلدة در مختار حنفیه در نماز است
قال العیني واحتج اصحابنا بما رواه احمد وابو داود الطیالسي وابو یعلی الموصلي في مسانیدهم والطبراني في معجمه
والدارقطني في سننه والحاکم في مستدرکه من حدیث شعبة عن سلمة بن کهیل عن حجر ابي العنبس عن علقمة بن
وائل عن ابیه انه صلی مع النبي صلی الله علیه وسلم فلما بلغ غیر المغضوب علیهم ولا الضالین قال آمین واخفی بها صوته
ولفظ الحاکم في کتاب القراءة وخفض بها صوته وقال صحیح الاسناد ولم یخرجاه ورواه محمد بن الحسن في

في کتاب الآثار حدثنا ابو حنیفة به قال اخبرنا حماد ابن ابي سلیمان عن ابراهیم النخعي قال اربع یخفیهن
الامام التعوذ وبسم الله الرحمن الرحیم وسبحانك اللهم وآمین وبما رواه الطبري في تهذیب الآثار حدثنا ابو بکر
بن عیاش عن ابي سعید عن ابي وائل قال لم یکن عمر وعلي رضي الله عنهما یجهران ببسم الله الرحمن الرحیم
ولا بآمین وقالوا الیه آمین دعاء والاصل في الدعاء الاخفاء انتهی کلام العیني فقط والسلام مکتوب بست
وششم بسرور خان صاحب صادر یافته در بیان تاکید ذکر و فکر و مفارقت طالبین اخوند بسم الله الرحمن الرحیم
خانواده الاشان رفیع المکان سرور خان صاحب سلمه الله تعالی بعد از سلام مسنون گذارش مینماید الحمد لله
که احوال فقرائی اینجا در گسترده حسب صحت و عافیت ایشان مطلوب و مرغوب است باید دانست که حیات
دنیا چند روزه است عاقل را باید که بآن کلف چهره فریفته نشود الدنیا وما فیها ملعون الا ذکر الله ومن
والاه حدیث شریف است متوجه بآخرت باشد و ایشان صحبة حضرت مرشدنا جناب شاه صاحب قدس سره
یافته اند و حظها گرفته لازم که ذکر و فکر را از دست ندهند که فخر حسرت و ندامت نخواهد بود بوقت صبح شود
همچو روز معلومت که با کر باخته عشق در شب دیجور تا نیا انکه ملا لسین اخوند که از مخلصان فقیر است اینجا
بیا شد اگر او را کاری افتاده در سرانجامش سعی بدل نمایند که در آن خوشنودی خاطر فقیر است دو حرف دعا
غائبانه والسلام مکتوب بست و هفتم کند در درویشان دولت محمد صادر یافته در بیان مشغول بودن
بکار خود بسم الله الرحمن الرحیم اخوي ارشدی حاجي صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام
مسنون مطالعه نمایند رقیمه کریمه معه دو کاغذ براي مهر ملا سالار رسانیدند دو عدد مهر حاجي ارسال
رسانیده خوش وقت ساخت هر دو کاغذ مختوم معه مکتوب حضرت شاه صاحب قدس سره فرستاده شد
انشاء الله تعالی خواهد رسید بکار خود مشغول و سرگرم باشند و بزید و عمر و التفات نکنند حسبنا الله
ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر والله غالب علی امره ولکن اکثر الناس لا یعلمون افوض امري الی الله
ان الله بصیر بالعباد بکرت الیوم والصلوة والسلام مکتوب شریف حضرت شاه صاحب قدس سره

بسره الاقدس که مولانا خالد حضرتیم قتی ورومی قدس الله سره فرموده که از انستاده اند و احبت نیکتوبه عهده نهم

کثرت علما و فضلا و غیرهما از شرفای و روساء اقلیم روم صدور یافته در بیان احوال مولانا خالد علیه الرحمه
تعالی بعد حمد و صلوة بخدمت مخدوم ذوالاحترام علما و فضلا و حفاظ و امرا و حکام و شرفاء آن دیار برکت آثار
گذارش میشود که جمیع فضائل ظاهر و باطن مولانا خالد سلمهم الله تعالی با شارات غیبی در هند در شاه جهان آباد نزد
احقر رسیده در طریقه نقشبندیه مجددیه مصافحه بیعت نموده باذکار و اشتغال و مراقبات در خلوتی پرداختند
بعنایت الهی سبحانه بواسطه مشایخ کرام ایشانرا حضور و جمعیت و بیخودی و جذبات و واردات و کیفیات و حالات
و انوار حاصل شد و مناسبتی بنسبت عظمی نقشبندیه هم استعداد و باز توجهات بر لطائف عالم امر و عالم خلق
ایشان کرده شد و باین توجهات نفی از دریاهای نسبتهای حضرت مجدد رضی الله عنه بهره یافتند
و باین حالات و مقامات اجازت و خلافت که در تلقین و ارشاد طالبان ایشانرا داده شد و در وطن رسیده
بریاضات و بر دوام نسبت باطن مشغول شدند و ایشانرا قبولی پیدا شد و بعنایت حضرت خواجه نقشبند
رحمة الله علیه اشاعت طریقه نقشبندیه دران دیار نمودند فالحمد لله دولت ایشان دولت دیدن
ایشان دیدن من و دوستی ایشان دوستی من انکار و عداوه ایشان بمنزله من است و مقبول ایشان
مقبول پیران کبار من اعنی حضرت شاه نقشبند و خواجه احرار و خواجه محمد باقی و حضرت مجدد رحمة الله
علیهم و تعظیم و احترام ایشان بر مسلمانان آن ملک و دعا و خیرخواهی و امر بحیات و حفاظت ایشان
برین فقیر واجب است خیر الناس من ینفع الناس وجود ایشانرا غنیمت دانند و محبت و دوستی و رعایت
آداب ایشان واجب شناسند در حدیث دین اسلام چهار جزو دارد توحید و اعمال ایمان و مرتبه [illegible]
و تصدیق قیامت مرتبه احسان حاصل دین متین است سبحان الله در خدمت ایشان ایمن شبه و شک میشود
و توفیق اقبال آخرت و اعراض از دنیا نقد وقت میشود در توفیق اصحاب کرام رضی الله تعالی عنهم
فیضی از پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم میرسید که سکینه و طمانینت و یادداشت و فیض آنحضرت صلعم

صلی الله علیه و سلم بر اولیاء رحمة الله علیهم و ارشادی تا بهما و اضطراب و ولوله و نعره ها باشد
گشت منتهای حضرت شبلی رحمة الله علیه از عجائب احوال صوفیه گفته اند در صحبت خواجه باقی بالله مرتبخان
در مرزا مراد بیگ و حکم اثر فنا این هر دو از این فقیر استفاده داشتند نعره و آه در تنها بیهها السیار حاصل شد
در خانقاه حضرت میر ابوالعلی نقشبندی آه و ناله بسیار است اگر در اصحاب مولانا خالد این امور ظاهر
شده بزرگی مولانا خالد است منجانی طعن نا واقفان و این فیوض پیغمبر ما بخصائص محل تعقفی این
صیاح و بیقرار و حالات و فیض از پیغمبر ما بخواجه نقشبند رحمة الله علیه رسید استهلاک و اضمحلال در نسبت
اصحاب حضرت خواجه نقشبند سرایت نمود و فیض از پیغمبر ما صلی الله علیه و سلم بر باطن حضرت مجدد ورود
یافت جامع انجلالات سطوره اولیاء رحمة الله علیه و شامل کیفیات نسبتهای اصحاب کرام رضی الله تعالی
عنهم اند بس عالی و لطیف و سیر که از تجلی ذاتی دائمی ناشی است و تمام عمران را الجذبات و واردات و سیر نظر
و از لطائف عالم امر و عالم خلق برتر است سبحان الله و بحمده الحمد لله که مولانا خالد از جمیع حالات و درجات فیوض
از ینجا بهره یافتند و نسبت استعداد طالبان این افاضه آن مینمایند اینچنین گوهر نایاب در ان
ملک باعث سعادت آن زمین و مستفیدان بالیقین است در صحیح حدیث و قرنی از قرون صوفیه اینچنین
مجامع و کثرة فیوض مرا معلوم نیست که باشند تائید ایشان و خلوص و محبت و استفاده از ایشان واجب است
حضرت مجدد در اصحاب کرام حضرت خواجه محمد باقی و حضرت آدم بنوری در اصحاب حضرت مجدد و مولانا
خالد در اصحاب این لا شیئی امتیازها دارند بلکه این قدر کثرت فیوض در صحبت آن اکابر هم نبود
الحمد لله ثم الحمد لله ایذا و عداوة حاسدان از خدمت مولانا دفع نمایند و ثواب رسند و الا حق
سبحانه ناصر و معین کافی است همه راه اخلاص میگیرند حضرت مجدد طریقه چشتیه و قادریه و سهروردیه
از والد خود و کبرویه از مولانا یعقوب صرفی گرفته و استفاده در نقشبندیه از حضرت شیخ المشایخ
خواجه محمد باقی نموده اند و در اندک زمانه با سرار و انوار و حالات و کیفیات و جذبات و واردات ایشان رسیدند

باز بعمن تربیت حضرت خواجه محمد باقی طریقه جدیده ورای طریقه صوفیه و علوم و معارف بند خیر متعارف
صوفیه فائض شدند حضرت خواجه فرمودند علوم شما صحیح قابل آنست که بنظر انبیاء علیهم السلام درآید پیغمبر موقوف
شیخ احمد نام حضرت مجدد دست آفتابی است که مثل ما هزاران ستاره در سایه او گم اند تا مثل ایشان زیر
فلک نیست ملا عبد الحکیم سیالکوتی گفته که ایشان مجدد الف اند امام المحدثین شاه ولی الله در کتاب
شریفه رساله که در رد روافض حضرت مجدد نوشته اند آنرا بلفظ عربیه و فارسی ترجمه کرده اند و در انجا نوشته اند
بلغ امره الی ان لا یحبه الا مؤمن تقی ولا یبغضه الا منافق شقی حقیقه پرشده بلاد اسلام از فیوض حضرت مجدد
دور جب شد هر مسلمان را شکر فیوض ایشان فیوض متنوعه که در طریقه جدیده خود بیان کرده اند از صوفیه
مرادی حضرت مولانا خالد و مولوی هراتی و مولوی قمر الدین پشوری دلخار بعید از کعبه حرم رسانیدند پیش بنده
آمده فیوض مجددیه کسب کرده در مجددیه بیعت کردند که این فیوض در کتب و صحف در بلکه در قبول حیا الم
علما و فضلا بدرجات مقامات طریقه مجددیه اقرار دارند سند در خانقاه سید برزنجی حضرت عارف
نامی که عبارات مکتوبات حضرت مجدد را تحریف نموده عبارت تحریف را ترجمه بلفظ عربی کرده در مدینه
منوره رساله فرستاد سید برزنجی نادانسته از جا رفت و بی تحقیق انکار ایشان نوشته رساله در رد کرده رد نفع
از رساله گشت و بلکه مرزا محمد بدخشی افتاد و عبارت صحیحه مکتوبات از مکتوبات برآورده ترجمه بلفظ
عربیه نوشت که برین عبارت هیچ گرفتی نیست دبهرانی علماء مکه آن رساله رسانیدند که برین عبارت صحیح
هیچ اعتراض نیست آن رساله درینجا هست شیخ عبد الحق از انکار باز آمده در رساله نوشته که باینچنین
عزیزان بد نباید بود و غشاوه بشریت بر انجا اند حضرت مجدد جواب اعتراضات خود نوشته اند و گفته اند
تاویل در کلام الهی سبحانه جاری است در کلام اولیاء نیز همه کلام حضرات اولیاء نیز همه کلام حضرت
مجدد مشروع است جائی اعتراض وارد و معترض را از بی ادبی منع باید نمود که منکر اولیاء در خطر سلب اسلام
گفته اند از قطب عالم فان کما معانی می آید که الفاظ عبارات آن ساعة [illegible] پس تسلیم ولی الکیبا بذر

[illegible]

بذکر قلب و لطائف از توجه مولانا خالد رسیده اند و روی فراقی بوجه گذاشته صلح نمیدهند بهزاران
بحضور و جذبات فائض شده ای برادر انصاف باید داد که این سعادت و دولت از کجا آمده باین مخاطب
ایشان خواجه حضرت در بیخ بواسطه پیران نقشبندیه رسانیده اند و عاقبت از ایشان داریم مکتوب
شفقت محشور بروزی که در هر دولت محمد [illegible]
دیگر حضرت مقصود [illegible] مکتوب بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله حمدا كثيرا
طيبا مباركا فيه مباركا عليه كما يحب ربنا ويرضى والصلوة والسلام على حبيبه خير الورى وآله وصحابه البررة
التقى بعد الحمد والصلوة اخوي اعزي وارشدي حاجی صاحب سلمه الله تعالى على مفارق الطالبين والمحبين
معلوم فرمایند که مکتوب مرغوب مع لطف هدایا با مبلغ یکصد روپیه و نه کلاه برای فقیر و یک جبه و کاس
برای فرزندی محمد عمر و حامل برای فرزندی محمد مظهر و جاء نماز خالین برادر اهل بیت از دولت محمد علم
وصول گردید جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء و تقبل الله منکم و بارک فیما اعطاکم و زاد عمرکم و اولادکم و شادکم و حفظکم
اعداء کم و هو الحکیم رحم الله عبدا قال آمینا از خبر انتقال یمین که مخلص محبی بود کمال تاسف دست داد
انا لله وانا الیه راجعون غفر الله له مغفرة ظاهرة و باطنه پرورش اطفال او بر ذمه دوستان خود لازم است
و دعاء مغفرت او هم از اهم مهمات است جمله مقامات معنوی برای آن اقطاب رسیده بود محمد عالم
فرستاده شد ان شاء الله تعالی خواهد رسید و دیگر حالات اینجا الحمد لله سبحانه قرین جمعیة الله همه خواهان
یک مطلب اینکه فقیر از حق سبحانه مقصدی ندارند و اگر نیخواهند او را میخواهند و اگر میخواهند او را میخواهند چند
برام ایشان خبر رضائی او سبحانه ربنا اللهم وفقنا لما تحب وترضى واجعل آخرتنا خيرا من الاولى
در دو زبان ایشان از مرادات خود خالی گشته بمراد مولی جل جلاله قیام دارند کما المیت بین
یدی الغسال لازم که دوستان آنجانی همین نهج زندگانی نمایند والسلام دیگر دعا مولوی عبد الرحیم
یک لنگی برای فرزند حوالا امین مرحوم کرده بودند از صالح محمد بر سیم یعنی خود جانب نمودا آنجا

یافته شود ارسال فرمایند که امانت بود دیگر مخفی نبودن برای انتخاب حواله محمد عالم نموده ام جواب نامه
از فرزندان و درویشان سلام برسد مکتوب شصت و نهم کرابن کلیه درویشان در دست محمد سعید
در جواب نیز ارسال فرموده بسم الله الرحمن الرحیم خوان اعزه ارشدی حاجی حبیب سلمهم الله سبحانه از فقیر احمد سعید
مجددی عفی عنه بعد از سلام مسنون و دعوات مترقیات مشحون مطالعه نمایند رقیمه که مشتمل بر طلب کتاب
تاریخ و منتخب و خطبه نام محمد سرور خان بود ورود مسعود مسرت بار رسانید کتاب مذکور را یافت اگر بدست خود
فرستاده خواهد شد و خط بنام مذکور ملفوف خط هذا میرسد و خط دیگر جواب خط میر سعید نیز ملفوف است
نقلش گرفته حواله مکتوب الیه فرمایند والسلام از فرزندان و برادران و درویشان سلام قبول باد مکتوب
هفتادم بعلما و صلحا و فقرا و ولاة و قضات و سادات کرام و مشائخ سکنه خراسان و قندهار و کابل
و غزنین در دین [illegible] که [illegible] در باب [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله العلی
الاعلی والصلوة والسلام علی رسوله محمد المصطفی و آله المجتبی و اصحابه التقی اما بعد بر علما و صلحا و فقرا
و ولاة و قضات و سادات کرام و مشائخ عظام سکنه خراسان و کابل و قندهار و غزنی مخفی و محتجب نباشد
که حقائق و معارف آگاه فضائل و کمالات دستگاه حاجی الحرمین الشریفین مقبول المشرقین والمغربین
حاجی [illegible] حبیب سلمه [illegible] الوهاب از فقیر احمد سعید مجددی النسبا و طریقة کان الله له طریقه
نقشبندیه مجددیه و قادریه و چشتیه و سهروردیه اخذ نموده خلافت این خانواده بهم رسانیده اعتماد دین
مرجع و مآب طلاب گشته [illegible] انا فی الدین در این ایام استماع یافته که بعضی
حاسدین زبان طعن بر حاجی حبیب موصوف دراز کرده لهذا بحضرت اهالی و موالی آنجا میرسد که مرحم
که اعانت و حفاظت حاجی حبیب بر ذمه خود لازم شناسند و حاسدین را نصایح بلیغ ساخته بر قبح حسد
و علاوه که از صفات ذمیمه است مطلع فرمایند تا از ایذا و مومن باز آیند و فیما بین که اهل اسلام اند [illegible]
و شکر باشند و منطوق لازم الوثوق انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم و اتقوا [illegible]

فیض بنیاد حضرت سید الابرار صلی الله علیه وسلم المؤمنون کالبنیان یشد بعضه بعضا عمل نموده سعادت
دارین حاصل فرمایند وجود اهل الله تعالی که بجز حق سبحانه مطلب ندارند در بلاد خود غنیمت دانند
و در رضاء ایشان بدل و جان کوشش نمایند که موجب صلاح و فلاح است والسلام علی من اتبع الهدی
والتزم متابعة المصطفی صلی الله علیه و آله و اصحابه و بارک وسلم مکتوب هفتاد و یکم [illegible] درویشان در دست
[illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی حاجی الحرمین الشریفین مقبول المشرقین والمغربین سلمه الله تعالی
از فقیر احمد سعید مجددی بعد از سلام مسنون و دعوات مترقیات مشحون مطالعه نمایند مکتوب مرغوب مع مبلغ
پنجاه دست روپیه سکه حالی و دو عدد لنگی سیاه و چهار کلاه مصحوب عبد الله خان بورود مسعود مسرت بخش
گردید جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء معلوم فرمایند که [illegible] می‌شود که جمیع مقاصد و مرادات خویش
سلب [illegible] سینه خود نماید و مرادش بجز رضای حق سبحانه هیچ نماند و کمالیت این [illegible] پیش حضرت حق
تبارک و تعالی باشد و همیشه بتضرع و زاری بجناب رب تعالی عرض نموده باشد که الهی آنچه رضا است
مرا بران جاده [illegible] ازخود [illegible] اللهم لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ولا اقل من ذلک
ورد زبان باشد فنای قلبی عبارت از آنست که تجلی افعالی ظهور کند یعنی افعال مخلوق از نظر سالک
مرتفع شوند و بجز فعل الهی [illegible] هیچ در نظر نیاید انعام و ایلام خلق برابر شود و از [illegible] محبوب خود اثر
بلکه از [illegible] زیاده ملتذ شود ضرب الحبیب زبیب [illegible]
[illegible] از وسائط مخلوق میکنانند یفعل الله ما یشاء و یحکم ما یرید [illegible] افعال خلق
[illegible] بنده را بجز تسلیم و رضا هیچ نباید تا بندگی متحقق شود و داخل زمره انهم من عبادنا المخلصین
گردد الهی [illegible] که عباد مخلصین خود داخل بساز [illegible]
خوش [illegible] بحرمة حبیبک المصطفی علیه و علی آله واصحابه من الصلوة اتمها و من [illegible]

تسلیمات الکلها والسلام از فقیرزادگان و درویشان سلام قبول باد مبلغ چهل و شش روپیه سیاه چادر
دلگی لنگی سیاه و یک چادر انگینی و ده عدد مسواک مصحوب پیر محمد و کتب فرزندی محمد صالح سعید
رسید جزاکم الله سبحانه فی الدارین خیر الجزاء مکتوب هشتاد و دوم بمولوی گنیه درویشان دولت محمد صدور یافته
در بیان دعای شرح صدر بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی حبیب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید
عفی عنه بعد از سلام مسنون و دعوات مرغوبات مشحون مطالعه فرمایند رقیمه کریمه بورود مسعود مسرت بخشید
سابق ازین بدست ملا فیض محمد رسید جوابهای مرسله ایشان فرستاده ام انشاء الله تعالی رسیده باشد
حالا که پیر محمد متوجه آنجا گردید مکرر بعد اولی نوشته میشود که اشیاء مرسله بدست پیر محمد بتفصیل وار
رسیدند خاطر شریف را ازین امر مطمئن فرمایند و کتب مرسله بدست صالح محمد از ان فرزندی نیز رسید
جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء و در تیسیر امور کرم و شرح صدور کم که شرح صدر سیدنا و حبیبنا و شفیع ذنوبنا و طبیب
قلوبنا صلی الله علیه و آله و اصحابه و بارک و سلم حتی تطیق لتحمل ایذاء الخلق بأحسن الوجوه آمین والسلام
از فرزندان و درویشان و ملا وهاب صاحب سلام مسنون برسد و مصلی بزرگوی بملا محب داده شد خوشوقت
گردید مکتوب هشتاد و سیوم بمولوی گنیه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان فرستادن کتابت
معصومی و مکتوب مظهوری تا پنجاه و دو و هم مکتوبات المظهر بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی
سلمهم الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون مطالعه نمایند مکتوب مرغوب مکرم هشتم ربیع
الاول بتاریخ هشتم ربیع الثانی بورود مسعود مسرت رسانید و سعید تألف مرسله ایشان مع مقامات
معصومی بدست محمد عالم فرستاده شد انشاء الله تعالی رسیده باشد حضرت مولانا ارشد نا ترجمه مکتوبه
در مکتوب صد و دوم که بمولانا خالد رومی نوشته اند سفرنامه مظهوری تا پنجاه و دو وقت هست
اکابر صوفیه است در خدمت حضرت غوث الثقلین و ابو علی دقاق که استاد مشهور اند از قبل اضطراب
و شورش مردم سیر دید کاش درین تنور جان برآید گران جانان زین پرتو دیدار حق بخت سمانند از

نثر دوم شم

از دو دوست گشتان و از مشتاق جان اللهم ارزقنی تقلب غلبة الاشتیاق فی محبتک حتی تقلوه بحبتی فانا
دیشب منع لا خر خود بیمار در انا بیت تا اطال الاشتیاق الی لقاء حبیبی وانا الیه شوق بدیده
گریبان و سینه بریان بردم مصحف کهف با پره و دیده بدوست هر فیضی که در امت فائض شد فیض پیغمبر
امت صلی الله علیه و سلم مگر از حضور خصائص محل تا گر برست نور آفتاب در آئینه حب الوان بر بها گوناگون
میتابد اسرار توحید وجودی در سیر لطیفه قلب میشود ز دریا موج گوناگون بر آمد ز بیچونی برنگ
چون بر آمد گهی در کسوت لیلی فرو شد گهی در صورت مجنون بر آمد این توحید از شعبده های غلبه محبت
که از کثرت ذکر و مراقبه و عبادات و غلبه های کشش بمجنون هر جا دید صورت لیلی مشاهده کرد از غلبه
محبت حضرت مجدد بیان نموده اند و مشرب انبیاء علیهم السلام العبد عبد والحق حق فرموده اند که ازین
حالات و معارف حمایت فرمایند لائق استعداد طالب خواهد بود بهتر والسلام از فرزندان و درویشان
و برادران سلام قبول فرمایند مکتوب هشتاد و چهارم بمولوی گنیه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان لازم
بودن مداومت طالبان حق جل و علا بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی حبیب سلمه الله تعالی از فقیر احمد
سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون مطالعه فرمایند الحمد لله که تا تحریر رقیمه خیریت است و صحت و عافیت آنجناب
مسئول است لازم که در افاده طالبان سرگرم باشند و تعمیر اوقات بوظائف عبادات و اشغال و اذکار معموله
نموده باشند و در وقت سحر از گریه و زاری و تضرع و عاجزی خالی نباشند و دعای طلب فیض درین وقت
نمودن که سریع اجابت است همه امور خویش بحضور کریم سپارند الله تعالی حافظ و ناصر و معین باد والسلام
کتابهای فرزندی ارسال نمایند مکتوب هشتاد و پنجم بمولوی گنیه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان
قابلیت تفویض امر خلافت بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی حبیب سلمه الله تعالی و بارک الله فی
عمره از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون و دعوات صحت و عافیت مشحون مطالعه فرمایند مکتوب
مرغوب مصحوب شاه حسین رسید و حالات مکنونه اطلاع بخشید قبل ازین جواب مکاتیب ایشان بدست

بدست سعین روانه نموده شد ان شاء الله تعالی رسیده باشد و دعائی برای صحت ایشان نموده میشود ان شاء الله
تعالی صحت شده باشد و تفویض امر خلافت برای آن شخص نمایند که هم عالم باشد و هم سلوک تمام ازو باشد
و صاحب اعتبار و عزیز و شریف در مردم بود و رجوع خلائق باو بیشتر باشد و باد رضا و حقوق مشایخ کرام
رحمة الله علیهم متحلی بود و محبت و عشق پیران کبار بوجه اتم و اکمل باشد و تاثیرات قویه در توجه او ظهور کند
و حب جاه و ریاست از دلش دور شده باشد و تواضع و فروتنی و خاکساری و سنجا عادت بود و مشغولی بحق سبحانه
علی سبیل الدوام او را حاصل باشد همچنین کس لائق خلافت است مکتوب بیست و ششم این گنجینه در بیان آن
درالت مکه صدور یافته در بیان توجه بر جمعیت خاطر کار و مکتوبات نمودن بسم الله الرحمن الرحیم
اخوی اعزی ارشدی حاجی حبیب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون گذارش آنکه بر محمد صالح
داخل طریق گردیده است و چند توجه نیز گرفته بزودی راهی آن طرف گردید توجه بر حالش نموده باشند ان شاء الله
تعالی بهره مند خواهد شد و معظم خان را که مرید مخصوص است نیز توجهات نموده باشند والسلام مکتوب بیست و هفتم
این گنجینه درویشان دولت مکه صدور یافته در بیان دعا و ترقی و رقی این فقیر بنفع و هدایه مسترشدان
بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی حبیب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون مطالعه
فرمایند مکتوب مرغوب مشتمل بر رسیدن خود که مرسل نموده بوده نور ورود مسرور ساخت رسانیده الله تعالی بصحت و عافیت
داشته و محفوظ بحفاظت خود ساخته مسترشدان را بوجود ایشان منتفع فرماید و آفتاب هدایت و افادت را
روز بروز تابان تر گرداند مکتوب برای اهالی اکثام قوم ساخته بدست حامل رقیمه فرستاده شد ان شاء الله تعالی
خواهد رسید باقی احوال اینجا مقرون بحمد ایزدی است والسلام از فرزندان و درویشان سلام برسد
مکتوب بیست و هشتم هم این گنجینه درویشان دولت مکه صدور یافته در بیان من استوی یوماه فهو مغبون
و دعا لحصبه در حق طالبانه بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی حبیب زاد الله ارشاده و طول
بقائه علی المسترشدین بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند الحمد لله صدور بالخیر الاحوال

سوال الفقرائی المجدد و بعنایات الرب المعبود موجب حمد بیحد و شکر لا تحصی و لا تعد است و المسئول الی المول
من ارحم الراحمین صحتکم و عافیتکم من الآلام و الاسقام الظاهرة و الباطنة و افادتکم الزائدة یوما
فیوما ساعة فساعة علی الطالبین و یرحم الله عبدا قال آمینا من استوی یوماه فهو مغبون مقرر و مسلم
عند السادات الصوفیة رحمة الله علیهم فیا الهی و مولائی لا تجعلنی و جمیعنا من المغبونین بل زدنی آنا
فآنا محبتک و محبة حبیبک صلی الله علیه و سلم و حسن تعلیک و حب عمل یقربنی الیک و لا تکلنی الی نفسنا طرفة عین
و لا اقل من ذلک فنهلک و نصفنا لمحبته و ترضی و اجعل آخرتنا خیرا من الاولی آمین بیت سکر کو دل این بیت
پر خون شد * بنگر که ازین سرای فانی چون شد * مصحف بکف و پای ره و دیده بدوست * با پیک اجل خنده
زنان بیرون شد * والسلام مکتوب بیست و نهم هم این گنجینه درویشان دولت مکه صدور یافته در بیان نصیحت
که هیچ وقت را باطل نگذارد بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی حبیب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه
بعد از سلام مطالعه نمایند الحمد لله که تا تاریخ یازدهم جمادی الاولی فقیر معه متعلقان بخیریت است و المسئول
من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و حفاظتکم من جمیع الآفات و البلیات و کثرة ارشادکم و افادتکم یوما
فیوما و یرحم الله عبدا قال آمینا لازم که هیچ وقتی از اوقات در لاطائل نگذارد و دوام توجه الی الله تعالی
بر نیاز و عاجزی تمام و تفویض امورات خویش باو سبحانه و خود را کالمیت بین یدی الغسال پیش او
داشتن فرض وقت داشتن شما سد رب الکلائی کلائیه الولید در زبان باشد بیت ما کار خویش
را بخدا و گذاشته ایم * بسپرده ایم تا کرم او چها کند * والسلام مکتوب سی ام هم این گنجینه درویشان دولت مکه
صدور یافته در بیان سفارش توجه ملا خان که همشیره حضرت ایشان است طلبی زر و دعای خود
بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی حبیب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون
و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند حامل رقیمه ملا خان که همشیره فقیر است شغلی دارد بتوجه کامیاب
سازند بیت پیری که دم از عشق زند بس غنیمت است * اری درین راه بسیر جوان و کهول [illegible]

چه نعمتی است که کسی در یاد حق موی خود را سفید کند و روز بروز شعلهٔ عشق مشتعل شود والسلام علیکم و علی
من لدیکم مکتوب فرستاده دوم که باین کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته در باب سفارش تعلیم و توجه
بیان بهرام بحضرت ایشان طلبی مدری نفرادہ بسم الله الرحمن الرحیم بعد الحمد والصلوة و تبلیغ الدعوات
اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی معلوم نمایند که تا تحریر رقیمه هذا که یازدهم محرم الحرام است
فقیر مع متعلقان بخیریت تمام است و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و استقامتکم و ترقی ارشادکم یوما
فیوما بحرمت سید البشر المطهر من زیغ البصر علیه الصلوة والسلام من الله الاکبر و تا هنوز مکتوب مرغوب ایشان نرسید
حامل رقیمه بهرام داخل طریقه شده بسرعت راهی آنطرف گردید تعلیمش نموده توجه نموده باشند والسلام
ملا فیض محمد و دیگر یاران مخصوص بدعا اند مکتوب فرستاده دوم باین کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته
در بیان ارسال پوستین مطبوع بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید
عفی عنه بعد از سلام مسنون گذارش آنکه پوستین سفید ملائم مطبوع از دست عبد الله خان سلمه الله صاحب سید
فرستاده ام رسانید جزاکم الله سبحانه عنا خیر الجزاء و تیسیر امورکم دارد و حفظکم الی غایة تمناکم و یرحم الله عبدا قال
آمینا والسلام علیکم و علی من لدیکم مکتوب فرستاده سوم که باین کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان
صلح کنانیدن در میان دو قوم بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید
بعد از سلام مسنون گذارش آنکه در میان قوم ... خان و دیگر قوم که باهم مجادله شده است لازم که میان
هر دو مصالحه فرمایند و آشتی سازند که بنی آدم همه برادران اند باید که باهم متفق باشند قال الله تعالی
والصلح خیر و فیه قال جل ذکره و ان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما الآیة والسلام
مکتوب فرستاده چهارم اخوی کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان سرگرم بودن بکار خویش
بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون مطالعه
نمایند الحمد لله که تا تحریر احوال فقرای اینجا و مستوجب حمد است و صحت آنکه جناب ... از جناب الهی ...

بنا بر مسئول قبل ازین جواب رقیمه ایشان فرستاده شده انشاء الله تعالی خواهد رسید و در کار خود سرگرم
باشند و هیچ تشویش در دل نگذارند من کان لله کان الله له والسلام مکتوب فرستاده پنجم که باین
کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان صلح کنانیدن در میان دو قوم بسم الله الرحمن الرحیم
اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون گذارش آنکه حامل رقیمه
عالم خان را با قوم ... چیزی منافرت است اگر سعی آنصاحب صلح شود مناسب است و از اینجا روانه
آنطرف شده خبر رسیدن بوطن معلوم نشده لهذا نگران می باشد الله تعالی عمر جاودان باد والسلام مکتوب فرستاده
ششم که باین کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان دعا دادن با ... عمر در رواج طریقه بسم الله الرحمن الرحیم
اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند الحمد لله
که فقیر تا تحریر رقیمه هذا بخیریت است و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم مکتوب مرغوب بدست ملا شیر محمد
بورود مسعود مسرت آثار رسانید و از دریافت خیریت مزاج ایشان سرور بر سرور افزود الله تعالی در عمر
ایشان برکت دهد و در رواج طریقه بوجه احسن بکاید و در ... فرزندی اعزی حافظ محمد عمر سلمه ربه
شوق ملاقات ایشان غلبه نموده متوجه آنحضرت بعد ملاقات خویش همراه قافله متوجه گردد و برخوردار
مسطور ... بنمایند و احوال مفصل اینجا زبانی برخوردار موصوف دریافت خواهد شد
ملا فیض محمد و دیگر دوستان اینجا سلام مسنون خوانند والسلام بالفضل ... برخوردار موقوف مانده
استخاره موافق بنا بر الخیر فیما صنع الله سبحانه فقط دیگر آنکه مولوی شیر محمد جهت توجهات بکنند
که ... صاحب کمال کنند مکتوب فرستاده هفتم که باین کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان آنکه
در ... خیر ... ماند که حکمت آن معلوم نمانده بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی
حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند
رقیمه ... که ... دوام اشتغال ... بر اقامت خود در کوه گشته بورود مسعود مسرت آثار رسانید

[illegible]

فقیر نیاز و رفع رضا و مولی از همه دلی که حکمت آن معلوم نباشد درویش هر کجا که شب آمد سرای اوست
موافق حکم السعی منی عمل نموده در کار خویش مشغول مستعد باشند و اوقات عزیز را در اهم مهام که عبارت
از یاد حق سبحانه است مصروف دارند سواء کان بالاذکار و الاشغال و المراقبات او بالعبادات و الطاعات
او بالتلاوة و الصلوة علی النبی المختار علیه الصلوة و السلام او بالارشاد و الافادات للطلاب او بمطالعة
کتب التصوف و المکتوبات و التفسیر و الحدیث و غیرها من الکتب النافعة و فقیر را از دعاء خویش فراموش نکنند
دیگر احمد و دل همراه است و السلام از عبد الرشید بعد از سلام گذارش آنکه یک جوره لنگی پیشاوری اگر
یافته شود و یک جوره خورد ملتانی حوالاهم دو جوره ملتانی و یک پلنگ پوش ملتانی و چهار پنج دسته [illegible]
و قدری بادام و پسته و قدری تماکو ارسال فرمایند بعید از مهربانی نخواهد بود و [illegible] سفید [illegible]
حضرت صاحب شده که شما آورده بودید یافته شود هم ارسال فرمایند و از محمد معصوم سلام برسد از فقیر محمد
نواب بعد از آداب و التسلیم بصد تعظیم و تکریم عرض آنکه حق اوقات و قدر محبوبی آنکه در حق این بی نصیب
بوقت خاص خود دعا فرمایند که او تعالی محبت خود و حسن خاتمه نصیب گرداند و السلام علیکم و علی من لدیکم

مکتوب شصت و هشتم بکمند درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان آنکه هر چه از جناب او تعالی بر حضرت
شود بران قانع شوند و هل من مزید گویان طالب ترقی باشند

بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی
ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند
الحمد لله که تا تحریر احوال بخیر و مستوجب حمد است و المسئول من الله سلامتکم و عافیتکم و استقامتکم رقیمه کریمه
که مشتمل بر احوال خویش و یاران خویش ارقام نموده بودند بر سبیل ڈاک رسیده از دریافت احوال
ایشان و یاران ایشان مسرت وافر حاصل گردید اللهم زد فزد و اخوانی الدین لیکن باید که بر هر چه
از جناب او تعالی بر حضرت شود بران قانع شوند و هل من مزید گویان طالب ترقی باشند آنچه از حالات
خود مرقوم نموده اند همه از حالات فنا است اما ملکه رحمه الله باقی است و آنچه [illegible] تمام است باید که ان هم

بر عدم شود و هیچ نامی و نشانی باقی نماند نه وجود و نه عدم لا تبقی و لا تذر بعد از ان حالات
بقا ظهور خواهند نمود و شمول معه ما عومل معه تا کرا باین دولت بنوازند و عروج ان بی نهایت است
انشاء الله تعالی بمعراج کمال و تکمیل حظ وافر حاصل فرماید فقط و السلام

مکتوب [illegible] بجانب [illegible] صدور یافته در بیان ختم سورة ایلاف [illegible] مولوی محمد مظهر [illegible] حصول مقصود

بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی
حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند
الحمد لله که تا تحریر که پنجم ربیع الثانی است فقیر معه متعلقان مع الخیر است و المسئول من الله سبحانه سلامتکم
و عافیتکم و ترقیاتکم و استقامتکم مکتوب معه رقعه بهم محرم رسید صالح محمد که حواله تفصیل احوال باو کرده
بودند نرسید و چنده آنکی برای فرزندی مولوی عبد الرشید نیز موصول گردید و فرزندی مولوی محمد مظهر را و جمله
شوق متوجه جریان کشمیر نمی رود ادام الله شرفا معه رفقا چهل کس گردید و الله تعالی در اصل مقصود ساخته بار [illegible]
و دعاء این امر گفته ختم هم نموده باشند و سورة لایلاف یکصد و یکبار معه بسم الله خوانده باشند هر روز
بعد نماز صبح یا بعد مغرب و فقیر را متوجه احوال خویش دانند و السلام از فرزندان و برادران و دوستان
سلام برسد

مکتوب [illegible] بکمند درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان رسیدن مبلغ یکصد
بیست و [illegible] رسیدن تفسیر بیضاوی

بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله
تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه فرمایند رقیمه کریمه مصحوب علی خان
بوره [illegible] مسرت بهار رسانید قبل از ین مکتوب معه هنڈی صادر و بیست و سوم رمضان رسیده بود جواب آن
نوشته ام لیکن ماه رمضان تا هنوز اینجا است لهذا جوابش نرسید تفسیر بیضاوی تمام بشما نزد داده و سیپاره خرید
کرده شد [illegible] رمضان خواهد رسید و تفسیر معالم از چهاپه منتشی بدست می آید لیکن غلط بسیار است و قیمت
آن [illegible] است اگر غلط مطلوب باشد ارقام سازند فرستاده شود و دعای محافظت از شر اعدا [illegible]

نموده میشود یقین واثق از جناب الهی است که هیچ فرزند خواهد رسید از فرزندان سلام قبول باد
مکتوب نود و یکم برین کمینه درویشان دولت محمد مسعود یافته در بیان ... بسم الله الرحمن الرحیم
اخوی اعزی ارشدی حاجی حبیب سلمه الله تعالی بعد از سلام مسنون مطالعه نمایند الحمد لله که تا تحریر فقیر مع متعلقان
بخیریت است و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و استقامتکم علی الشریعة و الطریقة و الحقیقة فانها ملاک الامر
و بدونها خرط القتاد و ثبتنا الله سبحانه ایانا و ایاکم و یرحم الله عبدا قال آمینا حافظ شیرازی علیه الرحمة
فرموده ... آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت با دشمنان مدارا والسلام
مکتوب نود و دوم این کمینه درویشان دولت محمد مسعود یافته در بیان ... فقیر و ...
... بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله حمدا کثیرا والصلوة والسلام علی رسوله
و حبیبه خیر الوری و آله و اصحابه البررة التقی اما بعد معلوم اخوی اعزی ارشدی حاجی حبیب باد که تا تحریر رقیمه هذا
احوال فقرای ... بخیر ... و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و استقامتکم و صونکم عن
جمیع الاعداء الآفاقیة والانفسیة بحرمة سید البشر المطهر من زیغ البصر علیه الصلوة والسلام من الله الاکبر
حافظ حقیقی ایشان را از شر حاسدان محفوظ داشته بر مسند ارشاد و افاده طالبان سرگرم داراد و در وجوه ترغیب
کالشمس فی رابعة النهار گرداناد بزرگان فرموده اند هر که سه خصلت دارد او محبوب خدا است اول سخاوت
چون سخاوت دریا دوم شفقت مانند شفقت آفتاب سیوم تواضع مثل تواضع زمین و نیز
فرموده اند که بهترین طاعت نزد حق جل و علا ... رسیدن و حاجت بیچارگان روا
کردن و ... سوال ... پرسیدند
من افضل الناس قالوا تارک الدنیا من احسن الناس قالوا الذی لا یغیر بشیء و من اغنی الناس قالوا
القانع و من افقر الناس قالوا تارک القناعة و ایضا قالوا الصوفی یصفو به کل شیء و لا یکدره شیء و تعالی
لوارد ... درجة الکبار ... علیکم بعدم الالتفات الی ابناء الملوک الله تعالی ما را و دوستان ما را با خلاق

با ... و اعمال و اقوال و احوال اولیاء خود متخلق گرداند و یرحم الله عبدا قال آمینا فرزندی
محمد مظهر از غلبه شوق احرام حرمین شریفین زادهما الله شرفا و کرامة بسته ... مع چهل کس ... ارشد
و دعا در حق او نموده باشند بالصحت فائز مقصود گردیده بکاشانه مراجعت نماید در خانه فرزندی محمد عمر فرزند
رشیدی تولد گردیده الله تعالی عمر و صالح فرماید مبلغ یکصد روپیه ... ایشان ... رسانید تقبل الله منکم
و جزاکم الله خیر الجزاء از فرزندان و برادران و درویشان سلام قبول نمایند همه اهل حلقه سلام ...
مکتوب نود و سیوم این کمینه درویشان دولت محمد مسعود یافته در بیان دعا در حق این فقیر بسم الله الرحمن الرحیم
اخوی اعزی ارشدی حاجی حبیب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون مطالعه نمایند الحمد لله
تحریر فقیر مع متعلقان بخیریت است و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و استقامتکم و کثرة ارشادکم
و دفع مخالفیکم بحرمة سید البشر المطهر عن زیغ البصر و یرحم الله عبدا قال آمینا فرزندی محمد مظهر ... رجب
بر مرکب سوار شده متوجه حرمین گردید الله تعالی بخیریت بیارد والسلام مکتوب نود و چهارم این کمینه درویشان
دولت محمد مسعود یافته در بیان رسید مبلغ ... در دعا در حق فقیر بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی
ارشدی حاجی حبیب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات ...
الحمد لله که تا تحریر بیست و هشتم ربیع الاول ... فقیر مع متعلقان بخیریت است و خیر و عافیت آنجناب از
جناب الهی مسئول و مأمول است مکتوب مرغوب ... مبلغ یکصد روپیه ... عدد ... رمضان ...
گردید جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء ... از دریافت ...
نموده ... حالا ... الحمد لله علی ذلک الله تعالی همیشه بصحت و عافیت
داشته فیض رسان عالم گرداناد دیگر فرزندی محمد مظهر بعنایت الله سبحانه ... فقیر و اصحاب
بخیریت تمام از زیارت حرمین شریفین فارغ گردیده داخل بندر ... گردیدند انشاء الله تعالی عنقریب
... رسید فقط از طرف فرزندان و درویشان سلام مسنون ... مکتوب نود و پنجم من

نموذج السالكين نموذج العارفين سيد الاصفياء سند الاتقياء لولوء محيط الحقيقة كبر بموج الطريقة
مولانا مرشدنا حضرت الشيخ سلمه الله سبحانه ارسل من دار الخلافة دهلي الى بلدة الكشمير جوابا لما
من اشار الى الفقير الحقير خورشيد احمد مجددي بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي جعل الامكان مرآة الوجوب
اذ الوجوب ينجلي في الامكان شمل حمد جميع الحامدين والصلوة والسلام الاتمان الاكملان على سيد الانس والجان
افضل الانبياء والمرسلين محبوب رب العالمين شفيع المذنبين قائد الغر المحجلين الذي لولاه لما اظهر الله
الربوبية وما خلق الخلق شعر هو الحبيب الذي ترجى شفاعته لكل هول من الاهوال مقتحم وعلى آله
الطيبين الطاهرين اما بعد فقد وصل اليّ كتاب كريم من الاخ الصالح الاعز الارشد ذي الخصال
السنية والكمالات البهية الشيخ خورشيد احمد المجددي سلمه الله تعالى وفرحت بقدومه ونشدت
شعر اهلا وسعدي للرسول وحبذا حب الرسول لوجه حب المرسل ولما طالعت المكتوب المشتمل على لحوق المرض
حزنت ودعوت الله سبحانه ان يشفيه شفاء كاملا عاجلا ولكن يا اخي ان المرض كفارة للذنوب
والآثام مطهر الابدان والاجسام كما ورد في الحديث الصحيح حمى يوم كفارة سنة وان الاسقام والآلام
مرسل رب الرحيم العلام فيكون محبوبا عند المحب الصادق ومرغوبا لدى العاشق الفائق بل يجد اللذة من
الايلام فوق الانعام لان في الانعام شائبة النفس وفي الايلام خالصة مراد المحبوب لاحظ للنفس فيه اصلا
هذا شأن بل تسوى اسقاه دواء ودليلا وهذه المعرفة الشريفة منوطة بالوصول الى مقام رضاه الذي هو
فوق مقامات السلوك كما ان الايلام والانعام مربوط بالتجلي الافعالي الذي هو
اصل القلب وبالوصول اليه يكون مشرفا بالولاية الصغرى والفناء القلبي الذي هو ولاية الاولياء
المعروفين السالكين والمجذوبين وثمرة هذه الولاية نسيان ما سوى الله سبحانه وزوال العلم الحصولي
من القلب فان حصل الترقي من هذا المقام وصل الى الولاية الكبرى التي هي ولاية الانبياء وهم سلام
وفيها يحصل تهذيب النفس الامارة بالسوء وفناؤها واطمئنانها فتصير مطمئنة وتشرف بخطاب ايتها

يا ايتها النفس المطمئنة ارجعي الى ربك راضية مرضية اي بسبب حصول الاطمينان والفناء صارت اهلا
لمشاهدة ربه تعالى ورضي الله عنها ورضيت عنه فادخلي في عبادي اي في عباد المخلصين بفتح اللام
بعد الخاص من المخلصين بكسر اللام وادخلي جنتي اي جنة ذوق المعارف وفهم الاسرار وفناء هذه الولاية العظمى
عبارة عن زوال العلم الحصولي وزوال العين والاثر وحصول شرح الصدر وارتقاء النفس المطمئنة على سرير
الصدر وترك الوطن واختيار جوار الصالحين وانكشاف التوحيد الشهودي كما انكشف في الولاية الصغرى
التوحيد الوجودي والفرق بين التوحيد الوجودي والشهودي ان التوحيد الوجودي عبارة عن
انكشاف سريان الوجود في مراتب الامكان وفي كل ذرة من ذرات وفي هذا المقام يترنم بهذه الابيات
شعر البحر بحر على ما كان في قدم ان الحوادث امواج وانهار فلا يحجبنك اشكال تشاكلها
عمن تشكل فيها وهي استار لا آدم في الكون ولا ابليس لا ملك سليمان ولا بلقيس فالكل عبارة
وانت المعنى يا من هو للقلوب مغناطيس رق الزجاج ورقت الخمر فتشابها وتشاكل الامر فكأنما
خمر ولا قدح وكانما قدح ولا خمر والتوحيد الشهودي عبارة من شهود الحق واختفاء الكثرة عن النظر لا في
الواقع فافترقا فافهم فاذا حصل التوحيد الشهودي لا بد انكشاف من حصول الفناء الاتم وانكشاف التوحيد الوجودي
ليس بضروري للسالك اذ لا دخل له في حصول الفناء ولهذا منع امام الطريقة المشتهر بشاه نقشبند قدس سره
طريقة السالكين التي لا ينكشف فيها التوحيد الوجودي صيانة عن زلة القدم بسبب الجهل عن المعارف
العلية والمطالب السنية فاللازم على كل طالب الايمان بهذه العلوم الشريفة لا السعي في انكشافها
بل السعي في الذكر والفكر والاشغال والمراقبات واداء الطاعات من الفرائض والواجبات والنوافل
الماثورات فانا قال الله سبحانه فاذكروني اذكركم واشكروا لي ولا تكفرون واي مرتبة اعلى من ان
يذكره المحبوب في ملا خير منه ورد في الحديث القدسي من ذكرني في نفسه ذكرته في نفسي ومن ذكرني في ملا ذكرته
في ملا خير منه فلا ينبغي للطالب ان لا يخلو وقت من اوقاته عن الذكر الالهي مع ملاحظة عدم نواله والذكر اعم

سعید مجددی النسبا و طریقةً بعد اهدای هدیه مرضیه من السلام المسنون و التحیة و دعوات ترقیات
القولیة و الفعلیة مکشوف خاطر عاطر باد حاجی الحرمین الشریفین مقبول رب المشرقین و المغربین
حاجی دولت محمد صاحب از خلفای حضرت شاه صاحب حضرت امام ربانی قدس سرهما در انجا تشریف میدارند
بودن ایشان در انجا از غنائم شمرند که بسیار عزیز الوجود اند و موجب برکت در ان نواح اند رضائی ایشان
رضای جمیع حضرات است و ایذای ایشان ایذای تمام مشائخ ... خاطر فیض مظاهر حاجی صاحب
موصوف از همه مقدم دارند و کلام زید و عمر در حق ایشان گوش نفرمایند انشاء الله تعالی از دعای شریف ایشان
فتح و نصرت سامی بر اعداء خواهد شد اطلاعا گذارش ساخت و السلام مکتوب نود و نهم بسردار غلام حیدر خان
فرزند دوست محمد خان امیر کابل صدور یافته بهم بر حی بسم الله الرحمن الرحیم زبدة خوانین بلند مکان عمدة ارکین
عالیشان سردار غلام حیدر خان صاحب سلمهم الله تعالی از فقیر احمد سعید مجددی النسبا و طریقةً بعد از سلام
مسنون و دعوات ترقیات مشحون مکشوف خاطر عاطر باد حاجی الحرمین الشریفین مقبول رب المشرقین
و المغربین حاجی دولت محمد صاحب از خلفای حضرت شاه صاحب و حضرت امام ربانی قدس سرهما در انجا تشریف
میدارند بودن ایشان در انجا از غنائم شمرند که بسیار عزیز الوجود اند و موجب برکت در ان نواح اند
رضای ایشان رضای جمیع حضرات است و ایذای ایشان ایذای تمام مشائخ است استرضای خاطر
فیض مظاهر حاجی صاحب موصوف از همه مقدم دارند و کلام زید و عمر در حق ایشان گوش نفرمایند انشاء الله
تعالی از دعای شریف ایشان فتح و نصرت سامی بر اعداء خواهد شد اطلاعا گذارش ساخت و السلام
مکتوب صدم بمیر ... ایشان دولت محمد صدور یافته در بیان دعای ترقی ارشاد الی یوم القیام و ذکر ... سیر
سلوک ... بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعز ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی و عافاه و بلغه
الی غایة ما تمناه از فقیر احمد سعید مجددی کان الله له عوضا عن کل شیء بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون
مطالعه نمایند ... طیبا مبارکا فیه مبارکا علیه کما یحب ربنا و یرضی که احوال فقرای امیدوار موجب

من ان یکون بالجنان او باللسان من اسم الذات و النفی و الاثبات و صلی الله علی سیدنا محمد
النبی الامی و آله و اصحابه اجمعین مکتوب صد و یکم بصاحبزاده عالی تبار حضرت شاه غلام صدیق صاحب
قدس سره صدور یافته در بیان اکثر عنایات حال فقیر الیه عنایات ... حضرت ... و ...
بسم الله الرحمن الرحیم بجناب فیضمآب صاحبزاده عالی مرتبت و الا مناقب سلالة الاکابر و الاماجد حضرت شاه
غلام صدیق صاحب دام عنایاتهم ... بعد از السلام و اشتیاق ملاقات سراپا برکات گذارش مینماید عنایت
نامه عالی بورود مسعود فرحت بی اندازه رسانید الله تعالی باین یاد آوریها تا دیرگاه سلامت بالکرامت مشغول
خلائق فرماید تا نیاز عرض آنکه درین ایام چونکه عزل و نصب در ان نواح واقع گردید لهذا مکرر عرض مینمایم
که حاجی صاحب در انجا مباشند و درین وقت آنجا حضور بسیار میباشد امیدوار که آنجناب حامی ایشان و معین و ناصر باشند
که از خلفای حضرت مشائخ سامی اند عنایت بر حال شان بعینه عنایت بر حال فقیر است و الاجمال عندکم مغنی
عن التفصیل و السلام مکتوب صد و دوم بحاجی ... صدور یافته در بیان آنکه این فقیر از خلفای حضرت شاه صاحب
و حضرت امام ربانی قدس سرهما است بسیار عزیز الوجود رضا و نا رضای فقیر رضا و نارضای مشائخ است
بسم الله الرحمن الرحیم جامع علوم معقول و منقول کاشف فروع و اصول خانخان صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید مجددی
النسبا و طریقةً بعد از سلام مسنون و ترقیات مشحون مطالعه فرمایند حاجی الحرمین الشریفین مقبول رب المشرقین
و المغربین حاجی دولت محمد صاحب از خلفای حضرت شاه صاحب و حضرت امام ربانی قدس سرهما در ان نواح تشریف
میدارند و بسیار عزیز الوجود اند رضای خاطر شریف حاجی صاحب موصوف رضای همه حضرات است و ناخوشی
ایشان ناخوشی جمیع مشائخ ما است پس استرضای خاطر شان از همه مقدم شناسند و در گفته زید و عمر در حق
ایشان گوش ننهند انشاء الله تعالی دعای ایشان موجب ترقیات عالی خواهد شد اطلاعا گذارش ساخت و السلام
مکتوب صد و سیوم بامیر دولت محمد خان والی کابل صدور یافته ... بسم الله الرحمن الرحیم زبدة خوانین
بلند مکان عمدة ارکین عالیشان امیر دولت محمد خان صاحب ادام الله ظلاله ... از فقیر احمد سعید

حمد و سپاس بی قیاس حضرت حق سبحانه و تعالی راست و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و حفاظتکم عن
جمیع الآفات الظاهرة والباطنة و ترقی ارشادکم یوماً فیوماً و ارشدکم آناً فآناً الی یوم القیمة بحرمة
سید الخاص و العام علیه الصلوة والسلام من خالق الانام قبل ازین جواب مکتوب ایشان مع کیسه مبلغ
صد و سی و پنجاه عدد مسواک بر سبیل تبرک ارسال داشته‌ام ان شاء الله تعالی رسیده باشد خاطر عاطر مطلع فرمایند
قوت القلوب مسلم جلد آخر از صحاف مجلد کنانیده بدست رمضان خان فرستاده شد ان شاء الله تعالی خواهد
رسید و قدری نبات تبرک نیز مرسل است فرزندی محمد مظهر درین ماه در خلوت خانه خواهد شد و از مولوی
عبد الرشید و محمد عمر درویشان سلام قبول فرمایند همه یاران آنجا مخصوص به دعا اند مکتوب صد و یکم بنام
دولت محمد خان والی کابل صدور یافته در بیان التماس دعا فقیر متضمن تاریخ لا تقدر بخدمت شریف برادر
عالیشان بلند مکان عمدة الخوانین زبدة الاراکین دولت محمد خان صاحب سلمه الله المنان المرحب از فقیر احمد سعید
مجددی نقشبندی طریقه عفی عنه بعد ادای تحیه من السلام المسنون و التحیه و دعوات ترقیات دارین مع
العافیه مکشوف خاطر عاطر آنکه حاجی الحرمین الشریفین مقبول رب المشرقین والمغربین حاجی دوست محمد صاحب
سلمه الله تعالی از مخلصان حضرت شاه صاحب قدس سره در نواح قندهار سکونت مستمر دارند و میدارند و در ارشاد طالبان
حق جل و علا مشغول میباشند حمایت و کفالت ایشان بر ذمه علیا لازم شناسند زیرا که اکثر مردم آنجا از
سبب حسد و کینه عداوت با ایشان میدارند و آزارها میرسانند پس حکام و دولت [illegible]
[illegible] ضروری است تا اهل الله بفراغ البال مشغول بحق باشند و در دعا برای [illegible] یار
مدارج حکام و دولت [illegible] وجود درویشان باعث [illegible] است و در ملک [illegible] عامه
درویشان متضمن تاریخ لا تقدر و لا تحصی است والسلام مکتوب صد و دوم بقاضی مولوی احمد سعید [illegible] صاحب
[illegible] قاضی کابل بوده صدور یافته در بیان [illegible] بودن فقیر [illegible] و ما
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله العلی الاعلی و الصلوة والسلام علی رسوله المجتبی [illegible]

[illegible] سپس از فقیر احمد سعید عفی عنه بخدمت قاضی القضات مروج شریعت غرا مربی علم و علما جامع
معقول و منقول حاوی فروع و اصول مزین کاشانه تقوی مبین رموز اهتداء ملاذ العلماء
الاعلام معاذ فحول الانام قاضی القضات مولوی محمد سعید آخوند زاده المعروف بملا [illegible] صاحب
مجدهم و تقویهم اینکه الحمد لله که تا تحریر رقیمه حال فقیر قرین عافیت و المسئول من الله سبحانه صحتکم و
استقامتکم علی الشریعة نامه سامی و صحیفه گرامی بورود مسعود فرحت فراوان رسانید الله تعالی باین یاد
آوری سلامت باکرامت داشته مروج شریعت غرا داراد بعد ازین بر خاطر عاطر مخفی مباد که اخوی اعزی
ارشدی حاجی دوست محمد صاحب سلمهم الله تعالی مخلص فقیر و خلیفه اینخاندان هستند در ان نواح سکونت
میدارند هر گونه معاونت که با ایشان نموده خواهد شد موجب اجر جزیل و باعث خوشنودی حضرات کبار است
فقط والسلام خیر الختام مکرر آنکه بودن حاجی صاحب [illegible] در آن دیار دولتی است عظمی و غنیمتی است کبری لحظه
ملاقات شان عمری در طاعت شمارند و این کبریت احمر که سهل الوصول است غنیمت الکار فرمایند [illegible] دادیم
تراز گنج مقصود نشان مکتوب صد و سیوم در وصیت نامه ازین فقیر باصحاب و احباب خود صدور یافته
بسم الله الرحمن الرحیم بعد الحمد و الصلوة فقیر دوست محمد کان الله له در صحیح مینماید که بموجب حدیث شریف آنحضرت
وصیت کردن ضرورت لهذا اصحاب و احباب خود را وصیت میکنم که ابداً فیما بین خود نزاع و جدال نکنند
و با یکدیگر شیر و شکر باشند و حلقه و مراقبه بدستور قدیم معه ختمات مشایخ کرام رحمة الله علیهم لازم گیرند
و نشر علوم شرعیه و درس کتب صوفیه خصوصاً مکتوبات شریفه حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی قدس سره
و نفحات و عوارف المعارف واجب شناسند و خلیفه که جانشین من باشد در تعظیم و احترام ش قصور
نسازند و وی را مثل من دانند و انقیاد و اطاعت او بجان و دل ورزند و در حلقه و توجه او داخل بوند
و اتباع سنت سنیه و اجتناب از بدعت نامرضیه و صبر و توکل و قناعت و رضا و تسلیم و دوام اشتغال مع الله
سبحانه و اعراض از [illegible] و التبتل و الانقطاع عن الخلق و الاقبال الی الله و ترک الدنیا و اهلها و فخر

دولت خود در هند و صلی الله علی سید نا خیر خلقه محمد و آله و اصحابه اجمعین **مکتوب سوم و چهارم از جناب حضرت**
صاحب قدس سره بنام این کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان اجازت چند اعمال باین فقیر
بسم الله الرحمن الرحیم اذا جاءک من تیألم من راسه او توجع الرأس فخذ لوحا طاهرا وضع علیه رملا
طاهرا واکتب بمسمار ابجد هوز حطی ثم اشر بالمسمار علی الالف واقرأ الفاتحة مرة وصاحب الالم
واضع اصبعه علی موضع الالم بقوة ثم اسأله هل شفیت فان شفی فبها والا انقلت المسمار الی الباء
واقرأ الفاتحة مرتین وسائله کالاولی فان شفی فبها والا انقلت الی الجیم وقرأت الفاتحة ثلثا
وهکذا فلا تصل الی آخر الحروف الا وقد شفاه الله تعالی ۰ اذا عنت لک حاجة او کان لک غائب واردت
ان یرجعه الله تعالی سالما غانما او کان لک مریض فاردت ان یشفیه الله فاقرأ سورة الفاتحة احدی
واربعین مرة بین سنة الفجر وفرضه ۰ ومن عضه الکلب المجنون وخیف علیه الجنون فاکتب له هذه
الآیة علی اربعین کسرة من الخبز انهم یکیدون کیدا واکید کیدا فمهل الکافرین امهلهم رویدا ومره
ان یاکل کل یوم کسرة ۰ من خاف ذا سلطان فلیقل کهیعص کفیت حمعسق حمیت ویقبض کل اصبع
من الید الیمنی عند کل حرف من اللفظ الاول ومن الیسری عند کل حرف من الثانی ثم یفتحهما جمیعا فی
وجه من یخاف ۰ وتعویذ الطفل بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بکلمات الله التامات من شر کل شیطان وهامة تعویذ جنون
ومن کل عین لامة تحصنت بحصن الف الف لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ۰ اذا ظهر مرض الحصبة فخذ خیطا
ازرق واقرأ سورة الرحمن وکلما مررت علی قوله تعالی فبای آلاء ربکما تکذبان فاعقد عقدة وانفث
فیها وعلق الخیط فی عنق الصبی یعافیه الله تعالی من ذلک المرض ۰ اجازت اعمال مرقومه کا حب خادم
صد دوم بنام این کمینه درویشان دولت محمد بوقت عزم شریف جناب حضرت ایشان قطبی به دهلی
بعزم حرمین شریفین زادهما الله سبحانه تعظیما وتکریما از دهلی به لاهور صدور یافته در بیان طلب
شتران برای سواری و اسباب بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله فرخی ارشد [illegible] حبیب سلام [illegible] تعالی

خالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون مطالعه فرمایند فقیر فردا که تاریخ دهم ربیع الثانی از لاهور اطراف
دیره اسماعیل خان روانه خواهم شد انشاء الله تعالی وتا شاهپور [illegible] جا کرایه کرده لازم که پانزده
شتر قطار نموده از ان معه گاوه دیگر برای اسباب بزودی تا شاهپور روانه فرمایند تا از انجا بر شتران
سوار شده بیائیم باقی حالات هذه اللقاءات در انجا خواهد شد والسلام **مکتوب پنجم و ششم بنام ایشان جناب**
حضرت قدس سره که هندوستان وخراسان سکونت دارند در حین حاضر بودن وقت وداعی جناب
حضرت صاحب قدس سره بحرمین الشریفین زادهما الله تعالی شرفا وارادته از شهر دیره اسمعیل خان صادر
یافته در بیان انکه این فقیر را بجای حضرت دانند ومتضمن اجازت عامه باین فقیر دعا یا جانب ذلک
الحمد لله افضل الحمد واجله واعلاه کما یلیق بجناب قدسه تعالی والصلوة والسلام علی سید الوری کما ینبغی
ویحری وعلی آله التقی واصحابه النقی اما بعد باعث این سطور آنکه از مدت آرزوی زیارت حرمین
شریفین زادهما الله شرفا واکراما در دل بود حالا ارادهٔ الهی سبحانه بآن منضم گردیده وبنیت طواف
آنجا راسخ شده متوجه گردیده ومع اهل وعیال شدیم الله تعالی انجام خویش بکار سازیه لهذا مرقوم
میسازم بر یاران خود که در هندوستان وخراسان سکونت میدارند که بجای من مقبول بارگاه الله
حاجی دولت محمد صاحب را که خلیفه من اند بدانند وتوجهات از ایشان گرفته باشند ومن خلیفتی ودیده که
فطوبی لمن اهتدی به فهو خلیفتی علی الاطلاق بای طریق یامرکم فعلیکم بامتثاله ولا یجوز العدول
عن حکمه اللهم اجعله هادیا ومهدیا واجعله للناس ظهرا علی سبیل الدوام والاستمرار وزد فی عمره ورشده
وصلاحه وفلاحه یا رب العالمین بجاه سید المرسلین صلی الله علیه وعلی آله واصحابه اجمعین ویرحم
الله عبدا قال آمینا والسلام اولا وآخرا **مکتوب هفتم بنام این کمینه درویشان دولت محمد ایشان [illegible]**
[illegible] از شهر [illegible] صدور یافته در بیان اجازت [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم
بعد حمد و صلوة فقیر احمد سعید مجددی عفی عنه واضح نماید که فقیر باراده الله سبحانه از دهلی شریف

متوجه حرمین شریفین گردیم و خانقاه و مکانات محل سرائی خود و تسبیح خانه حواله خلیفه خود جهت
بارگاه احمد حاجی دوست محمد صاحب سلمه الله تعالی نمودم و حاجی صاحب را اختیار دادم خواه خود ساکن
در آنجا باشند یا خلیفه خود را دارند لهذا این چند کلمه نوشته دادم که سند باشد و بوقت حاجت
بکار آید و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله و اصحابه اجمعین محرره بتاریخ شانزدهم جمادی الاول
سنه هجری مکتوب بیست و ششم بصاحبزادگان عالی تبار که از اولاد و امجاد حضرت امام ربانی مجدد
الف ثانی قدس سره بکابل تشریف داشتند ایشان بوقت رسیدن مقدم الموصوف صادر شده
در بیان التزام رابطه نسبت حضرت نقشبندیه کرام قدس سرهم که عزیز الوجود است این فقیر را نسبت
شریفه این بزرگواران معلوم است اعراض میکرده باشند و غیر ذلک بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله و سلام
علی عباده الذین اصطفی اما بعد بخدمت برادران عزیز از جان بلند مکان عالی اقتدار ان سلاله
خاندان خلاصه دودمان صاحبزادگان میان غلام رسول صاحب و میان غلام فاروق صاحب و میان محمد عمر
جان صاحب و میان محمد انس صاحب و میان غلام محمد صاحب از فقیر احمد سعید مجددی الاحمدی کان الله له بعد از
اسلام مسنونه و دعوات ترقیات مشحونه واضح باد که احوال فقیر مع فرزندان و متعلقان بفضله تعالی و تقدس
بالخیر و العافیه و المسئول من الله تعالی عافیتکم و استقامتکم قبل ازین در سال گذشته تعزیت نامه والده ماجده آن
عزیزان بخدمات گرامی مرسل کرده بودم امید که بشرف مطالعه گذشته باشد و الحال فقیر مع فرزندان و متعلقان
روانه حرمین شریفین است زادهما الله سبحانه شرفا و تعظیما و تا دیره اسمعیل خان رسیده ملاقی بجناب صاحب
شده که ایشان کشتی نموده باز روانه ام حق تعالی بخیریت مشرف بزیارت شریفه حرمین شریفین گرداناد شما
هم پس پشت فقیر را بدعوات قبولیه خود یاد کرده باشند فقط درین زمان که نسبت آبا و اجداد شما
که حضرت نقشبندیه کرام اند نهایت عزیز است لازم که مثل اسلاف خود بر حفظ نسبت شریفه کوشش کرده باشند
تا برکات و تاثیرات آن بزرگواران آباد و دلان باشند و از اتفاقات الهی خلیفه

خلیفه حضرت نقشبندیه که حاجی صاحب اند سلمهم الله تعالی در حوالی آنجا میباشند بالیشان براهی
کسب نسبت و استفاده و استفاضه آمد و رفت میکرده باشند که ایشان چراغ دین و از نسبت شریفه
این بزرگواران ممتلی اند بلکه در ان دیار مثل ندارند بیت دادیم ترا ز گنج مقصود نشان * گر ما نرسیدیم
شاید که شما برسید و السلام خیر ختام از طرف فرزندان سلام مسنون قبول فرمایند مکتوب بیست و هفتم
بصاحبزاده والا قدر فرزند خود عالی تبار جامع کمالات باطنی و ظاهری اخوند مولوی حاجی نور محمد
مظهر قدس سره صدور یافته در بیان رضا بقضائی حق تعالی و ما یلائم ذلک بسم الله الرحمن الرحیم
فرزندی اعزی ارشدی سلمه الله تعالی بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند خط شما متضمن
بر رسیدن اکبر آباد رسید فرحت رسانید نوشته بودند که گویا در خانه نشسته ام هیچ کلفتی نیست سال
بجای نموده خود خانه اختیار ارادی حسبی الله و نعم الوکیل بیت لستی که خوریش حلکسی که ما خبر نیست بیارا از
قضا و حق گله بیت هر چه آمد بر سرم چو خوش نشستی روحت * بنده چو دعوی کند حکم خداوند راست *
اگر رضا تو امید دست نامرادی مالت * مراد خویش دگر بار من نخواهم خواست * اللهم وفقنا لما تحب و ترضی
و رجل اخرتی خیر من الاولی باقی در خانه تا یوم التحریر به صغیر و کبیر بخیریت اند از والده و برادران
و همین اهل خانه و رست الجمیل و جمیع صاحبان و دوستان سلام برسد میان عظیم الله صاحب و سید امیر
و محمد بخش و عبد الغفار و میر عبد الله و ملا سکندر و تمام اتفاق فضل معصوم و ماما و غیرها سلام خوانند در
خانه همه جان خیریت است السلام مکتوب بیست و هشتم بصاحبزاده ممدوح صدور یافته در بیان توکل
بر حق و تجارت گذاشته مردانه رفتن فرزندی اعزی ارشدی سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از
سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند خط گوالیار رسید مندرجه مفهوم گردید ایها المحکم
ایما گفتم الا که رفته مردانه برو و توکل بر حق سبحانه دارند بیت او به خرقه درویش را * ادعا ما
سیماب بیت کار سازی خواهد فرمود سوره لایلاف یازده بار صبح و یازده بار شام ورد

نمایند حزب البحر را هم اکثار نمایند اعوذ بکلمات الله و بسم الله الذی بیست و سه بار وقت کوچ و مقام خوانده
باشند باقی احوال اینجا معروف آنکه بحمد الله تعالی از والده خویش و برادران و اهل خانه و نور چشمان و همه
اقربا ما خیر برسد مکتوب هجده و یازدهم نیز بخدمت مولوی موصوف صدور یافته در بیان رده حجر و فرزندگی
بسم الله الرحمن الرحیم فرزندی اعزی ارشدی سلمه الله تعالی بعد از سلام مسنون مطالعه نمایند مکتوب شما مشعر ور
رسید خاطر حزین را نوعی طمانیت گرداند آنچه شما را نظر آن سیر حج در رجوع بوده اگر از ناسازی طالع باشد
هم ساختند لیکن معلوم شد که از نواب غوث محمد خان در اندور ملاقات یا شد شده باشد و فقیر وقت سحر دعا
برای شما لازم گرفته است الله تعالی قبول فرماید و جامه در همه امور ظاهری و باطنی سازد آمین والده شما هم
بسبب هجر ایشان مضطرب و پریشان میباشند الله تعالی جا او ذرا بار رساند نور چشم عبد الجلیل محمد والده خود
در یاد ایشان بسیار میباشند و دیگر همه اقارب جز عام و خاص مع الخیر مشغول اند از همه کبیر و صغیر سلام برسد
در خانه محمد عمر تا این وقت تولد نکردید مولوی محمد نواب برائی ادای این رسم گوی الیار رفت میان عظیم
الله و سید امیر علی و عبد الغفار و ملا سکندر و میر عبد الله و محمد بخش و غلام نبی دعا و غیرهم سلام خوانند
و در خانه همه خیریت است مکتوب صدور و دوازدهم هم بصاحبزاده مولوی محمد صدور یافته در بیان منع
از تجرد و بکار نکاح نمودن بسم الله الرحمن الرحیم فرزندی اعزی ارشدی ثمره فوادی سلمه الله تعالی و حفظه من
جمیع الآفات از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات دارین امان مشحون مطالعه نمایند
مکتوب آن قرة العین از بمبئی مشتمل بر رسید مع الخیر در آنجا و نزول در مکان میان محمد حسین صاحب
رسید احوال معلوم شد بشنیدن وضوح الحال بسیار خوشی فقیر از فرزند خواهد شد که از زیارت حرمین شریفین خالی
گردیده در بمبئی رسیده خواهند دوست که حالا توجه حضرت بر ملی مشهوم حق تعالی قادر است که ادم بطور نوع
اسیرم بیاد و مایه خویش دادم حساب گم خوش وقتی و خویم روزگاری که یاری بر خورد
از وصل یاری برافروزد چراغ آشنائی را از داغ جدائی ارحم الراحمین خود سالم

منافع نخواهد ساخت نوشته بودند که درازی عمر ایشان از عمر خود میخواهم لقد تجربت و استغفار ز حی جل
و علا چه کم است سبحانه اللیل و النهار لا یعصیه شی یمحو الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب کم از و
نخواهند آنچه در قسمت نیز آن در هر شمه از دست عطائی بی نهایت اوست اگر هر فرد را عمر حضرت
نوح علی نبینا و علیه السلام بدهد یک ذره از ملک او کم نشود ای برادر بی نهایت درگهی است آنچه به او
نجیر و اسع نکند آنچه از ایذای رفقا و تحمل خود مرقوم بود الله تعالی زیاده صبر و تحمل عنایت فرماید
و با خلاق محمد علی صاحبها الصلوة و السلام متصف گرداند بدی را بدی سهل باشد جزا اگر مردی
احسن الی من اساء بزرگان فرموده اند که هر که سه خصلت دارد محبوب خدا است سخاوت چون سخاوت
دریا و شفقت مانند شفقت آفتاب که بخیل پاک میسازد و تواضع مثل تواضع زمین الله تعالی این
درمانده را و متعلقان او را باین صفات متحلی گرداناد آمین بعد رکوب بحر حزب البحر زیاده از عادت کنند
که سودمند خواهد شد انشاء الله تعالی و از هر جا که عمل بکشد خبر خیریت خود نویسان باشند و از حلقه دعا هم
خارج نباشند ازان کم نامه تو بر درگاه باشد از والده و اهل خانه و نور چشم و برادران هم اهل
و فرزندان ما در بر رسد خطوط مرسله هر یک و پیغام محمد بخش رسانیده شد میان عظیم الله و سید امیر علی
و ملا سکندر و میر عبد الله و عبد الغفار و همه رفقا دعوات مخصوص خوانند از عبد الله شاه و همه دوستان
سلام خوانند مکتوب سیزدهم هم بصاحبزاده ممدوح صدور یافته در بیان آنکه بما صاحب عنی حق تعالی
نمودن باید بسم الله الرحمن الرحیم فرزندی اعزی ارشدی مولوی محمد مظهر سلمه الله الاکبر از فقیر احمد سعید
بعد سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند مکتوب مرغوب مورخه بیست و نهم جمادی الاولی
بهفتم جمادی الاخری بورود مسعود گسترانید مرقوم بود که تا هنوز جهاز بهم نرسید سبب آن کثرت
بود که کم بهم رسیده اکنون باید نوشت اینجا مسموع گردید که در حرمین شریفین جنگ فیما بین ترک
و دو بیسن افتاده است و راه طریق حرمت اگر این خبر صحیح باشد رفتن تا کنه دو نیست اما به ناکح

گر بجناب مرتضی حق مثل آن عزیز از جان محبت کی یعنی رای خود داند سید الفصیح گرشن کن جانان کز
از جان دگستر دارد بدر جوانان سعادت رسید بپیر دانا ما را اعتقاد بسیار بود در جمع که واقع شد هیچ مغفرت شد
حالا کی خواهد شد کوشش اینبار در آن شده است نشود الا انشاء الله مرا حسبی الله و نعم الوکیل
نعم المولی و نعم النصیر از والده و برادران و ام الفضل و امة الجمیل و جمیع اقارب و دوستان
و تاری قاسم صاحب سلام دعا برسد در خانه هر رفقای ایشان خیریت است میان عظیم الله صاحب
و سید امیر علی و عبد الغفار و ملا سکندر و میر عبد الله و غیرهم سلام خوانند ما را بعد دعا معلوم باد که
پانزده روپیه تحیة بر فقرای شما نزد زوجه مولوی صدر الدین است اگر مطلوب باشد فرستاده شود
و مبلغ چهل روپیه میرزا قطب الدین نام بنام مولوی [illegible] و تفصیل آن چهل روپیه غفور
بخش و پنج برای حج والده عزیز الدین و دو روپیه همراه ایشان نیز [illegible] تا هنوز نرسیده آن معلوم نگردید
باید نوشت مکتوب صد و چهاردهم نیز [illegible] صدور یافته متضمن دعا فرزندی اعزی
ارشدی سلمه الله تعالی و جعله الی غایة ما یتمناه از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات کونین مطالعه
نمایند مکتوب مرغوب مع خطوط [illegible] حرمین شریفین حماهما الله تعالی و ساکنیهما از شر حاسدین شر المفسدین
رسید مندرجش معلوم گردید الله تعالی همیشه آن بلاد را و سکان و زوار آنها را از شر اشرار محفوظ دارد
و آن فرقه لعین را بمرام و مطلب فایز نگرداناد و این فقیر را نیز تمنای قلبی شرف ساز زاد دعای فقیر از جناب
الهی سبحانه همین است که آن فرزند را بزیارت حرمین شریفین مشرف گرداند و بزودی تمام صحت
و عافیت عام نزد فقیر رساند آمین یا رب العالمین و یرحم الله عبدا قال آمینا [illegible] سمیع مجیب علیم بذات الصدور
بجناب جهان مالک ضمیر منیر روشن است اظهار احتیاج خود آنجا چه حاجت است از والده خویش [illegible]
مضمون [illegible] است از اهل خانه خود و امة الجمیل و برادران دعا و جمیع اقارب و دوستان [illegible] غلام محمد
سلام برسد بجمیع رفقا سلام برسد مکتوب صد و پانزدهم بشیخ جمال الدین [illegible]

بجزیره سینی که یکی از جزایر المفسدین غوث ربانی قطب جهان جناب حضرت غلام علی شاه صاحب
قدس الله تعالی سره [illegible] صدور یافته متضمن دعا و در جای الحمد لله [illegible] مودت بهتر از
قرابت است [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم برادرم صاحب کرم فرمای من میان جمال الدین صاحب
سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید مجددی بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات دارین مشحون مطالعه فرمایند
رقیمه گرامی مشتمل بر حالات خویش و ملاقات با فرزندی اعزی سلمه الله تعالی و امین گردیدن در حرمین
شریفین بورود مسعود مسرت تمام رسانید و از مکتوب فرزندی اعزی اخلاص و محبت و خاطرداری آنصاحب
و خدمتگذاری بنسبت فرزندی بوضوح انجامید جزاکم الله سبحانه خیر الجزا الله تعالی در حال آنصاحب برکات
بی اندازه عنایت خواهد فرمود انشاء الله تعالی از ارقام شریف باب امن شدن حرمین شریفین حماهما
الله تعالی من شر المفسدین اطمینان [illegible] حالا فرزندی را اجازت دادم که توکلا علی الله بر مرکب سوار
شده فائز بمقصود شده بزودی معاودت بخانه خود نماید اللهم کن له معینا و کفیلا و حافظا فی البحر
والبر بجاه حبیبک المطهر صلی الله علیه وسلم افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد لکن آنصاحب
را لازم است که بعد رفتن فرزندی از احوال ایشان آنچه معلوم شود فقیر را مطلع فرموده باشند که
دل فقیر از فراقش بی آرام میباشد الله تعالی براد دلها برساند حسبی الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم
النصیر نسخه فرزندی در سالها تصحیح رسیده است او تعالی باقصی الغایات رساند و در عمرش برکت
کرامت فرماید بنده در امر حالا چنانچه برای فرزندی دعا گفته میشود برای آنصاحب که اخوت دینی
دارند نیز دعا التزام خواهم کرد زیرا که مقوله حضرت پیر دستگیر قدس سره است که ارتباط مودت بهتر
از قرابت است خدمت فرزندی خدمت همه پیران است تقبل الله تعالی منکم و ضاعف اجرکم و یسر امورکم
و حصل امانیکم بحرمة سید البشر علیه الصلوة والسلام من الله الاکبر والسلام از شاه غلام محمد سلام قبول نمایند

میان عزیز الله صاحب را از طرف فقیر سلام مسنون رسانند مکتوب صد و شانزدهم که تعالیق رحارف تحریر
میان عبد القدیر صاحب که یکی از عزیزان حضرت ایشان اند قدس سره صدور یافته در بیان آنکه صحبت
غنیمت است و امثال آن براد ر عزیز و افر تمیز میان عبد القدیر صاحب سلمه الله از فقیر احمد سعید
بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند مکتوب مرغوب بعد مدت ورود نمود و مسرت ها
رسانید لکن معلوم نشد که حالا اراده حرمین شریفین باز کرده اند یا اقامت در ممبئی خواهند نمود اگر عزم
حرمین شریفین باشد از فرزندی الشیخ محارف فقیر است اخذ علوم و اسرار باطنی ضرور نمایند که
فرصت غنیمت است تا بار دیگر فرصت ملاقات فقیر شود یا نه و فائده ملاقات همین است که عرفان حضرت
حق سبحانه حاصل شود و از نسبت حضرت نصیب کامل روزی گردد و السلام از فرزندی مولوی عبد الرشید
و حافظ محمد عمر و حافظ محمد عظیم سلام خوانند مکتوب صد و هفدهم بصاحبزاده حافظ محمد عظیم صدور یافته در بیان
رخصت دادن بوطن مالوف خویش و غیر ذلک بسم الله الرحمن الرحیم فرزندی اعزی ارشدی حاجی الحرمین
الشریفین سلمه الله تعالی و اوصله الینا عاجلا از فقیر مبتلا بهجران شدید احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون و دعوات
مراجعت عاجلا مشحون مطالعه نمایند الحمد لله که تا تحریر این سطور بهم محرم است احوال فقیر مع متعلقان مستوجب حمد است
و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و مراجعتکم سالما و غانما عاجلا و یرحم الله عبدا قال آمینا الله تعالی شما را بزودی
داخل وطن مالوف ساخته مهجوران را شاد و کام ساز د *بیت* خوش است وقتی و خورم روزگاری که یاری برخورد
از وصل یاری برافروزد چراغ آشنائی رهائی یابد از داغ جدائی و آنچه شکایت عدم رسیدن
جواب خطوط مرقوم نموده جوابش اینست که فقط خط ایشان از عدن رسیده بود جوابش نیز در همانجا
نوشته ملفوف خط شیخ جمال الدین صاحب فرستاده بودم تعجب که نزد آن قرة العین نرسیده حالا روز و
شب انتظار خط ایشان بود حالا انتظار رسیدن که معلوم وقت روانگی از مدینه منوره معظمه ... رسید

رسید و تسکینی داد الله تعالی تسکین تام عنایت فرماید و خط داخل شدن در ممبئی متوجه شدن
اینطرف بجاید این ام الفضل دامت الجمیل که شیخ احمد فرزند ارجمند ایشان که در رمضان المبارک
تولد گردیده الله تعالی معمر و صالح گرداند بخیریت تمام اوقات خود را در یاد ایشان میگذرانند و والده
ایشان شب و روز در یاد ایشان دیده پر آب و جگر کباب میدارند و دعا بعد شوق میرسانند
و اخوین و دیگر تمام اقارب سلام باشتیاق تمام میرسانند از طرف جمیع احباب سلام مسنون برسد
بخدمت میان عظیم الله صاحب و میر امیر علی و عبد الغفار و میر عبد الله و ملا سکندر و محمد بخش و فضل معصوم
و دیگر رفقا سلام خوانند و در خانه همه خیریت است آنچه انعامات در حق خود نوشته الحمد لله علی ذلک
فقیر نیز دیده بود و در خانه بیان کرده اللهم زد فزد آمین حالا در آمدن خود توقف نمایند و السلام
مکتوب صد و هژدهم بصاحبزاده محمد مرزاده کلان عالی تبار مشغول رب حمید مقبول بارگاه مجید حافظ مولوی
حاجی شاه عبد الرشید صاحب قدس سره صدور یافته در بیان آنکه انقال نسبت بطالب از افضل
طاعات است و غیر ذلک بسم الله الرحمن الرحیم فرزندی اعزی ارشدی سلمه الله تعالی و جعله کاباءه الکرام
از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند الحمد لله که تا تحریر که چهاردهم
صفر است احوال اینجا و مستوجب حمد است و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم مکتوب مرغوب بورود
مسعود مسرتها رسانید و سند خوش بوضوح انجامید انشاء الله تعالی بو بهطه پیران کبار طالبان را از ایشان فوائد
کثیره حاصل خواهد شد خاطر را از تیم مطمئن فرمایند و توجهات بلیغه در حق طالبان نموده باشند
افادة شما بهانه ساخته اند شجره منظوم حسب الطلب ایشان ملفوف هذا میرسد انشاء الله المستعان
خواهد رسید و سابق از این نیز خطی فرستاده شد آنهم رسیده باشد غرض آنکه در این آخر زمان
که نسبت حضرت عنقائی مغرب شده متوجه بحال طالبان و القای نسبت ایشان نمودن از افضل
طاعات است الخ و احب عباد الله من حبب الله الی عباده شنیده باشند فقط و السلام برخوردار

محمد معصوم و امة الرشید و میان جمیل الرحمن و حافظ پیر محمد و عبد الرحیم و شرف الدین و خدا بخش
و برات محمد به دعوات مخصوص اند و میان طفیل احمد صاحب و میان نجم الدین صاحب و مولوی ولی النبی
صاحب و میر محمد خان سلام مسنون مطالعه نمایند احوال محمد رضا خان و زین العابدین خان معلوم شده
که نزد ایشان می آید باید که ملاقات نموده باشند از ایشان برنگارند و از والده صاحبه و نور چشمان که
و جمیع اقارب صغیر و کبیر بمراتب درجه خیر باشند و تا حال خطی از میان مظهر مشتمل بر نزول از مرکب رسید بهر گاه
که خواهد آمد خواهم نوشت و از فرزندی محمد عمر و عبد الله ابن عمر سلام مسنون واضح باد و محمد کامل علی خان الخطاب
ولیعهد بهادر نیز از فقیر سلام مسنون رسانند و از کمترین داراین محمد ارشاد حسین بعد سلام مسنون
گذارش آنکه خواهان طریق بتوفیق حضرت حق سبحانه خود بخدمت اقدس مشرف خواهد شد و بعض شده ام
حاجت نگارش تمامی آنها نیست و بخدمت جمیع صاحبان مرقوم الصدر والسلام مسنون مکتوب صد
و نود و سیم الیه بصاحبزاده محمد [illegible] صدور یافته در بیان امر [illegible] محو تجلیه از حسن عبادات
بسم الله الرحمن الرحیم فرزندی اعزی ارشدی احظی سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون
و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند رقیمه کریمه بورود مسعود سر افتخار رسانید احوال داخل شدن
ولیعهد بهادر در طریقه معلوم گردیده لکن حال ادراک توجه و کیفیت استعداد شان و ظهور امر مرقوم
نساختند آنرا هم باید نوشت و توجه بایشان بوجه باید نمود تا چاشنی از نسبت نقشبندیه حاصل گردد و مشغولی
استیلا یابد و شعله عشق سر زند و چون این امر از احسن عبادات است صرف اوقات در آن نیز ضرور است
و احوال محمد رضا خان نیز مرقوم نبود که داخل حلقه میشود یا نه و در آمدن خود رضا خاطر ولیعهد بهادر
مرعید ارتقا از زده خاطر گرده اکنون مناسب نیست و نیز احوال مردمان دیگر که داخل طریق شده اند و حواله
ملاقات فی الجانب مفصل بر نگارند و تا حال خطی از [illegible] از مرکب آن فرزندی نرسیده باید همراه خبر است
از والده صاحبه و اهلیه و نور چشمان ایشان و برادران و علی محمد الله [illegible] جمیع اقارب

تا اهب صغیر و کبیر سلام دعا برسد محمد معصوم و امة الرشید و همه صاحبان الفا به دعوات مخصوص اند و از طرف
والده ایشان برخورداری امة الرشید واضح باد که هر گاه کسیری شما از ملاقات بزرگان آنجا گردد
بمانوقت خادم این طرف شوند و بر خود تکلیف گوارا نسازند و از کمترین خادم ارشاد حسین عفی عنه
بعد سلام مسنون واضح باد که در اوقات مخصوصه فقیر را از دعای خیر فراموش نفرمایند و از مولوی
محمد حسن صاحب نیز سلام مسنون پذیرا باد و میان جمیل الرحمن و اندرون خانه شان و برخوردار
محمد معصوم از فقیر دعوات معقول باد مکتوب صد و بیستم بصاحبزاده محمد صدور یافته در بیان حدیث
[illegible] الی اهل [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم فرزندی اعزی ارشدی حاجی الحرمین
الشریفین سلمه الله تعالی و ادام [illegible] الی غایة ما یتمناه از سوخته دوری و مهجوری احمد سعید مجددی معصومی
بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند که مکتوب مرغوب آن قرة العین و مسرة
الاوفین مورخه بیستم صفر مشتمل از نزول از مرکب و داخل شدن در مینی رسید و دیده دل را مسرت
بی اندازه رسانید فسجدت لله شکرا ولذت ع مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید ع که ز انفاس
خوشش بوی کسی می آید ع اهلا لسعدی للرسول وحبذا ع حب الرسول لوجه حب المرسل ع
الصاف [illegible] ای فلک مینا فام ع ز این هر دو کدام خوبتر کرد خرام ع خورشید جهان تاب تو از جانب
شرق ع یا ماه جهان گیر من از جانب شام ع حالا المنطوق لازم الوثوق من تقضی نفعه فلیعجل الی اهله
[illegible] کرده بودند بزودی مراجعت نمایند چون آن فرزند از صورت [illegible] رسیده بود
حالا از صورت چه کار معیه حضرت حق سبحانه بیایند معیه خواجه امراجه در کارات مولوی محمد نور الهاب
کجا نه رفته اند و قاموس و مثنوی هر دو موجود اند در عوض ربع یا مد حکیم عبد الحق بعد رفقای ایشان
حسنی [illegible] داده بودند حسب المرقوم ایشان حواله محمد عمر نموده ام و در خانه همه اتفاق بخیریت است
تکمیل کلان رسیده [illegible] جارحه [illegible] وبائی انتقال کرده طرف فقیر تعزیت [illegible] عظیم [illegible]

و عبد الغفار و محمد بخش و جمیع رفقا سلام خوانند از والده صاحبه ایشان بعد دعوات ترقیات مضمون اینکه
خط و اجرت از برادران و نور چشمان وهم الفضل و اجب الجمیل کشیخ احمد و دادی اماها و بهوی
صاحبه و اماجان و همه خورد و کلان ما وجب برسد از فقیر محمد ارشاد حسین سلام مسنون و اشتیاق
ملازمت از حد افزون مطالعه فرمایند دو عده دعا که برائی فقیر نموده بودند از خاطر عاطر فراموش نه
فرمایند و هیچ بخیریت مبارکباد و جمیع رفقائی حضرت حمیل میر عبد الله و ملا سکندر و عبد الغفار و غیرهم
سلام مسنون واضح باد مکتوب صدویست و یکم بصاحبزاده کلان صدور یافته در جواب اطلاع دادن
از رسیدن صاحبزاده خورد از سفر حجاز در بمبئی و غیر ذلک بسم الله الرحمن الرحیم فرزندی اعزی ارشدی
سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد سلام مسنون و ادعیه ترقیات مشحون خلاصه مضمون اینکه دیروز خطی
از فرزند برخوردار محمد مظهر مضمون بعافیت رسیدن در بندر بمبئی معه جمیع رفقا از جبل رسید
الحمد لله ثم الحمد لله اطلاعا نگارش یافت و پیشتر که خط ولیعهد بهادر بوصول پیوسته بود که آن
برخوردار بتاریخ یکم ربیع الاول بانطرف مرخص خواهند نمود باید که بعد رخصت نمودن شان معه
برخورداری راهی انطرف شوند توقف نورزند و از همین باعث در فرستادن جانماز و جراغهای
مولد شریف توقف گردید فقط و از طرف همه خرد و کلان ما وجب مطالعه نمایند و از طرف فرزندی
محمد عمر بعد از سلام مسنون اینکه هنگام آمدن خود مولد شریف مؤلفه مولوی حبیب النبی صاحب ابن مولوی
ولی النبی صاحب از هر جا که بهم رسد همراه خود آرند فقط و از فقیر محمد ارشاد حسین سلام مسنون پذیرا
باد مکتوب صد و بیست و دوم بصاحبزاده خورد صدور یافته متضمن اشتیاق و دعا فرزندی اعزی
ارشدی حاجی الحرمین الشریفین سلمه الله تعالی و اوصله الی غایة ما یتمناه از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از
سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند مکتوب مرغوب مورخه هفتم ربیع الاول بورود مسعود
مسرت بار رسانید و خط مورخه بیست و نهم صفر نیز خوشوقت ساخت الله تعالی بخیریت تمام آن قرة العین را بسلامت

بسلامت داخل وطن مألوف ساخته مشتاقان را مسرور سازد لازم که بزودی متوجه این طرف شوند و برائی
ایشان و شیخ صاحب هر روز بعد سحر التزام دعا است ارحم الراحمین دعا و بیچارگان قبول
خواهد فرمود و در تجارت شیخ صاحب برکات خواهد شد انشاء الله تعالی تحجیب باقی احوال اینجا قرین
حمد و سپاس خداوند تعالی است از والدهٔ ایشان و اهلیه و نور بصر شیخ احمد واجب الجمیل
و جمیع بزرگ و خورد ما وجب برسد جمیع رفقا سلام خوانند اخوی اعزی ارشدی عزیز از جان
بلکه از جان بهتر حاجی حافظ مولوی محمد مظهر صاحب سلامت از مشتاق ملاقات عبد الرشید عفی عنه
بعد از سلام سنت الاسلام و اشتیاق حصول ملاقات سلام واضح باد الحمد لله که احوالم بخیر و عافیت
و اشتیاق ملاقات آن عزیز از جان حدی و نهایتی ندارد الله تعالی جل شانه بزودی ملاقات
نصیب کند و دیده و دل را مسروری رساند درین خطها از سلام نیز فراموش کرده اند شکایت
خط بجا است شعر برخاک تشنه شمع فرستاده شگلی مردیم سفینه صاف نشد بدگمان ما مبلغ پنجاه
روپیه را مردار نیه خورد و شل چوار و باجره خورد همراه خود خریده کرده آرند ضرور با لضرور تاکید دهند
از عمرو ابن عمر عفی عنه بخدمت اخوی صاحب و دیگر همه صاحبان سلام مسنون برسد عبد الغفار و ملا سکندر
و میان عظیم الله صاحب و دیگر رفقا سلام خوانند از فقیر محمد ارشاد حسین سلام مسنون نیاز مشحون
و اشتیاق ملاقات از حد افزون و مشکوری ادعیه سامیه اجابت مقرون واضح باد شعر چو با
حبیب نشینی و باده پیمائی بیاد آر محبان باده پیما را مکتوب صد و بیست و سوم بصاحبزاده
کلان صدور یافته در بیان رضا بقضا و متضمن اشتیاق و غیر ذلک بسم الله الرحمن الرحیم فرزندی اعزی
ارشدی سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات و اشتیاق مشحون مطالعه
نمایند مکتوب مرغوب بعد از میعاد آن که دل را بسبب آن تشویش بود رسید بر مضمون حرش مطلع
گردانید بسیار تعجب رو داد چرا از ... آگاه نساختند که دعا میکردم حالا حد انتظار گذشت

تا کی انتظار خواهند کشید چون مفارقت از ارادهٔ الله سبحانه در واقع شد رضا بقضا ساخته متوجه
امید و دل شوند بر کاه رفقا خواهند رسید خواهند آمد بکرر در مفارقت آن قرة العین برابر یک
سال میگذرد از کشاکش اضطراب نجات بخشند که بعد ان ایشان را راحت بیت و سلام از دو آمده
خویش بعد دعا همین مضمون خواهند از ام الفضل و امة الجلیل و شیخ احمد حاجی برسد اخوی
اعزی ارشدی جامع کمالات صوری و معنوی محمد مظهر صاحب سلمه الله سبحانه از عبد الرشید بعد از
سلام گذارش آنکه اگر مبلغها برای خریدن مروارید نزد آن عزیز از جان نباشند از شیخ
جمال الدین صاحب قرض گرفته خرید نمایند و ضرور همراه خود آرند وقت رسیدن ایشان مبلغها فرستاده
خواهد شد و شیخ جمال الدین صاحب را هم از مضمون خط مطلع نمایند و حاجی عبد الغفار را سلام برسد
از فقیر محمد ارشاد حسین عفی عنه سلام مسنون و اشتیاق ملاقات [illegible] مطالعه فرمایند و از طرف
اخی اعظمی مولوی ولی النبی صاحب نیز سلام مسنون مطالعه فرمایند و از عزیز میان جمیل الرحمن
نیز مکتوب صد و بیست و چهارم نیز بصاحبزاده ممدوح صدور یافته متضمن دعای دخول وطن مالوف
و غیر ذلک فرزندی اعزی ارشدی سلمه الله الولی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون و دعوات
ترقیات مشحون مطالعه نمایند الحمد لله که خط روانگی آن قرة العین غره شهر حال رسیده مسرور ساخت
الله تعالی بحفظ خویش طی منازل نموده داخل وطن مالوف گرداناد و در رفقایش مانده را نیز آمین و یرحم
الله عبدا قال آمینا و اکثر برکه نیم اینجا است همه صغیر و کبیر بخیر اند اهلیه حاجی عبد الغنی صاحب بعارضه بخار
و ورم رحم بیمار است الله تعالی شفا عنایت فرماید فقط از فرزندی میان عبد الرشید و میان محمد عمر و جمیع
اکابر و اصاغر سلام مسنون مطالعه نمایند و از فقیر محمد ارشاد حسین عفی عنه سلام مسنون بپذیرا باد و از اخی
مولوی ولی النبی صاحب نیز مکتوب صد و بیست و پنجم بابن الخلیفه دو دولت محمد مظهر صدور یافته در
بیان ارسال مکتوب شریف جوابا بتقاضای [illegible] بفرزندی بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی

ارشدی [illegible] صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون گذارش آنکه رقیمتین الکریمتین
در دو ڈاک برای طلب جواب خط قاضی صاحب رسیده بود چنانچه جواب خط قاضی صاحب بر سبیل ڈاک
فرستاده ام انشاء الله تعالی رسیده باشد باقی حالات اینجا مقرون بخیر است بسبب ماه رمضان القدر معذور
مکتوبات از فرزندان سلام برسد مکتوب صد و بیست و ششم بحقائق و معارف آگاهی مولوی معز الدین صاحب
[illegible] صدور یافته در بیان [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله
ذی الطول و الآلاء و الصلوة و السلام علی سید الانبیاء و آله و اصحابه البررة الاتقیاء لا سیما الخلفاء الاربعة
الذین هم کالنجوم الاهتداء السؤال انه هل یجوز النوکری للنصاری میاومة و مشاهرة و معاومة او مطلقة
و هل کان فیه تفصیل و علی تقدیر عدم الجواز هل یفضی الی الکفر و علی تقادیر عدم الافضاء هل یحل لهم اخذ الاجرة
و علی تقدیر عدم الحل لهم هل کان [illegible] ما یاخذ الرئیس من النصاری سواء کان بنفس
او غیره و سواء کان الرئیس من المعمر المامون او المخوف من قطاع الطریق مثل النوکری ام دونه الجواب
ان الاجارة من النصاری و غیرهم من المشرکین مکروه للمسلمین عند اهل التحقیق قال المهلب کره اهل العلم ذلک
الا الضرورة بشرطین [illegible] ان یکون عمله فیما یحل للمسلم فعله و الآخر ان لا یعینه علی ما یعود ضرره علی المسلمین
کذا فی العینی حاشیة الصحیح البخاری و لا یرتاب ما قال الفقهاء ان المسلم اذا اجر نفسه ذمیا بالاجرة او اخذ
الاجرة علی بناء الکنیسة او البیعة ای ترمیمها یجوز و یطیب الاجرة لانه محمول علی الضرورة و الا فخدمته
للمسلم [illegible] عن اذلال نفسه و هو مکروه بالاتفاق الا الضرورة داعیة الیها و لا یؤدی الی ارتکابه
الی [illegible] الکفر و لا ینبغی للمسلمین ان یاخذوا من عطیاتهم لما فی تحصیله من الکراهیة و علی هذا لا یجوز لاهل
الاسلام مطلقا ان یاخذوا من النصاری اجرة اجراء الاحکام بمقتضی قوانینهم التی [illegible] الشرع و لا [illegible]
علی ذلک [illegible] لا یجوز اخذ اجرة القتال معهم من المسلمین و لا اخذ اجرة عمل یؤدی الی تعظیمهم و اذلال المؤمنین
[illegible] انه هل یجوز لنا اهانتهم بالاجرة علی تقدیر جواز [illegible]

بالاجرة والصلوة خلفهم وعليهم عند الموت على تقدير عدم الكفر يعني انهم كالفساق ام مثل قطاع الطريق
وقاتل الابوين والبغاة في عدم الصلوة عليهم الجواب يجوز امامتهم بالاجرة على تقدير جوازها بالاجرة ان
لم يكن المال مما اخذ من النصارى بوجه الكراهة ويجوز الصلوة عليهم وخلفهم لان النصارى ام عدم ارتكاب الكراهة
وهو لا يخرجهم عن دائرة الاسلام ولا يدخلهم في البغاة وغيرهم الذين لا يجوز الصلوة عليهم السوال انما حكم الشيخ
الذين خرجوا واشتغلوا ان كلاهما مثل البغاة ام لا مثل جاء السارقون واخذوا من القوم مواشيهم وذهبوا
الى قومهم فجاء المأخوذ منهم خلف السراق ولم يعطوا ما اخذوا والقوم يحاربون مع السارقين حتى اشتغلوا الجواب
الذين خرجوا خلف السراق وقطاع الطريق لتخليص مواشيهم المسروقة منهم وقاتلوا معهم يجوز لهم والقتيل منهم شهيد
قال في الدر المختار ويجوز ان يقاتل دون ماله وان لم يبلغ نصابا او دفع من يقاتله عليه لاطلاق الحديث من قتل
دون ماله فهو شهيد انتهى منه وفي حاشيته وهذا آخر ما اوردنا في الجواب والله سبحانه اعلم بالصواب وبه التوفيق
ومن بيده ازمة التحقيق مكتوب صد و بيست و هفتم باين كيفه مخدوم شان دولت محمد صدور يافته در بيان سفارش ميان داد محمد
براي توجهات وغيره ذلك بسم الله الرحمن الرحيم اخوي اعزي ارشدي حاجي صاحب سلمه الله تعالى از فقير احمد سعيد
بعد از سلام مسنون گذارش آنكه فقير مع الخير تا به ٹهٹه بلبر رسيديم و برادرم ملحق شد داد محمد را از خيار خدمت
نمودم كه بخدمت شريف حاضر خواهد شد از توجهات دريغ نفرمايند كه مخلص صميمي حضرت است فرزندان و برادران
و رفقا سلام مسنون برسد جميع دوستان اينجا مخصوص به دعا اند و مكتوب ايشان مصحوب برادرم رسيد
مكتوب صد و بيست و هشتم باين كيفه مخدوم شان دولت محمد صدور يافته در [illegible] سفارش [illegible] وغيره ذلك
دعا [illegible] بسم الله الرحمن الرحيم اخوي اعزي ارشدي حاجي صاحب سلمه الله تعالى از فقير احمد سعيد
گذارش آنكه فقير مع الخير نوزدهم رجب داخل گهوڑه باری گرديم چند روز به مقام [illegible] بخير ارادة
در روز دوشنبه روانه مقصود خواهم شد انشاء الله تعالى از دعا فراموش نفرمايند حامل رقيمه ملا داد محمد
از مخلصان خاص فقير است بهر كار يكه احتياج افتد مشار اليه را [illegible] حتى الامكان [illegible]

[illegible] رسيدن فقير خواهد شد والسلام از فرزندان و برادران و رفقا سلام مسنون برسد بمولوي [illegible] الدين [illegible]
[illegible] و مولوي رحيم بخش و مير عالم خان و مولوي محمد حسن و ناظر محمد صلاح و جميع آشنايان را سلام
رسانند فقط مكتوب صد و بيست و نهم باين كيفه مخدوم شان دولت محمد صدور يافته در بيان داخل شدن آنجناب
[illegible] و محمد نبي [illegible] عزم [illegible] كردن [illegible]
باين فقير بسم الله الرحمن الرحيم اخوي اعزي ارشدي حاجي صاحب حاجي دولت محمد صاحب سلمه الله تعالى از
فقير احمد سعيد بعد از سلام مسنون مطالعه فرمايند الحمد لله كه بتاريخ هفتم ماه شعبان داخل بندر ممبئي گرديم
عنقريب بسوار جهاز [illegible] خواهم شد خاطر شريف جمع دارند و بكار خود سرگرم باشند و بدعا [illegible]
[illegible] والسلام بجميع دوستان و مير عالم خان سلام رسانند مكتوب صد و سيم باين كيفه
[illegible] دولت محمد صدور يافته در بيان [illegible] داخل بيت الله شريف شدن حضرت [illegible]
[illegible] بالخير والعافية [illegible] دعا نمودن [illegible] براي فقير و جميع احباب بسم الله الرحمن الرحيم
اخوي اعزي ارشدي حاجي دولت محمد صاحب سلمه الله تعالى از فقير احمد سعيد بعد از سلام مطالعه فرمايند الحمد لله
كه بخيريت تمام مع متعلقان داخل بيت الله شريف گرديم و دعا ها براي [illegible] جميع احباب
نمودم لازم كه بهمه حاجيان كه اخلاص بفقير دارند بعد از سلام اطلاع [illegible] طلب
قاصد بهمين قدر اكتفا يافت والسلام مكتوب صد و سي و يكم باين كيفه دولت محمد صدور يافته
[illegible] در بيان رسيدن بمكه معظمه و طلب كتب شريفه اخوي اعزي ارشدي حاجي [illegible] محمد صاحب
سلمه الله تعالى از فقير احمد سعيد بعد سلام مسنون مطالعه فرمايند الحمد لله كه فقير مع متعلقان بخير و عافيت در مكه
معظمه رسيده [illegible] بيست و هفتم صفر ١٢٦٣ [illegible] بود و قطعه مكتوب [illegible] ايشان [illegible]
[illegible] و از تحرير مولوي غلام حسن صاحب كه نيز ديروز رسيده [illegible] محمد [illegible]
رفقاي فقير [illegible] معلوم گرديد [illegible] لازم است كه [illegible] راه [illegible]

مذکور معذرت کرده تا منبی رسانند از منبی شیخ جمال الدین روانه بغوث حضرت [illegible]
مذکور تا منبی و [illegible] ایشان است چنانچه سابق فقیر از ایشان تدبیر ارسال کتب [illegible] رفیقان
مذکور گفته هم بود و بجمیع محبان و مخلصان سلام مسنون رسانند [illegible]
[illegible] در بیان [illegible] فقیر [illegible] شریف [illegible]
شریف [illegible] جناب سید المرسلین صلی الله علیه و علی آله و اصحابه و سلم [illegible]
عنایات [illegible] در بیان [illegible] حضرت صلی الله تعالی [illegible] بلده [illegible] اختیار
نمودن [illegible] علیه و سلم نمودن [illegible] و غیر ذلک

بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی [illegible] سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون
و دعوات ترقیات مشحون مطالعه فرمایند الحمد لله که فقیر تا تحریر رقیمه هذا بخیریت است و المسئول من الله سبحانه
سلامتکم و عافیتکم و ترقیاتکم الصوریة و المعنویة از انعامات حق سبحانه و عنایات حبیبه صلی الله علیه و سلم
چه شرح دهم که لا تعد و لا تحصی است اگر بر تن من زبان شود هر موئی یکی شکر وی از هزار نتوانم کرد
چهار ماه در مکه معظمه اقامت نموده فیوضات و برکاتش اندازه که متعلق بسر اوقات عظمت و کبریائی
اوست بهره ور گشتم بعده در ماه ربیع الاول بعزیمت زیارت روضه منوره متوجه مدینه شریفه گردیدم
[illegible] جناب سید المرسلین [illegible] فرموده [illegible] معلوم در بیان [illegible]
و لا [illegible] مناسبات [illegible] حالا [illegible] حضرت صلی الله علیه و سلم اقامت
این بلده مبارکه اختیار نموده ام الله تعالی [illegible] جوار حضرت صلی الله علیه و سلم فرمایند [illegible] فقیر کرده [illegible]
مولوی غلام حسن رسیده اند از آنجا بمنبی نزد شیخ جمال الدین کشمیری تاجر ارسال [illegible] در پنجاب
تاکید مزید [illegible] و بجمیع مخلصان آنجا سلام مسنون رسانند و از فرزندان و برادر [illegible] سلام مسنون [illegible]
[illegible] از حال خانقاه [illegible] رسیده باشد [illegible]

بر آنجا مقیم [illegible] گردیده [illegible] صورت احوال خویش [illegible] رسیده باشد فقط احقر العباد محمد مظهر سلام و دعوات
میرسانند و طالب دعاست حق تعالی جناب شما را و احقر را باستقامت ظاهری و باطنی داشته
بر حیات [illegible] فرماید از خاتمه الوقت عنایت الله خان سلام مسنون [illegible] رجب [illegible]
مکتوب [illegible] درین [illegible] در بیان مقیم بودن جناب حضرت
[illegible]
[illegible]
و خانقاه شریف [illegible] احوال [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
و غیر ذلک بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی دوست محمد صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید
مجددی بعد سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه فرمایند الحمد لله که فقیر تا تحریر هذا [illegible]
[illegible] بخیریت تام در مدینه منوره علی صاحبها الصلوة و السلام مقیم است و المسئول من
الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم رقیمه کریمه [illegible] مصحوب [illegible] رسیده [illegible]
تعالی حالا نزد فقیر خواهر سید [illegible] شریف [illegible] تبرکات [illegible]
خواهر سید تبرکات را ملاحظه نموده تبرکی از آن برای [illegible] فرستاده خواهد شد لازم که [illegible]
حالات خویش [illegible] احوال [illegible] خانقاه شریف [illegible]
خاطر جمع [illegible] آبادی خانقاه از همه چیز پیش نظر باشد که سعادت دارین [illegible]
نورنگ خان [illegible] هستند [illegible] میر عالم خان و دیگر همه مخلصین [illegible] السلام
مسنون رسانند از برادر عزیز [illegible] و فرزندان [illegible] سلام مسنون خوانند الحمد لله که اوقات فقیر
بجمعیت گذرانیده [illegible] طریقه [illegible]

هرگاه وقت حلقه و مراقبه و ختمات معمول جاری است الله تعالی خاتمه بخیر کند امید از دوستان دعای حسن
خاتمه است لازم که از دعای غائبانه مدد و معاون بوده باشند زیاده چه تصدیع دهد فقط مکتوب
وسی و چهارم با محمد علیخان مرتب که یکی از مریدین مخلصین حضرت ایشان است صدور یافته متضمن تعلیم آیت
شریفه برای حصول صحت عارضه قلب و غیر ذلک بسم الله الرحمن الرحیم خانصاحب مهربان عزیز از جان محمد
علی خانصاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد سلام مسنون در دعوات صحت عافیه مقرون مطالعه فرمایند
رقیمه کریمه بورود مسعود مسرت بهار رسانید و مندرجش بوضوح انجامید الله تعالی صحت کامل عنایت فرماید و ظفر
هر دو آیه را معمول دارند انشاء الله تعالی سودمند خواهد شد و طریق خواندنش این است صد بار صبح و صد
بار شام درود فرمایند و بعد خواندن دعاء صحت نموده باشند و درود هفت هفت بار اول آخر چهار دو
آیت مذکوره جهت ربانی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا
من لدنک رحمة انک انت الوهاب و تا حصول ملاقات بذکر اشتغال شده باشند از برکت ذکر وسواس رفع خواهند
شد سوره قل اعوذ برب الناس بعد هر نماز سه سه بار خوانده بر قلب دمیده باشند و کلمه لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم صد بار صبح و صد بار شام معمول فرمایند و فقیر هم از دعا و توجه غائبانه قصور نخواهد
نمود فقط والسلام مکتوب صد و سی و پنجم بخانصاحب موصوف متضمن [illegible] صدور یافته بسم الله الرحمن الرحیم
خانصاحب مهربان عزیز از جان محمد علیخان صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون
در دعوات [illegible] صوری و معنوی و صحت ظاهری و باطنی مشحون مطالعه فرمایند رقیمه کریمه بورود مسعود
مسرت بهار رسانید [illegible] خویش کم فرموده ساختند [illegible] باید خواند و طریق [illegible] و اثبات [illegible]
مستحسن است و معمول خاندان ما نیز است اگر [illegible] مضائقه نیست الله تعالی [illegible]
در ذکر اسم ذات بخیر [illegible] بار از لطیفه قلب بخیال چنانچه تعلیم نموده ام کرده باشند [illegible] یعنی تصور
صورت فقیر رو بروی دل خود وقت ذکر نموده باشند و بعد صد بار بخیال بگویند که الهی مقصودی تو

من توئی و رضای تو محبت و معرفت خود عنایت کن بلکه انشاء الله تعالی فائده آن ظاهر
خواهد شد جلدی نفرمایند که صحبت کم شده است اعوذ بکلمات الله التامة من شر ما خلق بسم الله
الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء و هو السمیع العلیم سه سه بار صبح و شام
خوانده باشند تا فائده شود والسلام مکتوب صد و سی و ششم بخانصاحب [illegible]
[illegible] صدور یافته بسم الله الرحمن الرحیم خانصاحب مهربان عزیز از جان احمد علیخان
صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید مجددی بعد از سلام مسنون در دعوات صحت و عافیه مشحون مطالعه
فرمایند رقیمه کریمه [illegible] هندوی مبلغ بیست [illegible] بورود مسعود مسرت بهار رسانید مبلغ مرسله
تمام بوصول در آمد جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء و شفاکم الله تعالی شفاء عاجلاً بحرمت حبیبه
الاکرم صلی الله علیه و سلم دعا برای شفاء وقت سحر و دیگر اوقات هم نموده می شود الله تعالی اجابت
فرماید و سببی سازد که ملاقات ظاهری حاصل گردد و تا حصول آن بدعای غائبانه قصور نخواهد شد
امید قوی است که اجابت خواهد فرمود و در رمضان شریف مرقومه نیز رسید مکتوب صد و سی و هفتم
بخانصاحب [illegible] در بیان تعلیم آیه شریفه برای پیدا شدن زیور خانگی [illegible] صدور یافته
بسم الله الرحمن الرحیم خانصاحب مهربان عزیز از جان احمد علی خانصاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد
سلام مسنون در دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند رقیمه کریمه رسید مندرجش بوضوح انجامید از
دریافت صحت مزاج فی الجمله تسکینی حاصل شد الله تعالی صحت کلی عنایت [illegible]
زیور خانگی تردد [illegible] گشت الله تعالی پیدا آرد و بعد هر نماز عشاء آیه شریفه یا بنی انها ان تک
مثقال حبة من خردل فتکن فی صخرة او فی السموات او فی الارض یأت بها الله ان الله لطیف
خبیر یکصد و دوازده بار و همین قدر یا حفیظ هر روز ورد سازند تا زمان یافتن آن [illegible]
ملحوظ [illegible] از زیر سنگ [illegible] انشاء الله تعالی دعا خواهم نمود و نیز نموده شد

بحوالهٔ [illegible] شده [illegible]

الله تعالی با جابجت مقرون کناد فقط والسلام مکتوب صد و بیست و هشتم بنام صاحبزاده عالی تبار ...
حضرت شاه غلام صدیق صاحب قدس سره در بیان الحمد عافیت و تا یید فیض و ترغیب بسم الله الرحمن الرحیم

بجناب معلی القاب صاحبزاده عالی النسب الاحسب سلالة الاماجد والعظام الکرام نتیجة المشایخ
العظام مخدوم و مطاع نیاز کیشان علما و ملاذ عقیدت اندیشان فضلا ارباب تحقیق حضرت
مولانا غلام صدیق صاحب دام عنایتهم از کمترین درویشان ملک مکه و عاریشان احمد سعید مجددی
که از اسعد عرضداشت کلیشی بعد از اهدای هدیه منیفه سلام مسنون و تحیه التسلیمات الجولیة والجمالیه
مکشوف خاطر فیض مظاهر باد الحمد لله که احوال فقرای مجددیه بفضل رب المعبود مستوجب سپاس کریم
رب ودود است و مسئلت سلامتی ذات بابرکات صوفی زمان و متعلقان از درگاه خداوند منان مستدعی
باشیم عنایت نامه مدلل و صحیفه گرامی مشتمل بر خیریت خاطر مسعود و مشعر صفات در اسعد زمان و فرخنده اوان
نزول اجلال فرموده معزز و ممتاز ساخت از دریافت صحت مزاج مبارک حمد خداوند ... بجا آوردم
او تعالی جل شانه علی الدوام آن عالی مقام را در حفظ و حمایت خویش نگاه داشته فیض بخش عالم و عالمیان
کناد و موجب رواج طریقه شریفه مانند آبای کرام آن والا مقام و اولاد کرام این کمینه هلالار ...
در دعا خیر یاد فرموده باشند که از دعای بزرگان امیدوار اجابت و برای صاحبزاده حاجی دوست
محمد نیز تایید و تقویت مبذول فرموده باشند چه ایشان یکی از مخلصان این خاندان اند و بعضی اهالیان
آن بلاد [illegible] جادمیدار اند و پیوسته بارسال عنایت نامها متضمن صحت مزاج فیض امتزاج
سرافراز فرموده باشند چه نیازمندی درآن متصور است فقط بخدمت صاحبزادگان جداجدا ...
بلیبان از کمترین و بنده زاده محمد عبد الرشید و محمد عمر و محمد مظهر و دیگر خوردان بعد دعوات واضح باد
و بخدمت فیضدرجت نیز از ینجا آداب نیازمندیها قبول باد و از برخوردار محمد عبد الرشید
خاصه بعد از هزاران تمنای قدمبوسی ... التماس اینکه از عنایت نامه نامی تکلیف ...

تکلیف استکتاب نسخه عینی یا شرح صحیح بخاری شریف دریافت تمنا آنست که باین سرافرازی
عنایت استکتاب تمام و کمال و تصحیح هم منضم شده و بعد از آن بشرف وصول آن ممتاز شوم فقط

مکتوب حضرت صاحبزاده محمد عمر صاحب بر حضرت حاجی
دوست محمد صاحب صدور یافت

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی احلّ الاستقراض لعباده من عباده الصلحاء
واباح السوال عند مساس الحاجة للفقراء واجاز قبول الهدایا
اذا کانت لطیب نفس المُهدی واجاز ردّها فی حالة الغناء و
الصلوة والسلام علی سیدنا محمد الذی کان یقرض ویستقرض ویهدی
السلیمین ویُهدی من الاحباء اما بعد الحمد والصلوة وتبلیغ السلام
والتحیات از احقر البشر محمد عمر کان الله له عوضا عن کل شئ بخدمت
سالک مسالک طریقت ناهج مناهج حقیقت مجمع فیوض سبحانی منبع
علوم روحانی حضرت حاجی دوست محمد صاحب ادام الله سبحانه فیوضکم و
بقائکم لنوبسلم منوله الاسلام واضح باد صحیفه عنایت لطیف مع هدایا محبوب
ارسالنمودن موصول مطالعه فقیر گردیده موجب مسرت وابتهاج گردید
از انجاکه حضرت حق جل وعلی کرمتکفل جمیع حاجات وحاجت روائی کافه
بریات ... ...رم خویش عسرم را بیسر مبدل نموده و زمانه احتیاجم
منقرض فرموده وبعد ابای مرقوم بالا همه حاجات فقیر افزون و زاید است
وطریق حضرات سلف رضی الله عنهم در قبول آنچه زاید از حاجت باشد در
کتب سلوک طریقت وتصوف خلاف محرر و مرقوم است ممنوع و مذموم
لهذا کان صلی الله علیه وسلم یقبل من بعض الناس ویرد علی بعض لطویل

ودر تفصیل آن احتیاجی نه ابد فما اٰتانی الله خیر مما اٰتٰکم
بل انتم بهدیتکم تفرحون بهتر از ارسال تحفه و هدایا آن است
که فقیر را باوقات مخصوصه بدعای حسن خاتم و فوز مرام یاد دارند
عنایت محبت وکمال شفقت همین است منجمله آن بنظر اتباع سنت
قسمتی رسید بمضمون المؤمن حلو مصرف کرده شد و بکهودکلاه قند های
برخوردار فرزندام ابوالخیر عبد الله بسته کرده باقی نقد و جنس مرسل
خدمت است لتصرفوا الی من هو احوج من الفقیر وآن منبع خلوص
در ارسالش مثاب وماجور انه لان الاعمال بالنیات لکن چون
فرستادنش از ینقدر بعد مسافت خالی از تکلف و تعذر نیست
واقتصار بر دعا نمود عالیست والسلام خیر ختام



مکرر آنکه از ارسالنمودن مرسول در عدم ارسال آن اشیا
اصراری داشت فقیر از مصالح خود استرداد اش
مناسب انکاشت از مرسل و مرسول هر دو زعلی و کدورتی نه دارد
بلکه راضی و خوشنود است جزاکم الله خیراً

ولا تجعل فی قلوبنا غلاً للذین اٰمنوا ربنا انک
رؤف الرحیم فرزندی ابوالخیر عبد الله مسنون میرساند
مرقوم بیست ششم محرم سنه ۱۲۶۲ھ

۱۲۶ صفحه
۶۳ برگ